

آیا روایت «امامان دوازدهگانه» به صورت متواتر در منابع شیعه و سنی نقل شده است؟

سؤال کننده: محمدی

فهرست مطالب

جانشینان رسول خدا (ص) در روایات اهل سنت

الف: تعبیر «دوازده خلیفه»

ب: تعبیر «دوازده نقیب»

ج: تعبیر «دوازده قِیم امت»

د: تعبیر «دوازده امیر»

ه: تعبیر «دوازده مرد»

جانشینان رسول خدا (ص) در روایات شیعه

دسته اول؛ روایات مبین تعداد ائمه (ع)

الف: دوازده ائمه به تعداد نقباء بني اسرائيل:

ب: دوازده ائمه از اهل بيت و عترت پیامبر (ص)

طرق این روایت:

دسته دوم؛ روایات مبین نه امام از صلب امام حسین (ع)

طرق این روایت:

دسته سوم؛ تعیین اولین و آخرین فرد ائمه (ع)

طرق این روایت:

الف: تعبیر «أُولَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ»

ب: تعبیر «انت الامام ابو الائمة... منهم المهدي»

ج: تعبیر «اولهم اخي و آخرهم ولدي»

دسته چهارم؛ روایات صریح در اسم و مشخصات کامل ائمه (ع)

لوح جابر بن عبد الله انصاري از رسول خدا (ص)

روایت معراج «نشان داده شدن نور و اسامي امامان معصوم به پیامبر (ص)»

خبر دادن رسول خدا از نامهاي امامان به امير مؤمنان ، بعد از نزول آیه «تطهير»:

روایت سهل بن سعد انصاري از فاطمه زهرا (س)

روایت امام حسن (ع) از رسول خدا (ص)

روایت امام حسین (ع) از رسول خدا (ص)

روایت عبد الله بن عباس از رسول خدا (ص)

روایت جابر بن عبد الله انصاري از رسول خدا در ذیل آیه «اطيعوا الله»

روایت ابو حمزه ثمالی و پدرش از امام صادق (ع)

مقدمه

قبل از پرداختن به پاسخ این سؤال ، باید به يك مطلب اساسي توجه کرد و آن این که ، برای مدیریت جامعه اسلامي و ایجاد نظم و آرامش و اجرای قوانین اسلامي و حفظ شریعت و احکام الهی ، وجود امام و رهبر آگاه ، الزامی و نصب امام در این مقام ، ضروری است و همه امت اسلامي (جز خوارج) بر این مسأله اتفاق نظر دارند؛ اما تنها اختلاف در این است که آیا امام را باید خداوند در این جایگاه نصب کند و به مردم معرفی کند ، یا این که خود مردم می توانند آن را انتخاب کنند.

از دیدگاه شیعه ، مقام امامت ، يك مقام الهی است که نصب امام در این مقام ، تنها و منحصرأ در اختیار خداوند است. مردم و حتی خود امام و پیامبر هم در نصب امام ، اختیاری از خود ندارند. این دیدگاه شیعه ، بر دلائل عقلي و نقلی (قرآن و روایت) استوار است.

روایت ذیل یکی از دلائل روایی است که آن را مرحوم کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّائِ قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ أَبَانَ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرُوا الْأَوْصِيَاءَ وَذَكَرْتُ إِسْمَاعِيلَ فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَيْنَا وَمَا هُوَ إِلَّا إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَنْزِلُ وَاجِدًا بَعْدَ وَاجِدٍ.

ابو بصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که نام اوصیاء را بردند و من هم اسماعیل را نام بردم. حضرت فرمود: نه به خدا ، ای ابا محمد ، تعیین امام به اختیار ما نیست ، این کار تنها به دست خداست که در باره هر يك پس از دیگری فرو می فرستد.

الكليني الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص: 276 ، ح 1 ، «بَابُ أَنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعَهُودٌ مِنْ وَاجِدٍ إِلَيَّ وَاجِدٌ» ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

اهل سنت بر عکس دیدگاه شیعه ، قائل هستند که انتخاب جانشین رسول خدا صلي الله عليه وآله ، در اختیار خود مردم است.

حال با توجه به این نکته ، پاسخ اجمالی پرسش فوق این است:

طبق دیدگاه شیعیان ، جانشینان رسول خدا صلي الله عليه وآله ، دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت می باشند که حضرت در ضمن روایات ، علاوه بر ذکر تعداد ، نامها و تمامی مشخصات آنان را برای تصدی مقام امامت و خلافت بعد از خود بیان کرده است. این روایات را در ضمن چهار دسته بیان

در منابع اهل سنت نیز روایاتی تحت عنوان روایت «اثنا عشر خلیفة» نقل شده که برخی ویژگی‌های جانشینان رسول خدا نیز در آنها مطرح شده است. آنان با توجه به این روایات، تعداد جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله را دوازده تن می‌دانند؛ اما در تعیین مصداق آنها، شدیداً دچار اختلاف نظر شده‌اند و در مورد این روایت تحلیل‌های گوناگون نموده و نظریه‌های متعددی را ارائه داده‌اند.

اختلاف نظر و تحلیل آنها را در مورد روایت «اثنا عشر خلیفة» و نیز بررسی سندی را در فایل جدا گانه‌ای «تحلیل اهل سنت از خلفای اثنا عشر» بحث کرده‌ایم که به زودی بر روی همین سایت قرار خواهد گرفت.

پاسخ تفصیلی

همچنانکه اشاره شد، در باره امامان معصوم و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله، هم در منابع اهل سنت اشاره شده و هم در منابع شیعه روایات فراوان داریم. در ابتدا تنها به متن روایات اهل سنت اشاره می‌کنیم.

جانشینان رسول خدا (ص) در روایات اهل سنت

در منابع آنها راجع به دوازده جانشین رسول خدا صلی الله علیه وآله، تعبیرات مختلفی، همانند: «اثنا عشر خلیفة»، «اثنا عشر امیراً»، «اثنا عشر نقیباً» و «اثنا عشر قیماً»، به کار رفته است:

الف: تعبیر «دوازده خلیفة»

روایت «اثنا عشر» با این تعبیر، بخش قابل توجهی از منابع حدیث را به خود اختصاص داده، و توسط علمای طراز اول اهل سنت گزارش شده است.

از جمله مسلم بن حجاج نیشابوری، در صحیح خودش پنج روایت را از طریق جابر بن سمره، با تعبیر فوق نقل کرده است:

حدثنا قُتَيْبَةُ بن سَعِيدٍ وَأَبُو بَكْرِ بن أَبِي شَيْبَةَ قَالَا حَدَّثَنَا حَاتِمٌ وَهُوَ بن إِسْمَاعِيلَ عن الْمُهَاجِرِ بن مِسْمَارٍ عن عَامِرِ بن سَعْدٍ بن أَبِي وَقَّاصٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى جَابِرِ بن سَمْرَةَ مع غُلَامِي تَأْفِيعُ أَنْ أُخْبِرَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتُهُ من رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ جُمُعَةٍ عَشِيَّةَ رُجْمِ الْأَسْلَمِيِّ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ من قُرَيْشٍ».

عَامِر بن سَعْدِ بن أَبِي وَقَّاصٍ كَافَتْ: به جَابِر بن سَمْرَةَ نامہ نوشتہ و از او خواستم کہ مرا از برخی از احادیثی کہ از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم شنیدہ ، آگاہ سازد (و حدیثی از آن حضرت برایم روایت کند) او برایم چنین نوشت: روز جمعہ کہ شام سنگسار اسلمی بود ، از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم کہ می فرمود: «دین ، ہمیشہ برپاست تا این کہ قیامت فرارسد و بر شما دوازده خلیفہ باشد کہ ہمگی از قریش اند».

النيسابوري الفشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای 261ھ) ، صحیح مسلم ، ج 3 ، ص 1453 ، ح 1822 ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

صحیح مسلم روایات دیگری را نیز از جابر بن سمره گزارش کرده ، کہ در ابتدای آنها تعبیر متفاوت وجود دارد:

... يَقُولُ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً...

... يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً ،

... يَقُولُ: "لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيْعًا إِلَيَّ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً ،

... لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً...

النيسابوري الفشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای 261ھ) ، صحیح مسلم ، ج 3 ص 1452-1453 ، روایات 1821 ، 1822 ، 1823 ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

از آنجایی کہ این روایت با این تعبیر در صحیح ترین و معتبر ترین منابع اهل سنت نقل شده ، نیازمند بررسی سندی نیست.

این حدیث را علمای سرشناس دیگری از اهل سنت نیز روایت نموده اند کہ نام و آدرس دقیق کتب برخی از آنان را ذیلًا ملاحظه می نمایید:

البخاري الجعفي ، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفای 256ھ) ، التاريخ الكبير ، ج 8 ، ص 410 ، تحقیق: السيد هاشم الندوي ، ناشر: دار الفكر.

الشيبياني ، أحمد بن حنبل أبو عبدالله ، مسند أحمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 86 ، ح 20824 ، و 87 ح 20833 ، و 89 ح 20862 ، و ص 92 ، ح 20890 ، دار النشر: مؤسسة قرطبة مصر.

السجستاني الأردني ، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفای 275ھ) ، سنن أبي داود ، ج 4 ، ص 106 ، ح 4279 و 4280 ، تحقیق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، ناشر: دار الفكر.

التميمي البستي ، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفى 354 هـ) ، الثقات ، ج 7 ، ص 241 ، تحقيق السيد شرف الدين أحمد ، ناشر: دار الفكر ، الطبعة: الأولى ، 1395 هـ - 1975 م.

الحاكم النيسابوري ، ابو عبدالله محمد بن عبدالله ، المستدرک علي الصحيحين ، ج 3 ، صفحہ 715 و 716 احاديث 6586 و 6589 ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى ، 1411 هـ - 1990 م.

....9

ب: تعبير «دوازده نقيب»

تعبير دوم در مورد روایت «اثنا عشر» ، تعبير «اثنا عشر نقيباً» است که تعداد جانشینان رسول خدا صلي الله عليه وآله را به تعداد نقيبان حضرت موسي عليه السلام است ، برابر است.

احمد بن حنبل در مسندش این روایت را از عبد الله بن مسعود آورده است:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسن بن موسى ثنا حماد بن زيد عن المجالد عن الشعبي عن مسروق قال: كنا جلوساً عند عبد الله بن مسعود وهو يُقرئنا القرآن فقال له رجل: يا أبا عبد الرحمن هل سألتُم رسولَ الله صلي الله عليه وسلم كم تملك هذه الأمة من خليفة؟ فقال عبد الله بن مسعود: ما سألتني عنها أحدٌ منذُ قدمتُ العراقَ قبلكَ ثم قال: نعم. ولقد سألتنا رسولَ الله صلي الله عليه وسلم فقال: اثنا عشرَ كعدة نقيباء بني إسرائيل .

مسروق گفت: ما در نزد عبد الله ابن مسعود نشسته بودیم و او برای ما قرآن می خواند ، مردی به او گفت: یا ابا عبد الرحمن آیا شما از رسول خدا صلي الله عليه وآله پرسیدید که بعد از او چند خلیفه خواهند آمد؟ عبد الله گفت: از هنگامی که از عراق وارد شده ام کسی این موضوع را از من پرسیده است ، ما از رسول خدا پرسیدیم فرمودند: خلفاء من دوازده نفرند مانند نقباء بني اسرائيل.

الشيبياني ، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى 241 هـ) ، مسند أحمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 398 ، ح 3781 ، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

ابن حجر عسقلاني که از سرشناس ترین چهره های حدیثی اهل سنت است پس از نقل این حدیث در مورد سند آن می نویسد:

(هذا اسناده حسن .)

سند این حدیث ، حسن است.

العسقلاني الشافعي ، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ) ، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية ، ج 9 ، ص 286 ، ح 2093 ، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري ، ناشر: دار العاصمة/ دار الغیث ، الطبعة: الأولى ، السعودية - 1419 هـ.

ابن حجر عسقلاني در جاي ديگر ، سيوطي ، ابن حجر هيتمي ، عاصمي شافعي و مباركفوري شارح جامع ترمذي نيز بعد از نقل روايت نوشته اند:

أما حديث بن مسعود فأخرجه أحمد والبخاري بسند حسن أنه سئل كم يملك...

العسقلاني الشافعي ، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفاي 852 هـ) ، فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ج 13 ، ص 212 ، تحقيق: محب الدين الخطيب ، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

السيوطي ، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفاي 911 هـ) ، تاريخ الخلفاء ، ج 1 ، ص 10 ، تحقيق: محمد محي الدين عبد الحميد ، ناشر: مطبعة السعادة - مصر ، الطبعة: الأولى ، 1371 هـ - 1952 م.

الهيتمي ، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر (متوفاي 973 هـ) ، الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة ، ج 1 ، ص 54 ، تحقيق عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط ، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة: الأولى ، 1417 هـ - 1997 م.

العاصمي المكي ، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي (متوفاي 1111 هـ) ، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي ، ج 2 ، ص 406 ، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض ، ناشر: دار الكتب العلمية.

المباركفوري ، أبو العلا محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم (متوفاي 1353 هـ) ، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذي ، ج 6 ، ص 394 ، دار الكتب العلمية - بيروت.

برخي از منابع ديگر اهل سنت كه اين روايت را آورده اند از قرار ذيل است:

أبو يعلي الموصلي التيمي ، أحمد بن علي بن المثنى ، مسند أبي يعلي ، ج 9 ، ص 222 ، تحقيق: حسين سليم أسد ، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق ، الطبعة: الأولى ، 1404 هـ - 1984 م

الطبراني ، ابوالقاسم سليمان بن أحمد بن أيوب ، المعجم الكبير ، ج 10 ، ص 157 ، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي ، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل ، الطبعة: الثانية ، 1404 هـ - 1983 م.

الحاكم النيسابوري ، ابو عبدالله محمد بن عبدالله ، المستدرک علي الصحيحين ، ج 4 ، ص 546 ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى ، 1411 هـ - 1990 م.

الرازي ، تمام بن محمد الرازي أبو القاسم ، الفوائد ، ج 2 ، ص 231 ، ج 16 ص 286 ، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي ، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض ، الطبعة: الأولى ، 1412 ،

المقدسي ، مطهر بن طاهر ، ذخيرة الحفاظ ، ج 3 ، ص 1660 ، تحقيق: د. عبد الرحمن الفريوائي ، ناشر: دار السلف - الرياض ، الطبعة: الأولى ، 1416 هـ - 1996 م.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی ، ابي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله ، (متوفای 571هـ) ، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل ، ج 16 ، ص 286 ، تحقیق: محب الدین ابي سعید عمر بن غرامة العمری ، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1995.

الأفریقی ، محمد بن مکرم بن منظور الأفریقی المصري ، مختصر تاریخ دمشق ، ج 3 ، ص 43 ، دار النشر: طبق برنامه الجامع الكبير..

السیوطی ، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن ابي بكر (متوفای 911هـ) ، الفتح الكبير في ضم الزيادة إلى الجامع الصغير ، ج 1 ، ص 368 ، دار النشر: دار الفکر - بیروت / لبنان - 1423هـ - 2003م ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: یوسف النبهانی

السیوطی ، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن ابي بكر (متوفای 911هـ) ، تاریخ الخلفاء ، ج 1 ، ص 10 ، تحقیق: محمد محي الدين عبد الحميد ، ناشر: مطبعة السعادة - مصر ، الطبعة: الأولى ، 1371هـ - 1952م.

السیوطی ، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن ابي بكر (متوفای 911هـ) ، جامع الاحادیث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير) ج 2 ، ص 363 و ج 9 ، ص 343

الهیثمی ، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر (متوفای 973هـ) ، الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة ، ج 1 ، ص 54 ، تحقیق عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط ، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ - 1997م.

ج: تعبیر «دوازده قیم امت»

تعبیر دیگر این روایت ، «اثنا عشر قیماً» است که با سند صحیح ، در منابع اهل سنت یافت می شود. ابوعلی موصلی (متوفای 307هـ) از محدثین قدیمی و شهیر اهل سنت می نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ تَعْلَبَةَ بْنِ سَوَائٍ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَوَائٍ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ الشَّعْبِيِّ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ قِيَمًا ، ثُمَّ هَمَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكْلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا ، قُلْتُ لِأَبِي: مَا الْكَلِمَةُ الَّتِي هَمَسَ لَهَا؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

جابر بن سمره گفت: ما در کنار پیامبر صلی الله علیه وسلم نشستیم بودیم که فرمود: «این امت دوازده قیم خواهد داشت» سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم آهسته سخنی گفت که نشنیدیم به پدرم گفتم: سخنی که آن را آهسته گفت: چه بود؟ گفت: «همگی از قریش اند».

أبو یعلی الموصلی التیمی ، أحمد بن علي بن المثنی ، مسند ابي يعلي ، ج 1 ، ص 79 ، تحقیق: حسین سلیم أسد ، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق ، الطبعة: الأولى ، 1404 هـ - 1984م

منابعی دیگری نیز این روایت را نقل کرده اند:

الطبراني ، ابوالقاسم سليمان بن أحمد بن أيوب (متوفى 360هـ) ، المعجم الكبير ، ج 2 ، ص 196 ، ح 1794 و ص 256 ، ح 2073 ، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي ، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل ، الطبعة: الثانية ، 1404هـ - 1983م.

الطبراني ، ابوالقاسم سليمان بن أحمد بن أيوب (متوفى 360هـ) ، المعجم الأوسط ، ج 3 ، ص 201 ، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد ، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني ، ناشر: دار الحرمين - القاهرة - 1415هـ.

الهيثمي ، ابوالحسن علي بن أبي بكر (متوفى 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنيع الفوائد ، ج 5 ، ص 191 ، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة ، بيروت - 1407هـ.

السيوطي ، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى 911هـ) ، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير) ، ج 9 ، ص 343 ، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الهندي ، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين (متوفى 975هـ) ، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، ج 6 ، ص 36 ، ج 12 ، ص 17 ، تحقيق: محمود عمر الدمياطي ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة: الأولى ، 1419هـ - 1998م.

بررسی سند روایت:

در سند روایت ، 1. محمد بن ثعلبه ، 2. محمد بن سواء ، 3. سعيد ، 4. قتاده ، 5. شعبي ، 6. جابر بن سمره قرار دارد که جز محمد بن ثعلبه بقیه آنها از راویان بخاری و مسلم هستند.

1. محمد بن ثعلبه:

محمد بن ثعلبه بن سواء سدوسي ، برادر زاده محمد بن سواء راوي بعدي است که در نزد اهل سنت از راویان معتبر به حساب می آید ، چنان که ابن حجر عسقلانی در مورد او می نویسد:

محمد بن ثعلبة بن سواء بفتح الواو والمد السدوسي بفتح المهملة البصري صدوق.

او محمد بن ثعلبه بن سواء سدوسي بصري و راستگو است.

العسقلانی الشافعي ، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ) ، تقریب التهذیب ، ج 1 ، ص 471 ، تحقيق: محمد عوامة ، ناشر: دار الرشيد - سوريا ، الطبعة: الأولى ، 1406 - 1986.

همچنین مقدسي ، روایتی را که محمد بن ثعلبة بن سواء در سلسله سند آن واقع است ، صحیح معرفی می نماید:

أخبرنا محمد بن أحمد بن نصر بأصبهان أن أبا علي الحداد أخبرهم وهو حاضر أبنا أبو نعيم أبنا محمد بن معمر بن ناصح ثنا موسى بن هارون بن عبد الله القزاز ثنا محمد بن ثعلبة بن سواء ثنا عمي محمد

بن سواء ثنا سعيد ثنا قتادة عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: تراصوا صفوفكم وقاربوا بينها وحاذوا بين المناكب والأعناق فوالذي نفس محمد بيده إني لأرى الشيطان يتحاكها من وراء الصفوف كأنها عليه السلام الحذف. إسناده صحيح.

... سند این حدیث ، صحیح است.

المقدسي الحنبلي ، ابو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد (متوفى 643هـ) ، الأحاديث المختارة ، ج 7 ، ص 42 ، تحقيق عبد الملك بن عبد الله بن دهب ، ناشر: مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة ، الطبعة: الأولى ، 1410هـ.

2. محمد بن سواء سدوسي:

او از رجال صحیح بخاری و مسلم است و ذهبی در موردش چنین می نویسد:

محمد بن سواء (ح م) السدوسي أحد الثقات المعروفين.

او محمد بن سواء (ح م) سدوسي یکی از موثقین معروف است.

الذهبي الشافعي ، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ) ، ميزان الاعتدال في نقد الرجال ، ج 6 ، ص 181 ، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة: الأولى ، 1995م.

و در کتاب دیگر در باره او می گوید:

محمد بن سواء بن عنبر السدوسي خ. م. د. ن. ق.... وكان ثقة ، نبيلاً ، صاحب حديث.

او محمد بن سواء بن عنبر سدوسي خ. م. د. ن. ق.... که موثق ، اصیل و صاحب حدیث بود.

الذهبي الشافعي ، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ) ، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، ج 12 ، ص 367 ، تحقيق د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت ، الطبعة: الأولى ، 1407هـ - 1987م.

3. سعيد بن أبي عروبه:

او نیز از رجال صحیح بخاری و مسلم است و همچنین ذهبی در مورد او می نویسد:

سعيد بن أبي عروبة مهران الامام الحافظ أبو النضر العدوي مولا هم البصري أحد الاعلام.

او سعيد بن أبي عروبه مهران ، امام و حافظ أبو نضر عدوي مولاي آنان و بصري و یکی از اعلام است.

4. قتاده بن دعامة بن قتاده:

او نیز از رجال صحیح بخاری و مسلم است و ذهبی از او با تعبیر یکی از ائمه اعلام یاد می کند:

قتاده بن دعامة ابن قتادة بن عزيز ، وقيل غير ذلك في نسبه ، أبو الخطاب السدوسي البصري الأعمي الحافظ ، أحد الأئمة الأعلام .

او قتاده بن دعامة ابن قتاده بن عزيز ، ... أبو الخطاب سدوسي بصري نابينا وحافظ و یکی از ائمه اعلام است.

الذهبي الشافعي ، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ) ، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، ج 7 ، ص 453 ، تحقيق د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت ، الطبعة: الأولى ، 1407 هـ - 1987 م.

5. شعبي:

او عامر بن شراحيل شعبي و از رجال صحیح بخاری و مسلم است و البته همین مقدار در اعتبار او در نزد اهل سنت کفایت می کند.

علاوه بر آن ، ذهبی رجال سرشناس اهل سنت ، در مورد او می گوید:

الشعبي علامة التابعين أبو عمرو عامر بن شراحيل الهمداني الكوفي من شعب همدان مولده في أثناء خلافة عمر في ما قيل ، كان إماما حافضا فقيها متفنا ثبنا متقنا.

شعبي داناترين فرد تابعين (کسانی که از نظر زمانی پس از عصر صحابه قرار دارند) أبو عمرو ، عامر بن شراحيل همداني کوفي از مردم همدان است طبق قولی تاریخ تولد او ، اواسط خلافت عمر است می باشد ، او إمام ، حافظ و فقیهی ماهر و دارای جایگاهی ثابت و استوار است.

الذهبي الشافعي ، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ) ، تذكرة الحفاظ ، ج 1 ، ص 79 ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة: الأولى.

6. جابر بن سمره:

آخرین راوی جابر بن سمره است که او از جمله صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله می باشد. صحابه از منظر اهل سنت فوق توثیق بوده و علاوه بر آن ، سمره از راویان صحیح بخاری و مسلم نیز می باشد.

د: تعبیر «دوازده امیر»

این حدیث نیز از طریق جابر بن سمره ، با عبارت «اثنا عشر امیراً» در منابع دست اول اهل سنت ، منعکس شده است. از جمله بخاری صاحب صحیح ترین کتاب حدیثی اهل سنت ، نقل کرده است:

حدثني محمد بن الْمُتَنِّي حدثنا عُنْدَرُ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا» فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ: أَبِي إِنَّهُ قَالَ: «كَلِمَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ».

... جابر بن سمره گفت: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «دوازده امیر (برای شما) خواهد بود» سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم سخنی گفت که نشنیدم ، پدرم گفت پیامبر فرمود: « آنها همگی از قریش اند»

البخاري الجعفي ، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفای 256هـ) ، صحیح البخاری ، ج 6 ، ص 2640 ، ح 6796 ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا ، ناشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت ، الطبعة: الثالثة ، 1407 - 1987.

این حدیث نیز نیازی به بررسی سندی ندارد؛ زیرا که در صحیح ترین کتاب روایی اهل سنت روایت شده است.

برخی دیگر از استوانه های اهل سنت نیز این حدیث را در کتب خود منعکس نموده اند از جمله:

الشیباني ، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ) ، مسند أحمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 90 ، 92 ، 95 ، 97 ، 107 ، روایات به ترتیب صفحه ، 20868 ، 2091 ، 20934 ، 20960 ، 21077 ، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

الترمذي السلمي ، محمد بن عيسى أبو عيسى ، الجامع الصحيح سنن الترمذي ، ج 4 ، ص 501 ، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

الاسفرائني ، أبو عوانة يعقوب بن إسحاق (متوفای 316هـ) ، مسند أبي عوانة ، ج 4 ، ص 370 ، ناشر: دار المعرفة - بیروت

الطبراني ، ابوالقاسم سليمان بن أحمد بن أيوب (متوفای 360هـ) ، المعجم الكبير ، ج 2 ، ص 197 ، 3 ، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي ، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل ، الطبعة: الثانية ، 1404 هـ - 1983 م.

الدارقطني البغدادي ، ابوالحسن علي بن عمر (متوفای 385هـ) ، العلل الواردة في الأحاديث النبوية ، ج 13 ، ص 409 ، تحقیق: د. محفوظ الرحمن زين الله السلفي ، ناشر: دار طيبة - الرياض ، الطبعة: الأولى ، 1405 - 1985 م

هـ: تعبیر «دوازده مرد»

در برخی از روایات جابر بن سمره ، جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله با تعبیر: «اثنا عشر رجلاً» معرفی شده است.

مسلم نیشابوری در صحیح مسلم آورده است:

حَدَّثَنَا أَبُو أَبِي عُمَرَ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا، ثُمَّ تَكَلَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَلِمَةٍ خَفِيَتْ عَلَيَّ ، فَسَأَلْتُ أَبِي مَاذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: كَلَّمُهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

جابر بن سمره می گوید: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم می گفت: تا زمانی که دوازده نفر مردم را سرپرستی می کنند ، امر مردم می گذرد. پیامبر سخنی گفت که بر من آشکار نشد. از پدرم پرسیدم رسول خدا چه فرمود: پدرم گفت: رسول خدا فرمود: همه آنها از قریش اند.

النیشابوری القشیری ، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای 261هـ) ، صحیح مسلم ، ج 3 ، ص 1452 ، ح 1821 ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

راویان این روایت همه از روایت صحیح بخاری و مسلم می باشند و از جانب علمای رجال اهل سنت توثیق شده اند. این روایت در منابع ذیل هم نقل شده است:

العسقلانی الشافعی ، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ) ، فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ج 13 ، ص 211 ، تحقیق: محب الدین الخطیب ، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

الحمیدی ، محمد بن فتوح (متوفای 488هـ) ، الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ، ج 1 ، ص 337 ، تحقیق د. علی حسین البواب ، ناشر: دار ابن حزم - لبنان/ بیروت ، الطبعة: الثانية ، 1423هـ - 2002م.

ملا علی القاری ، نور الدین أبو الحسن علی بن سلطان محمد الهروی (متوفای 1014هـ) ، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ، ج 3 ، ص 1687 ، تحقیق: جمال عیتانی ، ناشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت ، الطبعة: الأولى ، 1422هـ - 2001م.

نتیجه:

تا این جا به دست می آید که روایت «اثنا عشر» با تعبیرات فوق ، در منابع اهل سنت ذکر شده و ثابت می کند که بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله دوازده نفر جانشین آن حضرت هستند و این روایت ، از نظر سند نیز اشکالی ندارد و مورد تأیید علمای آنان است.

نکته قابل توجه این است که این روایات با همه اختلافاتی که در تعبیر دارند ، در چند مطلب اساسی مشترک اند:

الف: رسول خدا صلی الله علیه وآله برترین افراد را بعد از خودش برای رهبری امت اسلام تا دامنه قیامت معین و مشخص کرده است.

ب: شمار پیشوایانی را آن حضرت تأیید کرده ، دوازده نفر است.

ج: ویژگیهای برای خلفاء رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روایات بیان شده ، که جز بر امامان معصوم از نظر شیعه ، بر کسی دیگر تطبیق نخواهد کرد.

این حقیقت بعد از نقل روایات شیعه ، که از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست ما رسیده ، بیشتر روشن می شود که اهل بیت علیهم السلام علاوه بر بیان این حقیقت ، نام جانشینان پیامبر و صفات آنان را به صورت دقیق بازگو نموده اند.

جانشینان رسول خدا (ص) در روایات شیعه

در منابع شیعه ، روایات بیشتر و روشن تری آمده که امامان و جانشینان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را هم از نظر تعداد و هم از نظر حسب و نسب و مشخصات و اسم معین می کنند. برخی از این روایات ، همان روایات معروف «اثنا عشر خلیفه» می باشد ، که به برخی از آنها اشاره شد.

تواتر روایات «دوازده جانشین» در منابع شیعه:

در منابع شیعه ، روایات در مورد تعداد و مشخصات جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در حد متواتر است.

تعریف تواتر:

روایت متواتر آن روایتی است که به واسطه نقل راویان زیادی ، برای ما علم و قطع به صدور روایت حاصل شود (البته منشأ این علم و قطع ، کثرت راویان است نه قرائن خارجی) و راویان در هر طبقه متعدد باشند به گونه ای که توافق و تعمد آنها بر دروغ گفتن محال باشد.

شهید ثانی خبر متواتر را این گونه تعریف کرده است:

هو: ما بلغت رواه في الكثرة مبلغا ، أحالت العادة تواطؤهم - أي: اتفاقهم - علي الكذب. واستمر ذلك

متواتر روایتی است که راویان آن از جهت کثرت در حدی باشند که توافق آنان بر دروغ گفتن محال باشد. و این وصف در تمام طبقات نقل از نگاه تعدد استمرار داشته باشد.

العاملی ، زین الدین بن علی بن أحمد الجعفی العاملی ، معروف به شهید ثانی (متوفای 965هـ) ، الرعاية في علم الدراية ، ص 62 ، تحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال ، ناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي - قم المقدسة ، الطبعة الثانية 1408

میرزای قمی نیز در قوانین متواتر را این گونه تعریف کرده است:

أما المتواتر فعرفه الأكترون بأنه خبر جماعة يفيد بنفسه القطع بصدقه.

بسیاری خبر متواتر را این گونه تعریف کرده اند: متواتر خبر جماعتی است که به نفسه مفید قطع به راست بودن خبر بدهد.

القمي ، میرزا ابو القاسم ، (متوفای 1231 هـ) ، قوانین الأصول ، ص 420 ، چاپخانه: حجرية قديمة.

اقسام تواتر:

علمای علم حدیث برای تواتر اقسامی را ذکر کرده اند:

1. تواتر لفظی:

تواتر لفظی آن است که الفاظ به کار برده شده در یک روایت طبق نقل همه راویان یکی باشد مانند روایت «من كنت مولاه فعلي مولاه».

2. تواتر معنوی:

تواتر معنوی آن است که روایات گرچه از نظر لفظ در نقل راویان متعددند؛ اما همه آنها يك معنا را ثابت می کنند. روایات مورد بحث ما از قسم دوم است.

در پژوهش حاضر این روایات ، در قالب چند گروه دسته بندی شده و در هر دسته ای ، تعدادی از روایات ذکر شده است و ما هم در هر دسته ، تنها شماری از روایات را متذکر می شویم. از آنجایی که روایات هر دسته در حد متواتر هستند نیاز به بررسی سند نخواهد بود.

دسته اول؛ روایات مبین تعداد ائمه (ع)

دسته نخست روایاتی است که تعداد امامان معصومین علیهم السلام را بیان می کنند.

تعدادی از این روایات ، تعبیراتی همانند «اثنا عشر خلیفة» ، «اثنا عشر امیراً» ، «اثنا عشر نقیباً» و «اثنا عشر رجلاً» را دارند که همه از جابر بن سمره نقل شده و قبلاً آنها را از منابع اهل سنت نقل کردیم. به این جهت از ذکر مجدد این روایات خود داری می کنیم.

شمار دیگری از این دسته ، نیز با تعبیر: «الائمة بعدی اثنا عشر» ، «الائمة بعدی عدد نقباء بني اسرائيل» و «اثنا عشر من اهل بيتي» و.. در منابع شیعه نقل شده است:

الف: دوازده ائمه به تعداد نقباء بني اسرائيل:

دسته ای از روایات ، با تعبیر «الائمة بعدی عدد نقباء بني اسرائيل» ، از طریق تشبیه به نقباء بني اسرائيل ، تعداد امامان معصوم و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله را بیان کرده اند.

طرق این روایت:

این روایات ، توسط امامان معصوم امیرمؤمنان علی ، فاطمه زهرا ، امام حسن مجتبی ، و امام حسین علیهم السلام و از طریق صحابیان رسول خدا همانند: عبد الله بن عباس ، ابوذر غفاری ، انس بن مالک ، ابوهریره ، زید بن ارقم ، واثله بن اسقع ، حذیفه بن اسید ، عمران بن حصین ، حذیفه بن یمان ، ابو قتاده ، ام سلمه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه وآله ، از آن حضرت نقل شده است در اینجا به چند طریق آن اشاره می کنیم:

1. روایت ابو حمزه از امام باقر (ع) : « وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَيْ عَشَرَ وَصِيًّا »

مرحوم کلینی در روایت صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرموده است: خداوند بعد از رسول خدا دوازده وصی قرار داده است:

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَيَّ الْجَنَّةِ وَالْإِنْسِ وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَيْ عَشَرَ وَصِيًّا مِنْهُمْ مَنْ سَبَقَ وَمِنْهُمْ مَنْ بَقِيَ وَكُلُّ وَصِيٍّ جَرَتْ يَدُهُ سُنَّةً وَالْأَوْصِيَاءُ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ سُنَّةٌ أَوْصِيَاءِ عَيْسَى وَكَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيٌّ سُنَّةَ الْمَسِيحِ.

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خدا محمد صلی الله علیه وآله را به سوی جن و انس فرستاد و پس از او 12 وصی قرار داد که برخی از ایشان گذشته و برخی باقی مانده اند و نسبت به هر وصی ، سنت و روش خاصی جاری شد (چنانچه امام حسن صلح فرمود و امام حسین جنگید و امام صادق علیهم السلام نشر علم فرمود) و اوصیائی که بعد از محمد صلی الله علیه وآله می باشند به روش اوصیاء عیسی هستند (از لحاظ شماره یا ستم دیدن از دشمنان) و دوازده نفرند و امیر المؤمنین علیه السلام روش مسیح را دارد (یعنی پیروان علی علیه السلام مانند پیروان مسیح سه دسته شدند

، برخی او را خدا دانستند و پرستیدند و برخی او را خطا کار و کافر پنداشتند و برخی به عقیده حق پا برجا بودند و به امامتش قائل شدند ، و یا تشبیه آن حضرت به مسیح از نظر زهد و عبادت و پوشاک و خوراک زبر و خشن است) .

الکلبینی الرازی ، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ) ، الأصول من الکافی ، ج 1 ، ص 532 ، ح 10 ، ناشر: اسلامیه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

طبق نقل شیخ صدوق در خصال و عیون ، مراد از محمد بن فضیل ، محمد بن فضیل صیرفی است:

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381 هـ) ، الخصال ، ص 478 ، تحقیق ، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری ، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة ، سال چاپ 1403 - 1362

القمي ، ابي جعفر الصدوق ، محمد بن علی بن الحسین بن بابويه (متوفای 381 هـ) ، عیون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 59 ، تحقیق: تصحیح وتعلیق وتقدیم: الشیخ حسین الأعلمی ، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

بررسی سند روایت:

1. علی بن ابراهیم بن هاشم:

علی بن ابراهیم بن هاشم از نظر علمای رجال ، موثق است. ما در این جا نظر دوتن از بزرگان را نقل می کنیم: نجاشی در باره او می نویسد:

علی بن ابراهیم بن هاشم أبو الحسن القمي ، ثقة في الحديث ، ثبت ، معتمد ، صحيح المذهب.

علی بن ابراهیم بن هاشم... موثق در روایت ، حجت ، مورد اعتماد و صحيح المذهب است.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای 450 هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 260 ، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416 هـ.

2. محمد بن عیسی بن عبید:

در وثاقت این شخص میان علمای رجال دو نظریه است.

شیخ طوسی و عده ای ایشان را ضعیف می داند و شیخ با عبارت «قیل» غلو را هم به او نسبت داده است. مرحوم علامه مامقانی در تنقیح و آقاي خویی در معجم الرجال و دیگران از این نظر جواب داده اند.

نجاشی که برترین رجال شناس شیعه است او را موثق دانسته و می گوید:

محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین بن موسی مولی أسد بن خزیمه ، أبو جعفر ، جلیل فی (من) أصحابنا ، ثقة ، عین ، کثیر الروایة ، حسن التصانیف.

محمد بن عیسی پسر عبید بن یقطین بن موسی غلام اسد بن خزیمه کنیه اش ابو جعفر و در میان اصحاب ما یک شخص موثق ، آقا و مورد توجه ، دارای روایت فراوان ، دارای تصنیفات نیکو است.

النجاشی الأسدی الکوفی ، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی ، ص 333 ، تحقیق: السيد موسی الشیبیری الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

آقای خویی می فرماید: این شخص با محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین متحد است و بعد از نقل سخنان نجاشی و دیگران در وثاقت او ، می نویسد:

بقي هنا أمور: الأول: أنك عرفت من النجاشي وثاقة الرجل ، بل هو ممن تسالم أصحابنا علي وثاقته وجلالته...

چند امر باقی مانده است. امر نخست این است که از عبارت نجاشی وثاقت این مرد را دانستی؛ بلکه او از جمله کسانی است که اصحاب ما بر وثاقت و جلالتش اتفاق دارند...

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفای 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 18 ، ص 121 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

علامه حلی بعد از نقل اقوال در باره او می گوید:

والأقوي عندي قبول روايته.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 242 ، تحقیق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

علامه مامقانی نیز بعد از چند صفحه بحث در باره او و نقد نظریه مخالف ، می نویسد:

و بالجملة فالحق وثاقة الرجل و صحة احاديثه المسددة من جهته...

مامقانی ، عبدالله ، تنقيح المقال في علم الرجال ، ج 3 ، ص 169 ، ناشر: المكتبة المرتضوية ، نجف اشرف 1350 هـ

3. محمد بن فضیل صیرفی:

سومین راوی ، محمد بن الفضیل صیرفی است. گرچه از جانب برخی علمای رجال ایشان متهم به

شیخ طوسی در باره او می نویسد:

محمد بن الفضیل اُزَدي ، صیرفی ، یرمی بالغلو ، له کتاب.

الطوسی ، الشیخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسی ، ص 365 ، تحقیق: جواد القیومی
الأصفهانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

علامه حلی نیز در خلاصه الاقوال و ابن داوود حلی در رجال آورده اند:

محمد بن الفضیل- بالیاء بعد الضاد - من أصحاب الرضا (علیه السلام) ، اُزَدي صیرفی ، یرمی بالغلو.

الحلی الأسدی ، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال ، ص 395 ،
تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

الحلی ، تقي الدين الحسن بن علي بن داود (متوفای 740هـ) ، رجال ابن داود ، ص 275 ، تحقیق و تقدیم: السيد محمد صادق آل بحر
العلوم ، ناشر: منشورات مطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ، 1392 - 1972 م

ابن غضائری و برخی دیگر به پیروی از او ، بسیاری از راویان موثق را به دلیل این که روایات فضائل و
علم غیب و.. ائمه را نقل کرده اند ، متهم به غلو نموده اند و محمد بن فضیل نیز یکی از آنان است.

نمازی شاهرودی در مستدرکات علم رجال می نویسد:

محمد بن الفضیل بن کثیر الأزدي الكوفي الصيرفي أبو جعفر الأزرق: عدوه من أصحاب الصادق
والكاظم والرضا صلوات الله عليهم. استضعفوه ورموه بالغلو. لكن يستفاد حسنه وكمالہ وودفع الرمي من
مكاتبته إلی أبي جعفر الجواد عليه السلام. كما ج 12/111 ، وجد ج 50/53 ، والعيون ج 1/ 56 ،
وج 2/221. وفي ك باب 39 عن محمد بن الفضيل ، عن الرضا عليه السلام رواية كريمة مهمة.

محمد بن فضیل... را از اصحاب امام صادق و امام کاظم و امام هشتم علیهم السلام شمرده و با
نسبت غلو ، تضعیف کرده اند؛ اما حسن و کمال او و دفع این تهمت از ایشان از مکاتبه او با امام جواد
علیه السلام استفاده می شود.

الشاهرودي ، الشیخ علي النمازي (متوفای 1405هـ) ، مستدرکات علم رجال الحديث ، ج 7 ، ص 288 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه:
شفق - طهران ، الأولى 1412هـ.

یکی از روایاتی که ایشان از امام هشتم نقل کرده این روایت صحیح است:

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضُ يَغْيُرُ إِمَامًا؟ قَالَ: لَا. قُلْتُ: فَإِنَّا نُرَوِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا لَا تَبْقَى يَغْيُرُ إِمَامًا إِلَّا أَنْ يَسَخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ أَهْلَ الْأَرْضِ أَوْ عَلَيَّ الْعِبَادَ فَقَالَ لَا لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ.

الكليني الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص 179 ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

4. ابو حمزه ثمالی:

نام او ثابت بن دینار است. ابو حمزه ثمالی از نظر رجال شناسان شیعه ، موثق است. در اینجا به سخن شیخ طوسی و علامه حلی اشاره می کنیم:

شیخ طوسی در مورد او می نویسد:

ثابت بن دینار ، یکنی ابا حمزة الثمالي ، وكنية دینار أبو صفية ، ثقة.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460 هـ) ، الفهرست ، تحقيق: ص 90 ، الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقه ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي ، الطبعة الأولى 1417

علامه حلی نیز در خلاصه الاقوال او را موثق می داند و در مورد او آورده است:

ثابت بن دینار ، یکنی دینار ابا صفية ، وكنية ثابت ، أبو حمزة الثمالي. روي عن علي بن الحسين (عليه السلام) ومن بعده ، واختلف في بقائه إلي وقت أبي الحسن موسى (عليه السلام) ، وكان ثقة.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726 هـ) خلاصه الأقوال في معرفة الرجال ، ص 86 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقه ، الطبعة: الأولى ، 1417 هـ.

2. روایت امام علي (ع) از رسول خدا (ص) : «سَأَلْتُ عَنْ الْأَيْمَةِ فَقَالَ: عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.»

خزاز قمی از محدثان شهیر گذشته و مورد اعتماد شیعه ، با سندش از امیرمؤمنان علیه السلام نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: پیشوایان بعد از من ، به تعداد نقبیان بنی اسرائیل هستند:

أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن سعيد ، قال: حدثنا محمد بن أحمد الصفواني ، قال: حدثنا مروان بن محمد السحاري قال: حدثنا أبو يحيى التميمي ، عن أبي يحيى التميمي عن يحيى البكاء عن علي عليه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَيَّ ثَلَاثَ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً مِنْهَا فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَالْبَاقُونَ هَالِكُونَ قَالَتَا جُونَ الَّذِينَ يَتَمَسَّكُونَ بِوَلَايَتِكُمْ وَيَقْتَسُونَ مِنْ عِلْمِكُمْ وَلَا

يَعْمَلُونَ بِرَأْيِهِمْ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ فَسَأَلْتُ عَنْ الْأُئِمَّةِ فَقَالَ: عَدَدُ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ .

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: به زودی امتم هفتاد و سه گروه شوند ، گروهی رستگارانند و دیگران در آتش اند ، رستگاران آنانی هستند که به ولایت شما جنگ زنند ، و از کردار شما سرمشق گیرند ، و طبق نظر خود عمل نمایند ، پس بر آنها چیزی نیست (و گرفتاری ندارند و اهل نجاتند) از عدد امامان از آن حضرت پرسیدم؟ فرمود: آنان به عدد نقیبان بنی اسرائیل اند.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 155 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

المجلسي ، محمد باقر (متوفای 1111هـ) ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، ج 36 ، ص 336 ، تحقيق: محمد الباقر البهبودي ، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان ، الطبعة: الثانية المصححة ، 1403هـ - 1983م.

3. روایت امام حسن مجتبی (ع) از رسول خدا (ص) : « الْأُئِمَّةُ بَعْدِي عَدَدُ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَا عَشَرَ »

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در این مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده است:

وعنه [علي بن الحسن بن محمد] قال: حدثنا عتبة بن عبد الله الحمصي ، قال حدثنا سليمان بن عمر الراسبي الكاتب بجمص ، قال حدثني عبد الله بن جعفر ابن عبد الله المحمدي ، قال حدثني أبو روح بن فروة بن الفرخ ، قال حدثني أحمد بن محمد بن المنذر ابن حيفر ، قال: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا سَأَلْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأُئِمَّةِ بَعْدَهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي عَدَدُ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَا عَشَرَ أُعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي وَأَنْتَ مِنْهُمْ يَا حَسَنُ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ يَخْرُجُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ «تَقُلْتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَةٌ».

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله راجع به امامان پس از او پرسیدم. فرمود: امامان بعد از من به عدد نقیبان بنی اسرائیل دوازده نفرند که خدا علم و فهم مرا به ایشان مرحمت فرموده و تو ای حسن از جمله ای آنان هستی. عرض کردم: ای رسول خدا چه زمانی قائم ما اهل بیت بیرون آید؟ فرمود: ای حسن حکایت او حکایت قیامت است ، «در آسمانها و زمین گران است ، و نیاید شما را مگر به طور ناگهانی».

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 169 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

4. روایت فاطمه زهرا (س) از رسول خدا (ص) : « الْأُئِمَّةُ بَعْدِي عَدَدُ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ »

یکی از راویان ، این تعبیر از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، حضرت زهرا سلام الله علیها است که خودش از آن حضرت شنیده است:

أخبرنا محمد بن عبد الله بن المطلب ، قال حدثنا أبو أحمد عبيد الله بن الحسين النضبي ، قال حدثني أبو العينا ، قال حدثني يعقوب بن محمد بن علي بن عبد المهيم بن عباس بن سعد الساعدي ، عن أبيه قال: سألت فاطمة صلوات الله عليها عن الأئمة فقالت: سمعت رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم يقول: الأئمة بعدي عدد نساء بني إسرائيل.

سعد ساعدي روایت می کند پدرم گفت: از حضرت فاطمه زهرا سلام الله در مورد امامان پرسیدم. فاطمه فرمود: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: امامان پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل اند.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 197 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

5. روایت امام صادق (ع) : « الأئمة بعدي عدد نساء بني إسرائيل وحواري عیسی »

أخبرنا أبو المفضل الشيباني ، قال: حدثني أبو القاسم أحمد بن عامر ، عن سليمان الطائي ببغداد ، قال: حدثنا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْكُوفِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي يَعَدُّ نِسَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَحَوَارِيِّ عِيسَى مَنْ أَحَبَّهُمْ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَهُوَ مُنَافِقٌ هُمْ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ.

به نقل امام حسن علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امامان بعد از من به عدد نقیبان بنی اسرائیل و حواریین عیسی هستند ، هر که ایشان را دوست دارد او مؤمن است ، و هر که ایشان را دشمن دارد او کافر و منافق است ، آنان حجت‌های خدا بر خلق و نشانه های او در میان مخلوقات هستند.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 166 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

6. روایت حذیفه بن اسید از رسول خدا (ص) :

علاوه بر امیرمؤمنان فاطمه زهرا ، امام حسن ، و امام صادق علیهم السلام ، بسیاری از اصحاب نیز این روایت را نقل کرده اند. از جمله حذیفه بن اسید می گوید: رسول خدا در جواب پرسش سلمان فرمود: پیشوایان بعد از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند:

أخبرنا أبو محمد الحسين بن محمد بن سعيد ، قال: حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي الأسدي ، قال: حدثني محمد بن أبي بشر ، قال: حدثني الحسين بن أبي الهيثم ، عَنْ هِشَامِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ صَدَقَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ حُدَيْفَةَ بْنِ أُسَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: وَسَأَلُهُ سَلْمَانُ عَنْ الْأئِمَّةِ فَقَالَ: الْأئِمَّةُ بَعْدِي عَدَدَ نُبَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَسَعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَلَا إِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمْ.

حذیفه می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که در جواب پرسش سلمان در مورد ائمه ، فرمود: پیشوایان بعد از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند ، نه تن آنان از نسل حسین می باشند و مهدی این امت از ما است. آگاه باشید آنان با حق و حق با آنان است پس بنگرید که چگونه بعد از من با آنها رفتار می کنید.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 130 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

7 . روایت ابودر از رسول خدا (ص) : « وَكُم الْأئِمَّةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلِ .»

حدثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله الشيباني رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن رباح الأشجعي ، قال: حدثنا محمد بن غالب بن الحارث ، قال: حدثنا إسماعيل بن عمرو البجلي ، قال: حدثنا عبد الكريم ، عن أبي الحسن ، عن أبي الحرث ، عَنْ أَبِي دَرٍّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحْبَبَنِي وَأَهْلَ بَيْتِي كُنَّا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخِي خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَسِبْطِي خَيْرُ الْأَسْبَاطِ وَسَوْفَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً أَبْرَارَ وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكُم الْأئِمَّةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلِ .

ابودر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر که من و اهل بیتم را دوست بدارد ما و او مانند این دو انگشت هستیم- و اشاره به انگشت سبابه و وسطی فرمود- (کنایه از نزدیک بودن دوستانشان به آنها است) . سپس فرمود: برادرم (علی) بهترین اوصیاء و دو سبط من (حسن و حسین) بهترین اسباطند ، و خدای تعالی از صلب حسین امامان نیکوکار را خارج کند ، و مهدی این امت از ما است. به آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا! امامان پس از شما چند نفرند؟ فرمود: به عدد نقیبهای بنی اسرائیل (که دوازده نفر بودند ، و نقیب به معنای سرپرست و زمامدار است) .

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 36 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

8. روایت ابوهریره از رسول خدا (ص) : « الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلِ »

ابوهریره که یکی از دشمنان سرسخت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده ، چندین روایت

را با این تعبیر نقل کرده است. در یکی از روایاتش می گوید: ما از رسول خدا سؤال کردیم اهل بیت تو چه کسانی هستند حضرت فرمود: آنها امامان بعد از من هستند که شمارشان به تعداد نقیبان بنی اسرائیل می باشد:

حدثنا محمد بن عبد الله الشيباني رحمه الله قال: حدثنا صالح بن أحمد بن أبي مقاتل عن زكريا عن سليمان بن جعفر الجعفري قال: حدثنا مسكين بن عبد العزيز عن أبي سلمة عن أبي هريرة قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَجُلُّ لِي وَلَا لِأَهْلِ بَيْتِي. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَهْلُ بَيْتِكَ؟ قَالَ: أَهْلُ بَيْتِي عُنْتَرِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي هُمُ الْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِي عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ .

ابو هریره می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: صدقه برای من و اهل بیتم حرام است. عرض کردیم: ای رسول خدا اهل بیت شما چه کسانی هستند؟ فرمود: اهل بیت من همان عترت من و از گوشت و خون من هستند. آنان پیشوایان بعد از منند که تعدادشان به شمارش نقیبان بنی اسرائیل می باشد.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 89 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

ابن شهر آشوب ، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفای 588هـ) ، مناقب آل أبي طالب ، ج 1 ، ص 258 ، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف ، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية ، 1376هـ - 1956م.

ب: دوازده ائمه از اهل بیت و عترت پیامبر (ص)

در دسته ای دیگری از روایات ، علاوه بر صراحت در تعداد ، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وارد جزئیات بیشتر شده و مشخصات بارزتری را برای این جانشینانش بیان کرده و فرموده است: این دوازده جانشین ، از عترت و اهل بیت من هستند.

طرق این روایت:

این دسته از روایات نیز همانند روایات دسته قبل ، از طریق: ابو سعید خدری ، ابن عباس ، واثله بن اسقع ، محمد بن علی بن عمر بن علی بن ابی طالب و... از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است.

1. روایت صحیح ابو سعید خدری از امام علی (ع) : «إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا

هُدًى مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا»

ابو سعید خدری در روایت صحیحی که مرحوم کلینی آن را نقل کرده ، می گوید : هنگامی که ابو بکر از دنیا رفت ، و عمر به جایش نشست ، مردی از بزرگان یهودیان مدینه آمد به عمر گفت: اگر به سؤالاتم پاسخ دهی ، یقیناً تو داناترین اصحاب رسول خدا به کتاب و سنت خواهی بود و من ایمان می

آورم. عمر آن شخص را به داناترین شخص در امت اسلام که حضرت علي عليه السلام باشد راهنمایی کرد. یکی از سؤالات او در باره تعداد جانشینان رسول خدا و نسل و نسب آنان بود. امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: آنان دوازده نفر از ذریه رسول خدا هستند.

تفصیل روایت این است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَيْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: كُنْتُ حَاضِرًا لَمَّا هَلَكَ أَبُو بَكْرٍ وَاسْتَخْلَفَ عُمَرَ أَقْبَلَ يَهُودِيٍّ مِنْ عُظَمَاءِ يَهُودٍ يَتْرَبَ وَتَزَعُمُ يَهُودُ الْمَدِينَةَ أَنَّهُ أَعْلَمُ أَهْلَ زَمَانِهِ حَتَّى رُفِعَ إِلَيَّ عُمَرَ فَقَالَ لَهُ: يَا عُمَرُ إِنِّي جِئْتُكَ أُرِيدُ الْإِسْلَامَ فَإِنْ أَخْبَرْتَنِي عَمَّا أَسْأَلُكَ عَنْهُ فَأَنْتَ أَعْلَمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَجَمِيعَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَ عَنْهُ قَالَ: فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: إِنِّي لَسْتُ هُنَاكَ لَكِنِّي أُرِيدُكَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ أُمَّتِنَا بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَجَمِيعَ مَا قَدْ تَسْأَلُ عَنْهُ وَهُوَ ذَاكَ فَأَوْمَأَ إِلَيَّ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ...

تَمَّ قَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ: أَخْبِرْنِي عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمْ لَهَا مِنْ إِمَامٍ هُدًى وَأَخْبِرْنِي عَنْ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ أَيْنَ مَنْزِلُهُ فِي الْجَنَّةِ وَأَخْبِرْنِي مَنْ مَعَهُ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا هُدًى مِنْ دُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا وَهُمْ مِنِّي وَأَمَّا مَنْزِلُ نَبِيِّنَا فِي الْجَنَّةِ فَفِي أَفْضَلِهَا وَأَشْرَفِهَا جَنَّةِ عَدْنِ وَأَمَّا مَنْ مَعَهُ فِي مَنْزِلِهِ فِيهَا فَهَؤُلَاءِ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ دُرِّيَّةِ وَأُمَّهُمْ وَجَدَّتْهُمْ وَأُمَّ أُمَّهُمْ وَدَرَارِيَّهُمْ لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهَا أَحَدٌ.

ابو سعید خدری می گوید: زمانی که ابو بکر مرد و عمر جانشین او شد ، من حاضر بودم که مردی از بزرگان یهود مدینه نزد عمر آمد و یهودیان مدینه معتقد بودند که دانشمندترین مردم زمان خود است ، تا نزدیک عمر رسید گفت: ای عمر! من نزد تو آمده ام و می خواهم مسلمان شوم. اگر هر چه پرسیدم جواب گفתי ، می دانم تو دانشمندترین اصحاب محمد نسبت به قرآن و سنت و آنچه می خواهم از تو بپرسم هستی.

عمر گفت: من چنین نیستم ، ولی تو را به کسی راهنمایی می کنم که دانشمندترین امت نسبت به قرآن و سنت و آنچه از او بپرسی می باشد. و او این مرد است آنگاه اشاره به علی عليه السلام کرد...

یهودی گفت: از نخستین سنگی که روی زمین نهاده شد و نخستین درختی که در زمین کاشته شد و نخستین چشمه ای که روی زمین جوشید ، به من خبر بده.

امیرمؤمنان عليه السلام به او پاسخ داد. یهودی گفت: به من بگو این امت چند امام دارد؟ و پیغمبر شما منزلش در کجای بهشت است؟ و به من بگو همراهان او در بهشت کیانند؟ امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: این امت دوازده امام هادی از نسل پیغمبرش دارد و آنها از نژاد من هستند و اما منزل پیغمبر ما در بهترین و شریفترین مقام بهشت به نام جنت عدن است و اما همراهان او در آن منزل ، همین دوازده تن از نسل او ، مادر ، جده ، مادر مادر آنها (خدیجه علیها السلام) و اولاد آنان می باشند ، و کسی دیگر با ایشان در آن منزل شرکت ندارد.

این روایت طبق سند نخست صحیح است؛ از ابن رو ، همان سند آن را بررسی می نمایم.

بررسی سند نخست روایت:

(ا) محمد بن یحیی العطار:

محمد بن یحیی عطار قمی از چهره های شناخته شده و موثق امامی و از اساتید مرحوم کلینی است که رجال شناسان او را ثقة و مورد اعتماد می دانند. نجاشی در باره او می گوید:

محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمی ، شیخ أصحابنا فی زمانه ، ثقة ، عین ، کثیر الحدیث.

النجاشی الأسدی الکوفی ، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهرب رجال النجاشی ، ص 353 ، تحقیق: السيد موسی الشیبری الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

(ب) محمد بن الحسین:

دومین شخص محمد بن الحسین همدانی و کنیه اش ابو جعفر زیات است. او نیز از علمای جلیل القدر و موثق امامیه می باشد. نجاشی ایشان را این گونه معرفی کرده است:

محمد بن الحسین بن أبي الخطاب ، أبو جعفر الزیات الهمدانی - واسم أبي الخطاب زید - جلیل من أصحابنا ، عظیم القدر ، کثیر الروایة ، ثقة ، عین ، حسن التصانیف ، مسکون إلي روايته.

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ، کنیه اش ابو جعفر زیات همدانی است. و نام ای الخطاب زید است. محمد بن الحسن از بزرگان اصحاب ما ، عظیم القدر ، دارای روایات بسیار ، مورد اعتماد ، مشهور ، بوده و دارای تألیفات قابل ستایش و روایاتی است که به انسان آرامش می دهد.

النجاشی الأسدی الکوفی ، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهرب رجال النجاشی ، ص 334 ، تحقیق: السيد موسی الشیبری الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

شیخ در فهرست و رجالش نیز آورده است:

محمد بن الحسین بن أبي الخطاب ، کوفی ، ثقة.

الطوسی ، الشیخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460هـ) ، الفهرست ، ص 215 ، تحقیق: الشیخ جواد القیومی

ایشان در کتاب رجالش می گوید:

محمد بن الحسین بن ابي الخطاب الزيات الكوفي ، ثقة ، من أصحاب ابي جعفر الثاني عليه السلام .

الطوسي ، الشيخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 391 ، تحقيق: جواد القیومی
الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ .

علامه حلي نیز در خلاصة الاقوال می گوید:

محمد بن الحسین بن ابي الخطاب ، واسم ابي الخطاب زيد ، ويكني محمد بابي جعفر الزيات
الهمداني ، جليل من أصحابنا ، عظيم القدر ، كثير الرواية ، ثقة عين . حسن التصانيف ، مسكون إلي
روايته ، له تصانيف ذكرناها في كتابنا الكبير ، من أصحاب الجواد (عليه السلام) .

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 241
، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ .

ج (مسعدة بن زياد :

سومين راوي ، مسعدة بن زياد است . او نیز امامي و از اصحاب امام باقر و امام صادق عليهما السلام
و موثق است . نجاشي در باره او مي نويسد:

مسعدة بن زياد الربعي ثقة ، عين ، روي عن ابي عبد الله عليه السلام .

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب
رجال النجاشي ، ص 415 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ،
1416هـ .

2. از طريق ابو سعيد خدری از رسول خدا (ص) : « اثنا عشر من أهل بيتي »

ابو سعيد خدری از صحابه جليل القدر ، از رسول خدا صلي الله عليه وآله نقل کرده كه حضرت
فرمود: ائمه دوازده گانه از اهل بيت و عترت من هستند .

سعيد بن المسيب محمد بن علي قال: حدّثنا علي بن الحسن بن مَنَدَةَ قال: حدّثنا أبو محمّد هارون بن
موسي التلعكبري رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حدّثنا محمد بن غياث
الكوفي قال: حدّثنا حماد بن أبي حازم المدني قال: حدّثنا عمران بن محمّد بن سعيد بن المسيب عن
أبيه عن جدّه عن أبي سعيد قال: صلّي بنا رسولُ الله صلي الله عليه وسلم الصلّاة الأولى ثمّ أقبل

يُوجِّههُ الْكَرِيمَ عَلَيْنَا فَقَالَ: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ وَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَيْتِي إِسْرَائِيلَ قَتَمَسَّكُوا بِأَهْلِ بَيْتِي بَعْدِي وَالْأئِمَّةَ الرَّاشِدِينَ مِنْ دُرِّيَّتِي فَإِنَّكُمْ لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا قَقِيلًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الْأئِمَّةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: اثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْ قَالَ مِنْ عُنْتَرِي.

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز اول را با ما به جای آورد و سپس روی مبارکش را به طرف ما نمود و فرمود: ای اصحاب من! مثل اهل بیت من در بین شما ، مثل کشتی نوح و باب حطهء بنی اسرائیل است. پس بعد از من به دامن اهل بیتم چنگ زبید ، امامان پویای حق از ذریه من. قطعاً تا ابد گمراه نخواهید شد. گفته شد: یا رسول الله! امامان بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: دوازده نفر از اهل بیتم.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 34 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

الجوهري ، أحمد بن عبيد الله بن عياش (متوفى 401هـ) ، مقتضب الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 9 ، ناشر: مكتبة الطباطبائي ، چاپخانه: العلمية - قم

الشيخ المفيد ، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري ، البغدادي (متوفى 413 هـ) ، الاختصاص ، ص 208 ، تحقيق: علي أكبر الغفاري ، السيد محمود الزرندي ، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1414 - 1993 م

این روایت از طریق انس بن مالک و حذیفة بن یمان نیز نقل شده است:

المجلسي ، محمد باقر (متوفى 1111هـ) ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، ج 36 ، ص 310 و 331 ، تحقيق: محمد الباقر البهبودي ، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان ، الطبعة: الثانية المصححة ، 1403هـ - 1983م.

3. روایت ابن عباس: «فالأئمة من أهل بيتي وعترتي»

شیخ مفید در کتاب الاختصاص و شیخ ابراهیم قندوزی حنفی صاحب کتاب «ینابیع المودة» از طریق عبد الله ابن عباس (که از شاگردان امام علی علیه السلام بوده و علمای اهل سنت او را به عنوان دانشمند امت می شناسند) نقل کرده است:

حدثنا محمد بن موسى بن المثنوي عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن موسى بن عمران عن عمه الحسين بن يزيد عن علي بن سالم عن أبيه [سالم بن دينار] عن سعد بن طريف عن الاصمغيني عن ابن ثباتة عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ذكر الله عز وجل عبادة وذكر عبادة وذكر علي عبادة وذكر الأئمة من ولده عبادة....

أولئك أولياء الله حقاً وخلفائي صدقاً عدتُّهم عدَّة الشُّهور وهي اثنا عشر شهراً وعدتُّهم عدَّة نُبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ثُمَّ تَلَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» ثُمَّ قَالَ: أُنْقَدِرُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَنْ اللَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَبُرُوجَهَا؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَمَا ذَاكَ؟

قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَآنَا وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَلَأُئِمَّةٌ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلَيَّ وَأَخْرَهُمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ذکر خدا (و یاد کردن او) عبادت است و یاد کردن من عبادت است ، و یاد کردن علی عبادت است ، و یاد کردن امامان از فرزندان او عبادت است ، و سوگند به آن که مرا به پیغمبری برانگیخته و بهترین مردمان قرارم داده ، وصی من بهترین اوصیاء است ، ...

آنان به راستی اولیای خدا و به درستی جانشینان من هستند ، شماره آنها شماره ماههای دوازده گانه ، و عددشان به عدد نقیبان موسی بن عمران است ، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «سوگند به آسمانهایی که دارای برجها است ، آنگاه فرمود: ای پسر عباس! آیا می پنداری که خداوند به آسمان دارای برجها سوگند یاد فرموده و مقصودش همین آسمانها و برجها است؟ عرض کردم: ای رسول خدا پس مقصودش چیست؟ فرمود: اما آسمان منم ، و اما برجها امامان پس از منند که اولی آنها علی و آخرشان مهدی است ، درود خدا بر تمامی ایشان باد.

الشیخ المفید ، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العکبري ، البغدادي (متوفای 413 هـ) ، الاختصاص ، ص 224 ، تحقیق: علی أكبر الغفاري ، السيد محمود الزرندي ، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1414 - 1993 م

این روایت در برخی منابع دیگر ، با اندک تغییر در پایان آن به صورت ذیل نقل شده است:

عن الأصیغ بن نباتة قال: سمعت ابن عباس (رضي اله عنهما) يقول: قال رسول الله صلي الله عليه وآله: أنا السماء. وأما البروج فالأئمة من أهل بيتي وعترتي ، أولهم علي وآخرهم المهدي ، وهم إثنا عشر .

اصیغ بن نباته می گوید: از ابن عباس شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله [در تفسیر آیه « وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ »] فرمود: مراد آسمان منم ، و اما مراد از بروج ، پیشوایان از اهل بیت و عترت من هستند ، که نخستین آنها علی و آخرین آنان مهدی است و آنان دوازده نفر اند.

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294 هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 3 ، ص 254 ، تحقیق: سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر- قم ، الطبعة: الأولى 1416 هـ.

المرعشي النجفي ، السيد شهاب الدين (متوفای 1411 هـ) ، شرح إحقاق الحق ، ج 13 ، ص 71 ، تحقیق و تعليق: السيد شهاب الدين المرعشي النجفي ، ناشر: منشورات مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي - قم - ایران

4. روایت واثله بن الاسقع: «الأئمة بعدي من عترتي»

خزاز قمی در کفایة الاثر آورده است:

[أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن سعيد] قال: حدثنا الحسين بن علي البزوفري ، قال حدثنا محمد بن إسحاق الأنصاري ، قال حدثنا علي بن الحسين ، قال: حدثنا عيسى بن يونس ، قال ثور- يعني ابن يزيد- عن خالد بن معدان عن وائلة بن الأسقع قال: قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم: أنزلوا أهل بيتي بمنزلة الرأس من الجسد وبمنزلة العينين من الرأس ، وإن الرأس لا يهتدي إلا بالعينين ، اقتدوا بهم من بعدي لن تضلوا. فسألنا عن الأئمة قال: الأئمة بعدي من عترتي أو قال: من أهل بيتي- عدد نقباء بني إسرائيل.

وآله بن اسقع مي گوید: رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم فرمود: اهل بيت مرا همانند سر براي بدن و همانند دو چشم براي سر بدانيد ، همانا سر بدون چشم راه به چيزي نبرد؛ پس از من از آنها بيروي كنيد تا هرگز گمراه نشويد؛ از آن حضرت از امامان (و عددشان) پرسيدم؟ فرمود: امامان بعد از من از عترت من- يا فرمود: از اهل بيت من- به عدد نقيبان بني اسرائيل اند.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 112 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

5. روایت امام صادق (ع) : «إِنَّا عَشْرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»

شيخ صدوق رحمة الله عليه ، اين سخن رسول خدا صلي الله عليه وآله را از طريق ابراهيم بن مهزم و پدرش ، از امام صادق عليه السلام اين گونه نقل کرده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلِ الْقَرْمِيسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّا عَشْرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أُعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهَمِي...

دوازده نفرند از اهل بيت من كه خداوند فهم و دانش و حكمت و اخلاقم را به آنان مرحمت فرموده و آنها را از سرشت من آفریده. واي بر حال كسانى كه پس از من بر آنها بزرگي كنند و قطع رحم نمايند ، چه شده است آنان را ، خداوند هرگز شفاعت من را به آنان نرساند.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى 381هـ) ، كمال الدين و تمام النعمة ، ص 281 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

القمي ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى 381هـ) ، عيون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 66 ، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

6. روایت زرارہ از امام باقر (ع) : «إِنَّا عَشْرَ الْإِمَامِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلِّهِمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ»

امام باقر عليه السلام در روایت موثق مي فرمايد: دوازده امام از آل محمد و فرزندان رسول خدا

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَنَّابِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلِّهِمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَرَسُوهُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمَا الْوَالِدَانِ.

امام باقر عليه السلام فرمود: دوازده امام از آل محمد همگي محدث و اولاد بيغمبر صلي الله عليه و آله و علي بن ابى طالب عليه السلام هسند ، پس رسول خدا صلي الله عليه و آله و علي عليه السلام دو پدراند.

الكليني الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص 533 ، ح 14 ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

روايت فوق ، با اندك تغيير در سند نيز در كافي نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَنَّابِ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَرَسُولِ اللَّهِ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هُمَا الْوَالِدَانِ.

الكليني الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص 531 ، ح 7 ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

7. روايت ابن عباس: «وَلِيَاتُمْ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ عِنْرَتِي»

روايت ابن عباس از رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم در بسياري از كتابهاي شيعه از جمله در امالي شيخ صدوق ، مناقب آل ابى طالب ، بشارة المصطفى و نهج الايمان نقل شده است:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنِ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ عَنِ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَنِ عِكْرَمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ مَنْزِلِي... فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَلِيَاتُمْ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ عِنْرَتِي خَلُّوا مِنْ طَيْبَتِي إِلَيَّ اللَّهُ أَشْكُو أَعْدَاءَهُمْ مِنْ أُمَّتِي الْمُنْكَرِينَ لِقَضَائِهِمُ الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي وَأَيْمُ اللَّهِ لَتُقْتَلَنَّ أَيْبِي بَعْدِي الْحُسَيْنُ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَقَاعَتِي .

رسول خدا صلي الله عليه وآله فرمود: هر كه دوست دارد همانند من زندگي كند و همانند مردن من بميرد و در منزل من درآيد... بايد دوستدار علي بن ابى طالب باشد و اوصياء از فرزندان او را پيروي كند زيرا آنان عترت منند و از گل من آفريده شده اند و از دشمنانشان كه برتري آنها را انكار كنند و

با آنان قطع صلہ کنند ، به خدا شکوه کنم. به خدا پس از من ، فرزندم حسین کشته شود و خداوند آنان را از شفاعتم محروم سازد.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، الأمالی ، ص 36 ، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسة البعثة - قم ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

الطبري ، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفای 525هـ) ، بشارة المصطفى (صلي الله عليه وآله) لشيعه المرتضى عليه السلام ، ص 294 ، تحقيق :جواد القيومي الأصفهاني ، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى 1420 هـ

ابن جبر ، زين الدين علي بن يوسف بن جبر (من أعلام القرن السابع ، نهج الإيمان نهج الإيمان ص 504 ، تحقيق: السيد أحمد الحسيني نشر: مجتمع إمام هادي عليه السلام - مشهد ، الطبعة الأولى 1418 هـ

ابن شهر آشوب ، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفای 588هـ) ، مناقب آل أبي طالب ، ج 1 ، ص 251 ، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف ، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية ، 1376هـ - 1956م.

طرق دیگر این روایت:

ابو جعفر صفار از محدثان سلف شیعه ، روایت فوق را از طریق: زیاد بن مطرف از رسول خدا صلی الله علیه وآله ، و از طریق اصیغ بن نباته و محمد بن علی بن عمر بن علی بن ابی طالب ، از امیرمؤمنان علیه السلام و از طریق سعد بن طریف ، جابر جعفی ، ابو حمزه ثمالی از ابی جعفر (امام باقر علیه السلام) ، و از طریق ابراهیم بن مهزم اسدی از پدرش و ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام ، و از طریق داود بن زیاد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام و از طریق حسین بن یسار و عبد الرحمن بن ابی هاشم از امام رضا علیه السلام در ضمن یک باب مستقل «باب فی الأئمة علیهم السلام وما قال فیهم رسول الله (ص) بان الله أعطاهم فهمی و علمي» ، نقل کرده است.

در برخی از تعبیر آمده است:

... فَلَيَتَوَلَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَيُسَلِّمُ لِفَضْلِهِمْ فَإِنَّهُمْ الْهُدَاةُ الْمَرْضِيُّونَ أَعْطَاهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي وَهُمْ عَنَّتِي مِنْ دَمِي وَلَحْمِي

... باید علی بن ابی طالب و اوصیاء بعد از او را دوست داشته باشید و تسلیم فضل و برتری آنان باشید؛ زیرا آنان هدایتگران پسندیده هستند ، خدا علم و فهم مرا به آنان عطا فرموده ، و آنان عترت من و گوشت و خونشان از گوشت و خون من است...

الصفار ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای 290هـ) (بصائر الدرجات ، ص 68 - 72 ، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الحاج ميرزا حسن كوچه باغي ، ناشر: منشورات الأعلمي - طهران ، سال چاپ: 1404 - 1362 ش

الکلبینی الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص 208 ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش .

القمي ، أبي الحسن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 329 هـ) ، الإمامة والتبصرة ، ص 42 ، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (ع) - قم المقدسة ، ناشر: مدرسة الإمام المهدي (ع) - قم المقدسة ، چاپ: الأولي ، سال چاپ: 1404 - 1363 ش

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381 هـ) ، الخصال ، ص 558 ، تحقيق ، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري ، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة ، سال چاپ 1403 - 1362

القمي ، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفای 367 هـ) ، كامل الزيارات ، ص 148 ، تحقيق: الشيخ جواد القيومي ، لجنة التحقيق ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولي 1417 هـ

الجوهري ، أحمد بن عبيد الله بن عياش (متوفای 401 هـ) ، مقتضب الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 16 ، ناشر: مكتبة المطبائاتي ، چاپخانه: العلمية - قم

ابو نعيم اصفهاني از محدثان پر آوازه اهل سنت وجمعي ديگري نیز این روایت را از ابن عباس با سند ذیل و این تعبیر نقل کرده اند:

حدثنا محمد بن المظفر ثنا محمد بن جعفر بن عبدالرحيم ثنا أحمد بن محمد بن يزيد بن سليم ثنا عبدالرحمن بن عمران بن أبي ليلي أخو محمد بن عمران ثنا يعقوب بن موسي الهاشمي عن ابن أبي رواد عن اسماعيل بن أمية عن عكرمة عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلي الله عليه وسلم: من سره أن يحيا حياتي ويموت مماتي ويسكن جنه عدن غرسها ربي فليوال عليا من بعدي وليوال عليه وليقتد بالأئمة من بعدي فانهم عترتي ...

الأصبهاني ، ابونعيم أحمد بن عبد الله (متوفای 430 هـ) ، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء ، ج 1 ، ص 86 ، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت ، الطبعة: الرابعة ، 1405 هـ .

ابن عساکر الدمشقي الشافعي ، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله ، (متوفای 571 هـ) ، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل ، ج 42 ، ص 240 ، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري ، ناشر: دار الفكر - بيروت - 1995 .

إبن أبي الحديد المدائني المعتزلي ، ابو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای 655 هـ) ، شرح نهج البلاغة ، ج 9 ، ص 101 ، تحقيق محمد عبد الكريم النمري ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، الطبعة: الأولي ، 1418 هـ - 1998 م .

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294 هـ) ينابيع المودة لذوي القربي ، ج 2 ، ص 489 ، تحقيق: سيد علي جمال

السيوطي ، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى 911هـ) ، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير) ، ج 7 ، ص 229 ، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الهندي ، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين (متوفى 975هـ) ، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، ج 12 ، ص 48 ، تحقيق: محمود عمر الدمياطي ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة: الأولى ، 1419هـ - 1998م.

دسته دوم؛ روایات مبین 9 امام از صلب امام حسین (ع)

دسته ای از روایات ، علاوه بر این که می گویند تعداد امامان و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله دوازده نفر اند ، تصریح می کنند که 9 نفر آنها از صلب امام حسین علیه السلام هستند.

طرق این روایت:

این روایت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، از طریق امامان معصوم همانند: امیر مؤمنان ، امام حسن مجتبی ، علیهما السلام ، ام سلمه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، و عایشه دختر ابو بکر و بسیاری صحابه همانند: عبد الله بن مسعود ، ابو سعید خدری ، ابوذر غفاری ، جابر بن عبد الله انصاری ، انس بن مالک ، ابو هریره ، عمرو بن عثمان بن عفان ، زید بن ثابت ، زید بن ارقم ، ابی امامه اسعد بن زراره ، حذیفه بن اسید ، عمران بن حصین ، حذیفه بن یمان ، در منابع روایی شیعه نقل شده است.

در اینجا به نمونه های از این دسته ، اشاره می شود:

1. موثقه زراره از امام باقر (ع) : « نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ... ثُمَّ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ »

در روایت موثق ، زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْهُمْ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثُمَّ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: ما دوازده نفر پیشوا هستیم. از جمله آنان حسن و حسین هستند سپس پیشوایانی از فرزندان حسین علیه السلام هستند.

بررسی سند روایت:

در سلسله سند این روایت ، 1. حسین بن محمد ، 2. معلی بن محمد ، 3. حسن بن علی الوشاء ، 4. ابان بن عثمان ، 5. زرارة بن اعین واقع شده اند که شرح حال هر یک را بررسی می نماییم:

ا (الحسین بن محمد بن عامر:

آقای خویی می گوید: حسین بن محمد بن عامر ، همان حسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر اشعری قمی است که از مشایخ مرحوم ثقة الاسلام کلینی می باشد و ایشان از او روایت فراوان نقل کرده و این شخص موثق است:

الحسین بن محمد بن عامر: = الحسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر. من مشایخ الكليني - قدس سره - یروي عنه كثيرا ، وهو الحسين بن محمد ابن عمران بن أبي بکر الأشعري القمي ، الثقة الآتي.

حسین بن محمد بن عامر ، همان حسین بن محمد بن عمران بی ابی بکر است که از مشایخ مرحوم کلینی می باشد و از او بسیار روایت می کند. و او حسین بن محمد بن عمران ابی بکر اشعری از اهل قم و شخص موثق آینده است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 7 ، ص 83 ، الطبعة الخامسة ، 1413 هـ - 1992 م

نجاشی از رجال شناسان معروف ، در باره این راوی می گوید:

الحسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر الأشعري القمي ، أبو عبد الله ثقة . له كتاب النوادر ، أخبرناه محمد بن محمد ، عن أبي غالب الزراري ، عن محمد بن يعقوب عنه.

حسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر اشعری قمی کنیه اش ابو عبد الله ثقة است. او کتاب نوادر دارد که محمد بن محمد از ابو غالب زراری از محمد بن یعقوب از آن کتاب خبر داده است.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 66 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416 هـ.

ب (معلی بن محمد بصري:

دومین راوی ، معلی بن محمد بصری است. گرچه ابن غضائری و برخی دیگر به پیروی از ابن غضائری ، ایشان را مضطرب الحدیث والمذهب دانسته و می گویند: او از ضعفاء روایت می کرده است؛ اما آقای

أقول: الظاهر أن الرجل ثقة يعتمد علي رواياته. وأما قول النجاشي من اضطرابه في الحديث والمذهب فلا يكون مانعاً عن وثاقته ، أما اضطرابه في المذهب فلم يثبت كما ذكره بعضهم ، وعلي تقدير الثبوت فهو لا ينافي الوثاقة ، وأما اضطرابه في الحديث فمعناه أنه قد يروي ما يعرف ، وقد يروي ما ينكر ، وهذا أيضاً لا ينافي الوثاقة. ويؤكد ذلك قول النجاشي: وكتبه قريبة. وأما روايته عن الضعفاء علي ما ذكره ابن الغضائري ، فهي علي تقدير ثبوتها لا تضر بالعمل بما يرويه عن الثقات ، فالظاهر أن الرجل معتمد عليه.

می گویم: ظاهراً این راوی ثقة است و می توان بر روایاتش اعتماد کرد. اما سخن نجاشی که او را مضطرب الحدیث و مذهب قلمداد کرده ، مانع از وثاقتش نیست؛ زیرا همان گونه که برخی از رجالیون گفته اند ، اضطراب مذهب او ثابت نیست. بر فرض ثبوت ، این هم منافات با وثاقت او ندارد. اما اضطراب در روایت معنایش این است که او گاهی چیزی شناخته شده و گاهی چیزی منکر را روایت می کرده و این نیز منافات با وثاقت ندارد. اما این که گفته او از ضعف روایت می کند بر فرضی این که درست باشد ، این مطلب هیچ گونه ضرری در عمل کردن به روایات او که از ثقات نقل کرده نمی زند. در نتیجه این مرد مورد اعتماد است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 19 ، ص 280 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

مرحوم سید بحر العلوم کلامی را در باره معلی بن محمد از علامه مجلسی نقل کرده است که سخن ابن غضائری و دیگران را نقد می کند:

معلي بن محمد البصري. أبو الحسن ، وقيل: أبو محمد ، أكثر عنه الكليني ، له كتب روي عنه أبو علي الأشعري والحسين بن حمدان والحسين بن سعيد والحسن ابن محمد ، وهو ابن عامر الأشعري الثقة ، وعلي بن إسماعيل ومحمد بن الحسن ابن الوليد. وقال المجلسي: (لم نطلع علي خبر يدل علي اضطرابه في الحديث والمذهب. ..) وفي (الوجيزة) : (ولا يضر ضعفه لأنه من مشايخ الإجازة) وفي (المعراج) - نقلاً عن بعض معاصريه - القول بصحة حديثه لكونه من المشايخ...

معلي بن محمد بصري ، کنیه اش ابو الحسن و گفته شده ابو محمد است. کلینی از او بسیار روایت کرده است. او دارای کتابهایی است. ابو علی اشعری ، حسین بن حمدان ، حسین بن سعید حسن بن محمد (منظور ابن عامر اشعری قمی موثق است) ، علی بن اسماعیل ، محمد بن الحسن بن ولید از او روایت کرده اند.

علامه مجلسی گفته است: من روایتی که اضطراب در حدیث و مذهب او را بیان کند نیافتم. و علامه در وجیزه گفته است: این موارد ضعف او را نمی رساند؛ زیرا او از مشایخ اجازه است. و در کتاب المعراج از برخی معاصرینش نقل کرده که روایات او صحیح است زیرا از مشایخ است.

الطباطبائي ، السيد مهدي بحر العلوم (متوفى 1212هـ) ، الفوائد الرجالية ، ج 3 ، ص 340 ، تحقيق وتعليق: محمد صادق بحر العلوم ،

محدث نوري نیز در خاتمة المستدرک او را موثق می داند و می نویسد:

واما المعلي فذكره الشيخ في الفهرست ، وفي من لم يرو عنهم (عليهم السلام) ، وذكر كتبه والطريق إليها ولم يطعن عليه ، ولكن في النجاشي: مضطرب الحديث والمذهب...

ولا يخفي أن رواية المفيد كتبه ، عن شيخه ابن قولويه ، عن الجليل الحسن الأشعري تنافي الاضطراب في المقامين ، وكذا رواية شيخ القميين محمد ابن الحسن بن الوليد عنه كما في الفهرست في ترجمة أبان بن عثمان ، وكذا الحسين بن سعيد كما في التهذيب في باب الزيادات في القضايا والاحكام ، والثقة الجليل أبو علي الأشعري أحمد بن أحمد بن إدريس كما في الكافي في باب الصبر ، وباب الجلوس في كتاب العشرة ، وعلي بن إسماعيل الميثمي.

وبعد رواية هؤلاء الأجلة عنه - وفيهم أبو علي الذي قالوا فيه: صحيح الرواية ، وابن الوليد المعلوم حاله في التحرر عن الضعفاء بل المتهمين ، واكثر الكليني من الرواية عنه بتوسط أبي بكر الأشعري-يمكن استظهار وثاقته بل جلالته كما نص عليه الشارح. حيث قال: يظهر من كتاب كمال الدين ، والغيبة ، والتوحيد جلاله هذا الرجل ، واعتمد عليه المشايخ العظام ، ولم نطلع علي خبر يدل علي اضطرابه في الحديث والمذهب كما ذكره بعض الأصحاب ، وعلي اي حال فأمره سهل لكونه من مشايخ الإجازة لكتاب الوشاء غالبا ولغيره قليلا ، انتهى.

شيخ طوسي در فهرست معلي را در شمار کسانی که از معصوم روایت نکرده ذکر کرده و از کتابها و طرقتش نام برده؛ اما هیچ طعنی در باره او نگفته است. ولی نجاشی او را مضطرب الحديث و مذهب قلمداد کرده است.

پوشیده نیست که روایت کردن شیخ مفید کتابهای او را از طریق استادش ابن قولویه از حسن اشعری ، منافات با اضطراب او در حدیث و مذهب دارد. و نیز روایت بزرگانی همانند: شیخ قمیان محمد بن حسن بن ولید ، حسین بن سعید و ثقه جلیل ابو علی اشعری احمد بن احمد بن ادريس و علي بن اسماعيل ميثمي ، منافات با سخن ابن غضائري دارد.

بعد از روایت این بزرگان از او ، (که در میان آنها ابو علی است که در باره او گفته اند: او صحیح الروایت است و نیز ابن ولید که در دوری از ضعفاء و متهمان مشهور است و نیز فراوان روایت نقل کردن کلینی از او توسط ابی بکر اشعری) ممکن است وثاقت بلکه جلالت او ظاهر و کشف شود. چنانچه شارح بر این مطلب تصریح کرده و گفته است: از کتاب کمال الدین ، الغيبة و توحيد شیخ صدوق جلالت این شخص ظاهر می شود و بر روایات این شخص بزرگان از مشایخ اعتماد کرده اند. و من بر خبری که نشانگر اضطراب او در روایت و مذهب باشد ، دست نیافتیم. به هر تقدیر ، امر او آسان است؛ زیرا او از مشایخ اجازه کتاب و شاء غالباً برای کتاب غیر و شاء در برخی موارد می باشد.

الطبرسي ، ميرزا الشيخ حسين النوري (متوفای 1320هـ) خاتمة المستدرک ، ج 5 ، ص 324 ، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم - إيران ، الطبعة الأولى 1415

ایشان همان حسن بن علي بن زیاد و شاء است که نجاشي در باره او مي نويسد:

الحسن بن علي بن زياد الوشاء بجلي كوفي ، قال أبو عمرو: ويكني بأبي محمد الوشاء وهو ابن بنت الياس الصيرفي خزاز من أصحاب الرضا عليه السلام وكان من وجوه هذه الطائفة.

حسن بن علي بن زياد و شاء بجلي ، اهل كوفه است. ابو عمرو كشي گفته است: كنيه او ابو محمد و شاء و پسر دختر الياس صيرفي خزاز از اصحاب امام رضا عليه السلام مي باشد. او از چهره هاي سرشناس و بزرگان شيعة بود.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 39 ، تحقيق: السيد موسى الشيرى الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

علامه حلي نيز در خلاصة الاقوال اين عبارات را آورده است:

الحسن بن علي بن زياد الوشاء ، بجلي ، كوفي. قال الكشي: يكنى بابي محمد الوشاء ، وهو ابن بنت الياس الصيرفي ، خير من أصحاب الرضا (عليه السلام) ، وكان من وجوه هذه الطائفة.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 104 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

علمای رجال و تراجم «از عبارات من وجوه الطائفة» وثاقت راوي را ثابت مي کنند.

چنانچه مرحوم حاجي نوري در خاتمة ال مستدرک ، در ترجمه «احمد بن عائذ» مي فرمايد: عبارت «وكان من وجوه هذه الطائفة» از نجاشي در باره او ، فوق وثاقت او را ثابت مي کند:

قول النجاشي في حقه: وكان من وجوه هذه الطائفة ، فإنه مما يفهم منه فوق الوثيقة.

الطبرسي ، ميرزا الشيخ حسين النوري (متوفى 1320هـ) خاتمة المستدرک ، ج 4 ، ص 47 ، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم - ايران ، الطبعة الاولى 1415

د (ابان بن عثمان:

شيخ طوسي ایشان را اصالتاً از اهل كوفه مي داند كه گاهي در بصره هم زندگي مي كرده است:

أبان بن عثمان الأحمر البجلي ، أبو عبد الله ، مولاهم ، أصله كوفي ، وكان يسكنها تارة والبصرة أخرى...

گرچه برخی از علماء ، ایشان را به مذاهب قادیسیه ، ناووسییه و فطحیه متهم کرده اند؛ اما کشی او را از جمله اصحاب اجماع می داند و در باب «تسمیه الفقهاء من اصحاب ابی عبد الله (ع) » آورده است:

أجمعت العصابة علي تصحيح ما يصح من هؤلاء وتصديقهم لما يقولون ، وأقروا لهم بالفقه من دون أولئك الستة الذين عددناهم وسميناهم ستة نفر: جميل ابن دراج ، وعبد الله بن مسكان ، وعبد الله بن بكير ، وحماد بن عثمان ، وحماد بن عيسى ، وأبان بن عثمان.

گروه امامیه ، بر صحت آن چه را که این چند نفر تصحیح می کنند و بر تصدیق آنچه را می گویند ، اجماع دارند.؟؟؟

الطوسي ، الشيخ الطائفة أبي جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفى 460هـ) ، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي ، ج 2 ، ص 673 ، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاسترادي ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، تاريخ الطبع: 1404 هـ

آقاي خويي بعد از نقل این عبارت می فرماید:

وهو يكفي في توثيقه ، علي أنه وقع في طريق علي بن إبراهيم بن هاشم في التفسير ، وقد شهد بأن ما وقع فيه من الثقات.

این عبارت کشی در توثیق او کفایت می کند. علاوه بر آن ، ایشان در طریق روایات تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز واقع شده و خود علی بن ابراهیم شهادت داده بر این که راویان واقع شده در طریق این روایات ، موثق هستند.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 1 ، ص 147 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

علامه حلی در خلاصه ، مذهب ناووسییه را به او نسبت داده ولی در عین حال بعد از نقل عبارت کشی ، می گوید: من روایت او را قبول دارم:

والأقرب عندي قبول روايته ، وان كان فاسد المذهب للاجماع المذكور.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 74 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقه ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

هـ) زرارة بن اعين:

آخرین راوی در این روایت ، زرارة بن اعین است که از نظر علمای رجال موثق می باشد.

نجاشی در باره او می نویسد:

زرارة بن أعین بن سنسن مولي لبني عبد الله بن عمرو السمين بن أسعد بن همام بن مرة بن ذهل بن شيبان ، أبو الحسن. شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم ، وكان قارئاً فقیهاً متکلماً شاعراً أدیباً ، قد اجتمعت فیہ خلال الفضل والدين ، صادقاً فیما یرویه.

زراره بن اعین.... بزرگ اصحاب ما در زمان خودش ، قاری ، فقیه ، متکلم ، شاعر ، ادیب ، بود و در وجود او ویژگیهای دینی جمع بود و در آنچه روایت می کرد صادق بود.

النجاشی الأسدي الکوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی ، ص 175 ، تحقیق: السيد موسی الشیبیری الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

شیخ طوسی نیز در رجالش او را ثقه معرفی کرده است:

زرارة بن أعین الشیبانی ، ثقة ، روی عن أبي جعفر وأبي عبد الله علیهما السلام.

الطوسی ، الشیخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسی ، ص 337 ، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

در نتیجه این روایت موثق است.

2. روایت امام حسن مجتبی (ع) از رسول خدا (ص) : «أَنَا عَشْرَ إِمَامًا تَسَعُهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ»

خزاز قمی ، در قدیمی ترین منبع حدیثی شیعه ، روایت رسول خدا صلی الله علیه وسلم را از طریق امام حسن مجتبی علیه السلام این گونه نقل کرده است:

حدثنا عبد الله بن محمد عن يحيى الصوفي عن علي بن ثابت عن زر بن حبیش عن الحسن بن علي عليه السلام قال قال رسول الله: إن هذا الأمر يملكه بعدي اثنا عشر إماماً تسعه من صلب الحسين أعطاهم الله علمي وفهمي ما لقوم يؤدوني فيهم لا أنالهم الله شفاعتي.

به روایت امام حسن علیه السلام ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این امر (خلافت) را پس از من دوازده نفر امام مالک شوند ، که نه نفرشان از صلب حسینند ، و خداوند علم و فهم مرا به آنها عنایت و مرحمت فرموده ، چي شده گروهی را که مرا در باره ایشان اذیت می کنند ، خداوند شفاعت مرا به ایشان نرساند.

3. روایت عبد الله بن مسعود از رسول خدا (ص) : « الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ »

به نقل عبد الله بن مسعود ، رسول خدا صلي الله عليه وآله فرموده است: امامان بعد از من دوازده نفرند ، نه نفر آنان از صلب حسين عليه السلام مي باشند:

أخبرنا أبو المفضل محمد بن عبد الله الشيباني رحمه الله ، قال حدثنا أبو علي محمد بن زهير بن الفضل الابلي ، قال حدثنا أبو الحسين عمر بن الحسين بن علي بن رستم ، قال حدثني إبراهيم ابن يسار الرمادي ، قال حدثني سفيان بن عتبة ، عن عطاء بن السائب ، عن أبيه ، عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَالْتَّاسِعُ مَهْدِيهِمْ.

عبد الله بن مسعود مي گوید: از رسول خدا صلي الله عليه وآله شنيدم كه مي فرمود: پيشوايان بعد از من دوازده نفراند ، نه نفر آنان از نسل حسين مي باشند و نهمين آنها مهدي شان است.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 23 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

4. روایت عبد الله بن عباس: « وَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تَخْرُجُ الْأئِمَّةُ التِّسْعَةُ »

خزاز قمي در روایت دیگر آورده است:

أخبرنا القاضي أبو الفرج المَعْقَلُ بْنُ زَكْرِيَّا الْبَغْدَادِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَلْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي هَرَّاسَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ التَّهَاتِيَّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أُوَيْسٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ عَطَاءٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ وَهُوَ عَالِيٌّ بِالطَّائِفِ فِي الْعِلَّةِ الَّتِي تُقَوِّى فِيهَا وَنَحْنُ زُهَاءٌ ثَلَاثِينَ رَجُلًا مِنْ شُبُوحِ الطَّائِفِ وَقَدْ ضَعَفَ فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ وَجَلَسْنَا فَقَالَ لِي: يَا عَطَاءُ مَنْ الْقَوْمُ؟ قُلْتُ: يَا سَيِّدِي هُمْ شُبُوحُ هَذَا الْبَلَدِ مِنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَمَةَ بْنُ حَصْرِمِ الطَّائِفِيِّ وَعُمَارَةُ بْنُ أَبِي الْأَجْلِحِ وَتَابِتُ بْنُ مَالِكٍ فَمَا زِلْتُ أُعْذِرُ لَهُ وَاجِدًا بَعْدَ وَاجِدٍ ثُمَّ تَقَدَّمُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا: يَا ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكَ رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ وَسَمِعْتَ مِنْهُ مَا سَمِعْتَ فَأَخْبِرْنَا عَنْ اخْتِلَافِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَقَوْمٌ قَدَّمُوا عَلَيَّ عَلَى غَيْرِهِ وَقَوْمٌ جَعَلُوهُ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ قَالَ: فَتَنَفَّسَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: عَلَيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ فَازَ وَنَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ ضَلَّ وَعَوِي يَلِي تَكْفِينِي وَعُسْلِي وَيَقْضِي دِينِي وَأَبُو سَيْبِطِيِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تَخْرُجُ الْأئِمَّةُ التِّسْعَةُ وَمِنْهَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ....

عطا مي گوید: بر عبد الله بن عباس در شهر طائف كه بیمار بود و (به واسطه آن علت) ناتوان شده بود وارد شدیم ، بر او سلام کرده و نشستیم ، او به من گفت: اي عطا اينان (كه همراهت) هستند

کیانند؟ گفتیم: ای آقای من بزرگان این شهراند که از جمله آنها عبد الله بن سلمه بن حزم طائفی ، و عمارة بن ابلح و ثابت بن مالک هستند ، یکی یکی را برایش نام بردم؛ پس آن جماعت نزدیک او رفته و گفتند: ای پسر عموی رسول خدا! تو پیغمبر صلی الله علیه و اله را دیده ای و از آن حضرت آنچه خواسته ای شنیده ای ، پس از اختلاف این امت ما را آگاه کن ، یک دسته علی را بر غیر او مقدم دارند ، و دسته ای او را بعد از سه نفر (ابو بکر و عمر و عثمان) قرار داده اند؟ عطا گوید: ابن عباس آهی از دل کشید و گفت:

شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و اله که می فرمود: علی با حق است و حق با علی است و او امام و خلیفه بعد از من می باشد ، پس هر که به او تمسک جوید رستگار است و نجات یابد ، و هر که او را واگذارد گمراه شده و درافتاده است ، اوست که غسل دادن و کفن کردن مرا عهده دار شود. و قرض مرا ادا می کند ، و او پدر دو نوه ای من حسن و حسین است ، و از صلب حسین امامان نه گانه بیرون آید ، و مهدی این امت از ایشان است.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 21 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

5. روایت ابو سعید خدری از رسول خدا (ص) : «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ»

یکی از راویان این دسته ، ابو سعید خدری است. روایت ایشان از پنج طریق (عطیة عوفی ، أبو هارون عبدي ، سعید بن مسیب ، سلمة بن الأكوع وأبو الصديق الناحي) نقل شده است. در اینجا به یک طریق آن اشاره می کنیم:

أخبرنا أبو الْمُفَضَّلِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ سَلْمَةَ بْنِ قَيْسٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِي الْحَجَّافِ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ وَالْتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ قَطُوبِي لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ.

امامان پس از من دوازده نفر اند ، نه نفر آنان از نسل حسین و نهمین آنان قائم شان است ، خوشا به حال کسی که آنان را دوست بدارد وای بر کسی که آنان را دشمن دارد.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 30 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بیدار - قم ، 1401هـ.

6. روایت ابودر غفاری از رسول خدا (ص) : «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ»

خزاز قمی در کفایة الاثر ، سه روایت از طریق ابودر غفاری این صحابه مخلص رسول خدا صلی الله علیه و اله در این مورد نقل کرده که یکی از روایاتش این است:

حدثنا علي بن الحسن بن محمد بن مندة ، قال: حدثنا أبو محمد هارون بن موسي ، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد ، قال: حدثنا محمد بن سالم بن عبد الرحمان الأزدي ، عن الحسن أبي جعفر ، قال حدثنا علي بن زيد ، عن سعيد بن المسيب ، عن أبي ذر الغفاري قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسَعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا إِنَّ مَتْلَهُمْ فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ وَمَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.

ابوذر غفاري می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امامان بعد از من دوازده نفراند ، نه نفر از صلب حسین هستند که نهمین آنها قائم شان است. سپس فرمود: همانا مثل ایشان در میان شما مثل کشتی نوح است ، هر کسی در آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن باز ماند هلاک شد؛ و مثل دروازه حطه در بنی اسرائیل است .

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 38 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

7. روایت سلمان فارسی از رسول خدا (ص) : « أَنْتَ حُجَّةٌ ... تَسَعِي مِنْ صُلْبِكَ »

سلمان فارسی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام فرمود: تو امام ، پسر امام ، پدر امامانی و نه نفر از آنان از صلب تو هستند:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ سَلْمَانَ الْقَارِسِيِّ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلِيَّ فَخَذِيهِ وَهُوَ يُقِيلُ عَيْنَيْهِ وَبَلِيْمُ قَاهُ وَهُوَ يَقُولُ: أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ أَبُو الْأُئِمَّةِ أَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ أَبُو حُجَّةٍ تَسَعِي مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ .

سلمان فارسی می گوید: به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که حسین علیه السلام بر دامنش بود و آن حضرت دیدگان و دهانش را می بوسید و می فرمود: تو آقا و فرزند آقایی تو پیشوا و فرزند پیشوا و پدر پیشوایانی تو حجت و فرزند حجت و پدر حجتی نه گانه هستی که از پشت تو بیرون آیند و نهم آنان قائم آنان است.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، الخصال ، ج 2 ، ص 475 ، ح 38 ، تحقيق ، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري ، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة ، سال چاپ 1403 - 1362

ابن شهر آشوب ، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفای 588هـ) ، مناقب آل أبي طالب ، ج 1 ، ص 254 ، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف ، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية ، 1376هـ - 1956م.

8. روایت زید بن ثابت از رسول خدا (ص) : « وَمِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَخْرُجُ الْأُئِمَّةُ النَّسَعَةُ »

زید بن ثابت از رسول خدا صلی الله علیه وآله چندین روایت در این باره نقل کرده که از جمله این روایت است:

حدثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُوسَى بْنِ إِسْحَاقَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرِ الْعَنَوِيِّ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ تَابِتٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَائِدُ الْبَرَّةِ وَقَاتِلُ الْفَجْرَةِ مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ الشَّاكُّ فِي عَلِيٍّ هُوَ الشَّاكُّ فِي الْإِسْلَامِ وَخَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَ بَعْدِي وَخَيْرٌ أَصْحَابِي عَلِيٌّ لِحُمَةِ لِحْمِي وَدَمِهِ دَمِي وَأَبُو سَيْبِطٍ وَمَنْ صُلِبَ الْحُسَيْنِ يَخْرُجُ الْأَيْمَةُ الْإِسْعَةَ وَمِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ.

زید بن ثابت می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: علی بن ابی طالب زمامدار نیکوکاران و کشنده بدکاران است ، هر که او را یاری کند منصور؛ و هر که یاریش نکند مخدول است ، کسی که در علی شک کند در اسلام شک کرده ، و بهترین یادگار و بهترین اصحابم علی است ، گوشتش گوشت من و خون او خون من ، و پدر دو نوه ای من است ، و از صلب حسین ، امامان نه گانه بیرون آیند؛ و از جمله آنان مهدی این امت است.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 97 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمری الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

دسته سوم؛ تعیین اولین و آخرین فرد ائمه (ع)

دسته سوم روایاتی است که در آنها رسول خدا صلی الله علیه وآله علاوه بر این که به تعداد امامان تصریح نموده ، نخستین و آخرین امام را با اسم تعیین کرده است.

طرق این روایت:

این روایات نیز با تعبیرات مختلف از طریق: ابن عباس از رسول خدا ، ابو حمزه ثمالی از امام علی بن الحسین ، و عبد السلام هروی از امام هشتم علیه السلام نقل شده است که به آنها اشاره می کنیم:

الف: تعبیر «أُولَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ»

گاهی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، با تعبیر فوق ، امیرمؤمنان علی علیه السلام را نخستین امام معرفی کرده و به آخرین وصی آن حضرت نیز تصریح نموده است:

1. روایت از ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین (ع) : « الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أُولَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ »

تعبیر فوق را مرحوم شیخ صدوق در دو کتابش از طریق ثابت بن دینار از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است:

حدثنا أحمد بن محمد (رحمه الله) ، قال: حدثنا أبي ، عن محمد بن عبد الجبار ، عن أبي أحمد محمد بن زياد الأزدي ، عن أبان بن عثمان ، عن ثابت بن دینار ، عن سيد العابدين علي بن الحسين ، عن سيد الشهداء الحسين بن علي ، عن سيد الأوصياء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليهم السلام) ، قال: قال رسول الله (صلي الله عليه وآله) : **الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ يَدَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.**

رسول خدا صلي الله عليه وآله فرمود: امامان بعد از من دوازده نفر هستند ، اي علي! نخستين آنان تو هستي و آخرين آنها ، قائم است که خداوند به دست وي شرق و غرب عالم را خواهد گشود.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، الأمالي ، ص 173 ، تحقيق و نشر: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة - قم ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، کمال الدين و تمام النعمة ، ص 282 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

این روایت در منابع ذیل از اهل سنت نیز نقل شده است:

المالکي ، علي بن محمد بن أحمد المالکي المکي المعروف بابن الصبغ (متوفای 885هـ) ، الفصول المهمة في معرفة الأمة ، ج 2 ، ص 1163 ، تحقيق: سامي الغريبي ، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر مركز الطباعة والنشر في دار الحديث - قم ، الطبعة الأولى: 1422

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 3 ، ص 395 ، تحقيق: سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر - قم ، الطبعة: الأولى 1416هـ.

بررسی سند روایت:

1) احمد بن محمد بن يحيى:

مقصود از ایشان ، أحمد بن محمد بن يحيى العطار قمی است که این روایت را از پدرش نقل کرده است.

در باره ایشان میان علمای رجال دو نظر است. يك نظر این است که او مورد اعتماد نیست. و نظر دوم این است که ایشان از مشایخ اجازه و موثق است که شیخ صدوق و تلکبری از او روایت نقل کرده اند. آقای خوبی بعد از نقل این دو نظر ، می نویسد:

وكيف كان ، فقد اختلف في حال الرجل ، فمنهم من اعتمد عليه ولعله الأشهر..

به هر حال ، در شرح حال این مرد اختلاف شده است. برخی از علماء ، بر او اعتماد کرده اند و شاید این نظر مشهور تر است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 3 ، ص 121 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

شيخ طوسي در رجالش آورده که او از مشايخ اجازه بوده است:

أحمد بن محمد بن يحيى العطار القمي ، روي عنه التلعكبري ، وأخبرنا عنه الحسين بن عبيد الله وأبو الحسين بن أبي جيد القمي ، وسمع منه سنة ست وخمسين وثلاثمائة ، وله منه إجازة.

احمد بن محمد... از او تلعبكري روايت کرده است. از او حسين بن عبيد الله و ابو الحسين بن ابي جيد قمي خبر داده اند و ابو جيد در سال 356 روايت شنیده است و از احمد بن محمد اجازه روايت دريافت کرده است.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 411 ، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

علامه مامقاني بعد از این که هردو نظر را نقل کرده خودش مي گوید: بعد از توثيق شهيد ثاني که در فقه و رجال در بالاترين مرتبه علمي قرار دارد ، دليلي براي توقف در وثاقت او نمي بينم:

واقول: بعد توثيق مثل الشهيد الثاني (ره) الذي تثبته في الفقه والرجال في اعلي الدرجة لا اري وجهاً للتوقف في الرجل ، سيما مع تأيد هذ التوثيق بتوثيق السماهيجي والمحقق الاردبيلي (ره) والمحقق الداماد والشيخ البهائي والمحقق الشيخ حسن صاحب المنتقي. وكون الرجل من مشايخ الاجازة وكثرة روايته واكثر المشايخ الرواية عنه واتخاذ العلامة (ره) تصحيح الطريق الذي هو فيه يدنا بل ظاهر الوجيزة انه ديدن الكل حيث قال انه من مشايخ الاجازة وحكم الاصحاب بصحة حديثه. انتهى.

ومجرد عدم عد جمع له في الثقات لا يدل علي عدمه ، لاحتمال كون ذلك لعدم كونه من المصنفين والناقلين للاخبار وانما يذكر لمجرد اتصال السند كما نبه علي ذلك الشيخ محمد في محكي شرح التهذيب.

ومما يشير الي جلاله الرجل ووثاقته ما كتبه ابو العباس احمد بن علي بن نوح السيرافي الي النجاشي في جواب كتابه الذي يسئله فيه تعريف الطريق الي ابني سعيد الالهوازي وعبارة الجواب هكذا اما ما عليه اصحابنا والمعول عليه ما رواه عنهما احمد بن محمد بن عيسي اخبرنا الشيخ الفاضل ابو عبد الله بن الحسين بن علي بن سفيان قال حدثنا ابو علي الاشعري احمد بن ادريس بن احمد القمي.... وحدثنا ابو علي احمد بن محمد بن يحيى العطار القمي قال حدثنا ابي وعبد الله بن جعفر الحميري

وسعد بن عبد الله جميعاً عن احمد بن محمد بن عيسي انتهى. دل علي كون احمد المبحوث عنه من مشايخ السيرافي وكونه محل وثوقه وطمأنينته..

وملخص المقال انا لا نتوقف بوجه في عد الرجل من الثقات وعد حديثه صحيحا بعد ما عرفت والله الهادي الي الصواب.

من بعد از توثيق همانند شهيد ثاني که در فقه و رجال در بالاترين درجه علمي قرار دارد ، وجهي براي توقف در حال اين مرد نمي بينم. به ويژه با تأييد اين توثيق به توثيق سماهيجي ، محقق اردبيلي ، محقق داماد ، شيخ بهايي ، محقق شيخ حسن صاحب المنتقي و اين که او مشايخ اجازه و ناقل روايات بسيار است و مشايخ روايت از او فراوان نقل کرده اند و علامه طريقت او را تصحيح کرده (که اين روش ما است بلکه طبق ظاهر وجيزه اين روش همه است) و گفته است: او از مشايخ اجازه است و اصحاب به صحت روايتش حکم کرده اند.

و تنها اين که جمعي از او را از جمله موثقان نشمرده اند دليل نمي شود که او از موثقان نباشد؛ زيرا احتمال دارد که دليل اين باشد که او از مصنفان و ناقلان اخبار نبوده است...

از جمله دلائلي که بر جلالت و وثاقت او اشاره دارد ، جواب ابو العباس احمد بن علي بن نوح سيرافي در پاسخ به نامه نجاشي است که از او در شناخت طريق پسران سعد اهوازي پرسیده بود و عبارت جواب اين است: آنچه که اصحاب ما بر آن است و مورد اعتماد است آن رواياتي است که احمد بن محمد بن عيسي از او روايت کرده است. خبر دارد ما را شيخ فاضل ابو عبد الله بن الحسين بن علي بن سفيان و گفته روايت کرد ابو علي اشعري...

و روايت کرد براي ما ابو علي احمد بن محمد بن يحيي العطار قمي و روايت عبدالله بن جعر حميري و سعد بن عبد الله که همه از احمد بن محمد بن عيسي روايت کرده اند..

اين روايت دلالت دارد که احمد بن محمد بن يحيي عطار از مشايخ سيرافي است و او مورد وثوق و اعتماد او بوده است. خلاصه گفتار اين است که ما به هيچ وجهي در مورد او توقف نمي کنيم و او را از ثقات مي دانيم و روايات او صحيح است.

مامقاني ، عبدالله ، تنقيح المقال في علم الرجال ، ج 1 ، ص 95 ، ناشر: المكتبة المرتضوية ، نجف اشرف 1350 هـ

شيخ حر عاملي مي گويد: از تصحيح علامه طرق شيخ را و نیز از عبارت شهيد ثاني در بيان تعديل او ، توثيق احمد بن محمد بن يحيي استفاده مي شود:

أحمد بن محمد بن يحيي. روي عنه التلعكبري ، وأخبرنا عنه الحسين بن عبيد الله - قاله الشيخ. ويستفاد توثيقه من تصحيح العلامة طرق الشيخ ، ونحوه عبارة الشهيد الثاني السابقة في المقدمات في تعديله وتعديل أمثاله.

الحر العاملي ، الشيخ محمد بن الحسن (متوفاي 1104 ،) أمل الآمل ، ج 2 ، ص 28 ، تحقيق: السيد احمد الحسيني ، ناشر: مكتبة

نمازي شاهرودي نیز از قول علامه مجلسي ، حکم اصحاب اماميه را به صحت روايات او نقل کرده است:

أحمد بن محمد بن يحيى العطار أبو علي القمي: من مشايخ الصدوق ، روي عنه في كتبه كثيرا " مترضيا " عليه ، وأبوه من مشايخ الكليني جملة من روايات الصدوق عنه في الأمالي ص 21 و 38 و 50 و 60 ، والعيون ج 1 ص 23 و 46 و 65 ، والمعاني ص 234 و 250 إلي غير ذلك. وروي عنه التلعكبري وسمع منه سنة 356. وله منه إجازة. قال العلامة المجلسي في الوجيزة بعد عنوانه: من مشايخ الإجازة ، وحكم الأصحاب بصحة حديثه، .. انتهى.

احمد بن محمد بن يحيى از اساتيد شيخ صدوق است که از او در کتابهايش بسيار روايت کرده و او را مورد ترضي قرار داده است. و پدرش از مشايخ كليني است که جمله اي از روايات صدوق در امالي ، عيون و معاني الاخبار و غير آن از او است و تلککبري از او روايت کرده و در سال 356 از او روايت شنیده و اجازه روايت دريافت کرده است. علامه مجلسي در وجيزه بعد از اين که او را از مشايخ اجازه عنوان کرده گفته است: اصحاب به صحت روايات او حکم کرده اند.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفاي 1405هـ) ، مستدرکات علم رجال الحديث ، ج 1 ، ص 483 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412هـ.

ب (محمد بن يحيى العطار:

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار ، پدر احمد بن محمد راوي قبلي و از مشايخ كليني و ثقه است. نجاشي در باره او مي نويسد:

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار القمي ، شيخ أصحابنا في زمانه ، ثقة ، عين ، كثير الحديث.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 353 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

ابن داوود حلي نیز آورده است:

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار لم (ج خ) روي عنه الكليني وهو (قمي) كثير الرواية ثقة.

الحلي ، تقي الدين الحسن بن علي بن داود (متوفاي 740هـ) ، رجال ابن داود ، ص 186 ، تحقيق وتقديم: السيد محمد صادق آل بحر العلوم ، ناشر: منشورات مطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ، 1392 - 1972 م

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار الأشعري القمي: كثير الرواية ، من مشايخ الكليني ، شيخ أصحابنا في زمانه ، ثقة بالاتفاق.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفى 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 7 ، ص 364 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412هـ.

ج (محمد بن عبد الجبار:

سومين شخص در اين روايت ، محمد بن عبد الجبار است كه او نيز از دیدگاه علمای رجال شیعه ، موثق می باشد. شيخ طوسي در رجال مي گوید:

محمد بن عبد الجبار ، وهو ابن أبي الصهبان ، قمي ، ثقة.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 391 ، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

علامه حلي در خلاصه او را موثق و از اصحاب امام هادي عليه السلام معرفی کرده است:

محمد بن عبد الجبار ، وهو ابن أبي الصهبان - بالصاد المهملة المضمومة ، والباء المنقطة تحتها نقطة ، والنون أخيراً - قمي ، من أصحاب أبي الحسن الثالث الهادي (عليه السلام) ، ثقة.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 242 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

د (ابي احمد محمد بن زياد ازدي:

این شخص نیز از نظر علمای رجال موثق است. آقای خویی می فرماید ، محمد بن زياد ازدي همان محمد بن ابي عمير است:

محمد بن زياد الأزدي: روي عن أبان بن عثمان الأحمر... أقول: هو محمد بن أبي عمير المتقدم.

محمد بن زياد ازدي ، از ابان بن عثمان احمر روايت نقل کرده و او همان محمد بن ابي عمير گذشته است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 17 ، ص 98 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

و در جای دیگر محمد بن ابی عمیر ازدی را یک انسان جلیل القدر معرفی کرده که محضر دو امام معصوم (امام موسی کاظم ، که کنیه او را ابو احمد قرار داده و امام رضا علیهما السلام) را درک کرده و از آنها روایت نموده است:

محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ابو احمد الأزدی من موالی المهلب بن أبی صفره وقیل مولی بنی أمیه. والأول أصح. بغدادی الأصل والمقام ، لقی أبا الحسن موسی علیه السلام وسمع منه أحادیث کناه فی بعضها فقال: یا [أ] أبا أحمد ، وروی عن الرضا علیه السلام ، جلیل القدر عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین.

النجاشی الأسدی الکوفی ، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی ، ص 326 ، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

شیخ طوسی در فهرست می گوید:

محمد بن ابی عمیر ، یکنی أبا احمد ، من موالی الأزد ، واسم أبی عمیر زیاد ، وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسکهم نسکا ، وأورعهم وأعبدهم ، وقد ذكره الجاحظ فی کتابه فی فخر قحطان علی عدنان بهذه الصفة التي وصفناه ، وذكر انه كان أوحداً أهل زمانه فی الأشياء كلها. وأدرك من الأئمة علیهم السلام ثلاثة: أبا إبراهيم موسی علیه السلام ، ولم یرو عنه 2 ، وأدرك الرضا علیه السلام 3 والجواد علیه السلام.

محمد بن ابی عمیر... از موثق ترین مردم نزد شیعه و سنی ، عبادت کننده ترین ، با تقوا ترین و عابد ترین مردم بود. جاحظ نیز در کتابش در برتری قحطان بر عدنان ، او را با همین اوصافی که ما گفتیم توصیف کرده است و بیان کرده که او در تمام کمالات یگانه زمان خود بود و محضر سه امام (موسی کاظم که از او روایت نکرده ، امام هشتم و امام جواد علیهم السلام) را درک کرده است.

الطوسی ، الشیخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460هـ) ، الفهرست ، ص 218 ، تحقیق: الشیخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی ، الطبعة الأولى 1417

شیخ طوسی در رجالش او را توثیق کرده است:

محمد بن ابی عمیر ، یکنی أبا أحمد ، واسم أبی عمیر زیاد ، مولی الأزد ، ثقة.

الطوسی ، الشیخ ابوجعفر ، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسی ، ص 365 ، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

کشی از زبده ترین رجال شناس ، محمد بن ابی عمیر را از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام و از جمله شش نفر اصحاب اجماع می داند و می گوید:

1050 - أجمع أصحابنا علي تصحيح ما يصح عن هؤلاء وتصديقهم وأقروا لهم بالفقه والعلم: وهم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله عليه السلام ، منهم يونس بن عبد الرحمن ، وصفوان بن يحيى بياع السابري ، ومحمد بن أبي عمير ، وعبد الله بن المغيرة ، والحسن بن محبوب ، وأحمد بن محمد بن أبي نصر.

نام فقهايي از اصحاب امام كاظم و امام رضا عليهما السلام. اصحاب بر تصحيح راويان و صحبت روايت آنان و تصديق آنان اجماع دارند و به علم و دانايي آنان معترف اند. آنان شش تن ديگر غير از شش نفری که از اصحاب امام صادق عليه السلام هستند مي باشند. از جمله آنان يونس بن عبد الرحمان ، صفوان بن يحيى بياع سابري ، محمد بن ابى عمير و عبد الله بن مغيره ، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابى نصر هستند.

الطوسي ، الشيخ الطائفة أبي جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي 460هـ) ، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي ، ج 2 ، ص 830 ، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستريادي ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، تاريخ الطبع: 1404 هـ

و در جاي ديگر او را داناتر ، برتر و شايسته تر از يونس بن عبد الرحمان معرفي کرده است:

قال محمد بن مسعود: سمعت علي بن الحسن بن فضال ، يقول: كان محمد بن أبي عمير أفتقه من يونس وأصلح وأفضل .

الطوسي ، الشيخ الطائفة أبي جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي 460هـ) ، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي ، ج 2 ، ص 855 ، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستريادي ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، تاريخ الطبع: 1404 هـ

هـ) ابان بن عثمان:

شيخ طوسي ايشان را اصالتاً از اهل كوفه مي داند كه گاهي در بصره هم زندگي مي کرده است:

أبان بن عثمان الأحمر البجلي ، أبو عبد الله ، مولا هم ، أصله كوفي ، وكان يسكنها تارة والبصرة أخرى...

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي 460هـ) ، الفهرست ، ص 59 ، تحقيق: الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي ، الطبعة الأولى 1417

گرچه برخي از علماء ، ايشان را به مذاهب قادييه ، ناووسيه و فطحيه متهم کرده اند؛ اما کشي او را از جمله شش تن اصحاب اجماع مي داند و در باب «تسمية الفقهاء من اصحاب ابى عبد الله (ع) » آورده است:

أجمعت العصاة علي تصحيح ما يصح من هؤلاء وتصديقهم لما يقولون ، وأقروا لهم بالفقه من دون أولئك الستة الذين عددهم وسميهم ستة نفر: جميل ابن دراج ، وعبد الله بن مسكان ، وعبد الله بن بكير ، وحماد بن عثمان ، وحماد بن عيسي ، وأبان بن عثمان.

گروه اماميه ، بر تصحيح راوي و صحت آن چه را که اين چند نفر تصحيح مي کنند و بر تصديق آنچه را مي گویند ، اجماع دارند. و بر دانائي آنان بر غير آن شش نفری که (که در اصحاب امام باقر و امام صادق عليهم السلام) نام برديم ، اقرار دارند. و اين شش نفر عبارتند از: جميل بن دراج ، عبد الله بن مسكان ، عبد الله بن بكير ، حماد بن عثمان ، حماد بن عيسي و ابان بن عثمان.

الطوسي ، الشيخ الطائفة أبي جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي 460هـ) ، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي ، ج 2 ، ص 673 ، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاسترادي ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، تاريخ الطبع: 1404 هـ

آقاي خويي بعد از نقل اين عبارت كشي مي فرمايد:

وهو يكفي في توثيقه ، علي أنه وقع في طريق علي بن إبراهيم بن هاشم في التفسير ، وقد شهد بأن ما وقع فيه من الثقات.

اين عبارت كشي در توثيق او كفايت مي كند. علاوه بر آن ، ايشان در طريق روايات تفسير علي بن ابراهيم قمي نيز واقع شده و خود علي بن ابراهيم شهادت داده بر اين كه راويان واقع شده در طريق اين روايات ، موثق هستند.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفاي 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 1 ، ص 147 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

علامه حلي در خلاصه ، مذهب ناووسيه را به او نسبت داده ولي در عين حال بعد از نقل عبارت كشي ، مي گوید: من روايت او را قبول دارم:

والأقرب عندي قبول روايته ، وان كان فاسد المذهب للاجماع المذكور.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفاي 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 74 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

ضمن اين كه نقل روايت توسط محمد بن أبي عمير از او ، وثاقت شخص را ثابت مي كند.

(و) ثابت بن دينار:

پنجمين راوي ، ثابت بن دينار ، معروف به ابو حمزه ثمالی است كه در ميان علمای رجال شناخته شده و موثق مي باشد.

ثابت بن دینار ، یکنی ابا حمزة الثمالي ، وکنیة دینار أبو صفیة ، ثقة.

ثابت بن دینار (کنیه اش ابو حمزه ثمالي و کنیه دینار ، ابو صفیه است) ، ثقة می باشد.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، الفهرست ، ص 90 ، تحقیق: الشيخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی ، الطبعة الأولى 1417

نجاشی می نویسد:

ثابت بن أبي صفیة أبو حمزة الثمالي واسم أبي صفیة دینار ، مولی ، کوفی ، ثقة ، ... وأولاده نوح ومنصور و حمزة قتلوا مع زيد ، لقي علي بن الحسين وأبا جعفر وأبا عبد الله وأبا الحسن عليهم السلام وروي عنهم ، وكان من خيار أصحابنا وثقاتهم ومعتمدیهم في الرواية والحديث.

ثابت بن ابی صفیه ، کنیه اش ابو حمزه ثمالي (اسم ابو صفیه دینار است) ، غلامی از اهل کوفه و موثق است.... فرزندان او ، نوح ، منصور و حمزه هستند که با زيد کشته شدند. او محضر امام سجاد ، امام باقر و امام صادق و امام هشتم عليهم السلام را درك نمود. او از بزرگان اصحاب ما و ثقة و مورد اعتماد آنان در روایت بود.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 115 ، تحقیق: السيد موسی الشیرازی الزنجانی ، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامی - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

علامه حلی نیز در خلاصه الاقوال او را موثق دانسته است:

ثابت بن دینار ، یکنی دینار ابا صفیة ، وکنیة ثابت ، أبو حمزة الثمالي. روي عن علي بن الحسين (عليه السلام) ومن بعده ، واختلف في بقاءه إلي وقت أبي الحسن موسی (عليه السلام) ، وكان ثقة ، وكان عربيا أزدیا.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصه الأقوال في معرفة الرجال ، ص 86 ، تحقیق: فضیلة الشيخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

نتیجه:

با توجه به بررسی سندی که انجام شد ، این روایت موثق است.

2. روایت عبد الله بن عباس از رسول خدا (ص) : «أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

مرحوم شیخ صدوق در دو کتابش ، روایت عبد الله بن عباس ، یکی از صحابیان رسول خدا صلی الله علیه وآله را از طریق عبایه بن ربیع چنین نقل کرده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَضْلُ بْنُ الصَّفَرِ الْعَبْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِنِّي أَوْصِيَانِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

به نقل ابن ربیع ، عبد الله بن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: من آقایی پیغمبرانم و علی بن ابی طالب آقایی اوصیاء است ، و اوصیای بعد از من دوازده نفرند که اولی ایشان علی بن ابی طالب و آخرین آنها (حضرت) قائم علیه السلام است.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 280 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

القمی ، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای 381هـ) ، عیون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 66 ، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی ، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

3. روایت دیگری از عبد الله بن عباس از رسول خدا (ص) : «أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَأَخْرَهُمُ الْمَهْدِيُّ»

عبد الله بن عباس روایت دیگری را نیز به همین عبارت ، در ذیل تفسیر آیه «والسَّمَاءُ ذَاتُ الْبُرُوجِ» از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده و این روایت را شیخ مفید و برخی از محدثان اهل سنت نیز آورده اند:

حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل ، عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي ، عن موسى بن عمران ، عن عمه الحسين بن يزيد ، عن علي بن سالم ، عن أبيه ، [عن سالم ابن دينار] ، عن سعد بن طريف ، عن الأصبغ بن نباتة قال: سمعت ابن عباس يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةَ وَذَكَرَ عِبَادَةَ وَذَكَرَ عَلِيَّ عِبَادَةَ وَذَكَرَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةَ....

ثُمَّ تَلَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ «وَالسَّمَاءُ ذَاتُ الْبُرُوجِ» ثُمَّ قَالَ: أُنْقِذُوا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَيَعْنِي بِهِنَّ السَّمَاءَ وَبُرُوجَهَا قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَئِمَّةُ بَعْدِي وَأَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَأَخْرَهُمُ الْمَهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ذکر خدا (و یاد کردن او) عبادت است و

یاد کردن من عبادت است ، و یاد کردن علی عبادت است ، و یاد کردن امامان از فرزندان او عبادت است ...

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «سوگند به آسمانهایی که دارای برجها است ، آنگاه فرمود: ای پسر عباس! آیا می پنداری که خداوند به آسمان دارای برجها سوگند یاد فرموده و مقصودش همین آسمانها و برجها است؟ عرض کردم: ای رسول خدا پس مقصودش چیست؟ فرمود: اما آسمان منم ، و اما برجها امامان پس از منند که اولی آنها علی و آخرشان مهدی است ، درود خدا بر تمامی ایشان باد.

الشیخ المفید ، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العکبري ، البغدادی (متوفای 413 هـ) ، الاختصاص ، ص 224 ، تحقیق: علی أكبر الغفاری ، السيد محمود الزرندي ، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1414 - 1993 م

المالکی ، علی بن محمد بن أحمد المالکی المکی المعروف بابن الصباغ (متوفای 885 هـ) ، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة ، ج 2 ، ص 1164 ، تحقیق: سامی الغریبی ، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر مركز الطباعة والنشر في دار الحديث - قم ، الطبعة الأولى: 1422

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294 هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 3 ، ص 254 ، تحقیق: سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر - قم ، الطبعة: الأولى 1416 هـ.

4. روایت یحیی بن ابی القاسم از امام صادق (ع) : « أولهم علي بن أبي طالب وآخرهم القائم »

حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن يحيى بن أبي القاسم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي عليهم السلام قال: قال رسول الله صلي الله عليه وآله: الأئمة بعدي اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب وآخرهم القائم هم خلفائي وأوصيائي وأوليائي وحجج الله علي أمتي بعدي المقر بهم مؤمن والمنكر لهم كافر.

رسول خدا فرمود: پیشوایان بعد از من دوازده نفراند ، نخستین آنان علی بن ابی طالب و آخرین آنان قائم است. آنان خلفاء ، اوصیاء و اولیای من و حجت های خدا بر امت من بعد از من می باشند. کسانی که آنان را قبول دارند مؤمن و کسانی که منکر آنهایند کافر اند.

القمي ، ابی جعفر الصدوق ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 381 هـ) ، عيون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 62 ، تحقیق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

در کفایة الاثر عن الحسين بن علي بن أبي حمزة آمده است:

5. روایت عبد السلام هروي از امام هشتم (ع) : « أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَخْرَهُمْ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي »

روایت مفصل دیگر توسط امام هشتم علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که یکی از علمای اهل سنت ، شیخ ابراهیم قندوزی حنفی نیز آن را در کتابش آورده است. در این روایت نیز نخستین وصی رسول خدا صلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام و آخرین آنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده شده است:

حدثنا الحسن بن محمد بن سعيد الهاشمي قال: حدثنا فرات بن إبراهيم ابن فرات الكوفي قال: حدثنا محمد بن علي بن أحمد بن الهمداني قال: حدثني أبو الفضل العباس بن عبد الله البخاري قال: حدثنا محمد بن القاسم بن إبراهيم بن عبد الله ابن القاسم بن محمد بن أبي بكر قال: حدثنا عبد السلام بن صالح الهروي ، عن علي بن موسي الرضا ، عن أبيه ، عن آباءه ، عن علي بن أبي طالب (سلام الله عليهم) قال: قال رسول الله (ص) : مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي

فَقُلْتُ: يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَانِي فَنُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ أَوْصِيَاءَكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَيَّ سَاقِ الْعَرْشِ قَنَظَرْتُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي إِلَيَّ سَاقِ الْعَرْشِ قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُورٍ سَطَّرَ أَحْضَرُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ اسْمٌ كُلِّ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَائِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَخْرَهُمْ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ أَهُؤُلَاءِ أَوْصِيَائِي مِنْ بَعْدِي فَنُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَائِي وَأَجْبَائِي وَأَصْفِيَائِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَيَّ بَرِيَّتِي وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَخُلَفَاؤُكَ وَخَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ...

... عرض کردم پروردگارا اوصیاء من کیانند؟ ندا رسید ای محمد! اسماء اوصیاء تو بر ساق عرش نوشته شدند. در پیشگاه پروردگار خود به ساق عرش نگریستم ، دوازده نور دیدم در هر نوری با یک سطر سبز نام یکی از اوصیاء من نوشته است ، اول آنان علی بن ابی طالب و آخرشان مهدی امت من بود. گفتم: پروردگارا آنان اوصیای بعد از من هستند؟ ندا شدم ای محمد آنان اولیاء و احباء و اصفیاء و حجت های من بعد از تو بر خلق من و اوصیاء و خلفاء تو و بهترین مخلوقات بعد از تو هستند.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى 381هـ) ، كمال الدين و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 255 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفى 1294هـ) ، ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 3 ، ص 379 ، تحقيق: سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر - قم ، الطبعة: الأولى 1416هـ.

ب: تعبیر «انت الامام ابو الائمة... منهم المهدي»

طبق برخی از روایات ، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در مقام خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام ، تعبیر «انت الامام ابو الائمة... منهم المهدي» بیان فرموده است.

ابو القاسم خزاز قمي در كفاية الاثر از طريق ابي الطفيل ، از امير مؤمنان علي عليه السلام تعبیر فوق را نقل کرده است:

أخبرنا القاضي المعافي بن زكريا قال حدثنا علي بن عتبة قال حدثني الحسين بن علوان عن أبي علي الخراساني عن معروف بن خربوذ عن أبي الطفيل عن علي عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلي الله عليه وآله: أنت الوصي علي الأموات من أهل بيتي والخليفة علي الأحياء من أممي حربك حربي وسلمك سلومي أنت الإمام أبو الأئمة أحد عشر من صليك أئمة مطهرون معصومون ومنهم المهدي الذي يملأ الدنيا قسطاً وعدلاً...

ابو الطفيل از علي عليه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو وصی بر مردگان از اهل بیت من و جانشین بر زندگان از امت من هستی ، جنگ با تو جنگ با من و تسلیم بودن برای تو تسلیم برای من است ، تو امام ، پدر امامان هستی ، یازده تن از صلب تو پیشوایانی پاکیزه هستند ، و از جمله ایشان مهدی است. او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد....

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 151 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات بيدار - قم ، 1401هـ.

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفى 1294هـ) ينابيع المودة لذوي القربى ، ج 1 ، ص 253 ، تحقيق: سيد علي جمال أشرف الحسيني ، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر- قم ، الطبعة: الأولى 1416هـ.

تعبیر «اولهم اخی و آخرهم ولدی»

تعبیر دیگری که برای معرفی نخستین و آخرین جانشین رسول خدا صلی الله علیه وآله از آن حضرت نقل شده ، تعبیر «اولهم اخی و آخرهم ولدی» است.

تعبیر فوق ، را شیخ صدوق رحمة الله علیه و محدثان دیگر ، از طریق عبد الله بن عباس نقل کرده اند:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلِّيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَكَمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَيِ الْخَلْقِ بَعْدِي أَنَا عَشْرًا وَأَوْلَهُمْ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخْوَكُ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلؤها قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاجِدُ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى

عبد الله بن عباس مي گوید رسول خدا صلي الله عليه وآله فرمود: به راستي خلفاء و اوصياء من و حجج خدا بر خلق بعد از من دوازده نفر اند ، نخستين آنان برادرم و آخرينشان پسر من مي باشد. عرض شد يا رسول الله برادرت كيست؟ فرمود علي بن ابي طالب. عرض شد پسر كيست؟ فرمود: مهدي همان كسي است كه زمين را پر از عدل و داد كند؛ هم چنان كه پر از جور و ظلم شده باشد. سوگند به آن كسي كه مرا به حق مبعوث كرده اگر از عمر دنيا تنها يك روز باقي مانده باشد ، خداوند آن را آن قدر طولاني كند تا آن كه فرزندم مهدي ظهور كند و روح الله عيسي بن مريم فرود آيد و پشت سرش نماز بخواند و زمين به نورش روشن گردد و سيطره حكومتش مشرق و مغرب را بگيرد..

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي381هـ) ، كمال الدين و تمام النعمة ، ج 1 ، ص280 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

الجوهري ، أحمد بن عبيد الله بن عياش (متوفاي401هـ) ، مقتضب الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص10 ، ناشر: مكتبة الطباطبائي ، چاپخانه: العلمية - قم

الطبرسي ، أبي علي الفضل بن الحسن (متوفاي548هـ) ، إعلام الوري بأعلام الهدى ، ج2 ، ص174 ، تحقيق و نشر: تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

دسته چهارم؛ روایات صریح در اسم و مشخصات کامل

ائمه (ع)

دسته دیگری که روایات فراوان را در خود جاي مي دهد ، اسامي و مشخصات کامل امامان معصوم عليهم السلام را بيان کرده و بر امامت و جانشيني آنان پس از رسول خدا صلي الله عليه وآله تصريح نموده است.

1. لوح جابر بن عبد الله انصاري از رسول خدا (ص)

يكي از اين روايات ، حديث لوح جابر بن عبدالله انصاري است كه در اين نوشتار به شش سند اين روايت دست يافتيم.

جابر بن عبد الله جهت عرض تبريك تولد حضرت امام حسين عليه السلام ، به نزد حضرت فاطمه زهرا رفته بود. ايشان اين لوح را از نزد حضرت زهرا سلام الله عليها دريافت کرده و براي خودش نسخه برداري نمود و بنا به درخواست امام باقر عليه السلام اين لوح را نزد حضرت آورد كه طبق املاء حضرت برابر بود. در اين لوح كه از جانب خداوند براي پيامبر داده شده؛ اسامي دقيق و مشخصات كامل ائمه عليهم السلام درج شده است.

علمای شیعه این روایت را از معتبرترین روایات دانسته اند.

ابو الفتح کراچکی از علمای قدیم شیعه ، روایاتی را که بیانگر امامت دوازده امام است ذکر کرده و راجع به روایت لوح می نویسد:

ومن ذلك خبر اللوح المشتهر المعروف الذي قد اجتمعت الشيعة الإمامية ولم تختلف فيه.

از جمله روایاتی که بر امامت دوازده جانشین رسول خدا صلی الله علیه وآله دلالت دارد ، روایت مشهور و معروف لوح می باشد که مورد اجماع شیعه امام است.

الکراچکی ، الامام العلامة أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان (متوفای 449هـ) ، الاستنصار في النص علي الأئمة الأطهار ، ص 18 ، ناشر: دار الأضواء ، بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1405

میرزا محمد تقی اصفهانی نیز در بحث روایاتی که بر اسم ائمه علیهم السلام تصریح می کند ، می گوید:

منها: حديث اللوح ، المروي بسند معتبر في أصول الكافي وكمال الدين وغيرهما من الكتب المعتمدة.

از جمله روایات ، حدیث لوح است که به سند معتبر در اصول کافی و کمال الدین و غیر آن از کتابهای معتبره دیگر نقل شده است.

الموسوي الأصفهاني ، ميرزا محمد تقی (متوفای 1348هـ) ، مکمال المکارم في فوائد الدعاء للقائم (علیه السلام) ، ج 2 ، ص 111 ، تحقیق العلامة السيد علي عاشور ، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1421 هـ - 2001 م

طرق لوح جابر:

این روایت با سندهای متعدد و طرق مختلف نقل شده است. نکته مهم و قابل دقت این است که امام باقر و امام صادق علیهما السلام این لوح را از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده اند. و از این دو امام بزرگوار ، ابو بصیر اسدی ، جابر جعفی ، ابو الجارود و اسحاق بن عمار آن را گزارش کرده اند.

طریق اول: روایت صحیح ابو الجارود از امام باقر (ع) از جابر بن عبد الله: «دَخَلْتُ عَلَي قَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ»

شیخ صدوق در کمال الدین و عیون الاخبار ، در روایت صحیح لوح جابر را از طریق ابو الجارود از امام باقر علیه السلام این گونه نقل کرده است:

وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَي قَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ

جابر مي گوید: به محضر حضرت فاطمه سلام الله عليها وارد شدم در برابرش لوحی بود که نامهای اوصیاء در آن نوشته شده بود. دوازده اسم را در آن شمردم که آخرین آنان اسم قائم بود. سه اسم به نام محمد و چهار اسم آن به نام علی بود.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 312 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

القمي ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 381هـ) ، عيون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 52 ، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

بررسی سند روایت:

در سند این روایت: 1. احمد بن محمد بن یحیی العطار ، 2. محمد بن یحیی العطار ، 3. محمد بن الحسین ابی الخطاب ، 4. حسن بن محبوب ، 5. ابی الجارود واقع شده اند.

1) احمد بن محمد بن یحیی العطار:

در دسته سوم در روایت نخست در باره احمد بن محمد مفصل بحث شد و نظر جمع زیادی از علماء بر این شد که او موثق و از مشایخ اجازه است که شیخ صدوق و تلعبیری از او روایت نقل کرده است. و آقای خوبی نیز همین نظر را مشهور تر می داند:

وكيف كان ، فقد اختلف في حال الرجل ، فمنهم من اعتمد عليه ولعله الأشهر..

به هر حال ، در شرح حال این مرد اختلاف شده است. برخی از علماء ، بر او اعتماد کرده اند و شاید این نظر مشهور تر است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفای 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 3 ، ص 121 ، الطبعة الخامسة ، 1413 هـ - 1992 م

علامه مامقانی بعد از این که هردو نظر را نقل کرده خودش می گوید: بعد از توثیق شهید ثانی که در فقه و رجال در بالاترین مرتبه علمی قرار دارد ، دلیلی برای توقف در وثاقت او نمی بینم:

واقول: بعد توثيق مثل الشهيد الثاني (ره) الذي تثبته في الفقه والرجال في اعلي الدرجة لا اري وجهاً للتوقف في الرجل ، سيما مع تأيد هذا التوثيق بتوثيق السماهيجي والمحقق الاردبيلي (ره) والمحقق الداماد والشيخ البهائي والمحقق الشيخ حسن صاحب المنتقى. وكون الرجل من مشايخ الاجازة وكثرة روايته واكتار المشايخ الرواية عنه واتخاذ العلامة (ره) تصحيح الطريق الذي هو فيه ديدنا بل ظاهر الوجيزة انه ديدن الكل حيث قال انه من مشايخ الاجازة وحكم الاصحاب بصحة حديثه.

من بعد از توثیق همانند شهید ثانی که در فقه و رجال در بالاترین درجه علمی قرار دارد ، وجهی برای توقف در حال این مرد نمی بینم. به ویژه با تأیید این توثیق به توثیق سماهیجی ، محقق اردبیلی ، محقق داماد ، شیخ بهایی ، محقق شیخ حسن صاحب المنتقی و این که او مشایخ اجازه و ناقل روایات بسیار است و مشایخ روایت از او فراوان نقل کرده اند و علامه طریقی او را تصحیح کرده (که این روش ما است بلکه طبق ظاهر وجیزه این روش همه است) و گفته است: او از مشایخ اجازه است و اصحاب به صحت روایتش حکم کرده اند.

مامقانی ، عبدالله ، تنقیح المقال فی علم الرجال ، ج 1 ، ص 95 ، ناشر: المكتبة المرتضوية ، نجف اشرف 1350 هـ

شیخ حر عاملی می گوید: از تصحیح علامه طرق شیخ را و نیز از عبارت شهید ثانی در بیان تعدیل او ، توثیق احمد بن محد بن یحیی استفاده می شود:

أحمد بن محمد بن یحیی. روی عنه التلعکبری ، وأخبرنا عنه الحسين بن عبيد الله - قاله الشيخ. ویستفاد توثیقه من تصحیح العلامة طرق الشيخ ، ونحوه عبارة الشهيد الثاني السابقة في المقدمات في تعديله وتعديل أمثاله.

الحر العاملي ، الشيخ محمد بن الحسن (متوفای 1104هـ) ، أمل الآمل ، ج 2 ، ص 28 ، تحقیق: السيد احمد الحسيني ، ناشر: مكتبة الأندلس - بغداد ، چاپخانه: الآداب - النجف الأشرف

نمازی شاهرودی نیز از قول علامه مجلسی ، حکم اصحاب امامیه را به صحت روایات او نقل کرده است:

قال العلامة المجلسي في الوجيزة بعد عنوانه: من مشايخ الإجازة ، وحكم الأصحاب بصحة حديثه .. ، انتهى.

علامه مجلسی در وجیزه بعد از این که او را از مشایخ اجازه عنوان کرده گفته است: اصحاب به صحت روایات او حکم کرده اند.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفای 1405هـ) ، مستدرکات علم رجال الحديث ، ج 1 ، ص 483 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأولی 1412هـ

ب (محمد بن یحیی العطار):

محمد بن یحیی عطار قمی از چهره های شناخته شده و موثق امامی و از اساتید مرحوم کلینی است که رجال شناسان او را ثقة و مورد اعتماد می دانند. نجاشی در باره او می گوید:

محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمي ، شیخ أصحابنا فی زمانه ، ثقة ، عین ، کثیر الحدیث.

محمد بن يحيى ابو جعفر عطار قمى ، شيخ اصحاب ما در زمان خود ، موثق و مورد اطمینان ، آقاي قوم و داراي روايات بسيار است.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 353 ، تحقيق: السيد موسى الشيرى الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

ابن داوود حلي در رجالش نیز او را موثق و داراي روايات بسيار معرفي کرده است:

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار... روي عنه الكليني وهو (قمى) كثير الرواية ثقة.

الحلي ، تقي الدين الحسن بن علي بن داود (متوفى 740هـ) ، رجال ابن داود ، ص 186 ، تحقيق: تحقيق وتقديم: السيد محمد صادق آل بحر العلوم ، ناشر: منشورات مطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ، 1392 - 1972 م

آقاي نمازي شاهرودي اتفاق علما را بر ثقه بودنش نقل کرده و مي گويد او از مشايخ مرحوم كليني بوده است:

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار الأشعري القمي: كثير الرواية ، من مشايخ الكليني ، شيخ أصحابنا في زمانه ، ثقة بالاتفاق.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفى 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 7 ، ص 364 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412هـ.

ج (محمد بن الحسين بن ابي الخطاب:

سومين شخص محمد بن الحسين همداني و كنيه اش ابو جعفر زيات است. او نیز از علماي جليل القدر و موثق اماميه مي باشد. نجاشي ايشان را اين گونه معرفي کرده است:

محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، أبو جعفر الزيات الهمداني - واسم أبي الخطاب زيد - جليل من أصحابنا ، عظيم القدر ، كثير الرواية ، ثقة ، عين ، حسن التصانيف ، مسكون إلي روايته.

محمد بن الحسين بن ابي الخطاب ، كنيه اش ابو جعفر زيات همداني است. و نام اي الخطاب زيد است. محمد بن الحسن از بزرگان اصحاب ما ، عظيم القدر ، داراي روايات بسيار ، مورد اعتماد ، مشهور ، بوده و داراي تأليفات قابل ستايش و رواياتي است كه به انسان آرامش مي دهد.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 334 ، تحقيق: السيد موسى الشيرى الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

شیخ در فهرست و رجالش نیز او را اهل کوفه و از اصحاب امام جواد علیه السلام دانسته و توثیق کرده است

محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب الزیات الکوفی ، ثقة ، من أصحاب اَبی جعفر الثاني علیه السلام .

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 391 ، تحقیق: جواد القیومی
الأصفهانی ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ .

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، الفهرست ، ص 215 ، تحقیق: الشيخ جواد القیومی
، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی ، الطبعة الأولى 1417

علامه حلی نیز در خلاصه الاقوال می گوید:

محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب ، واسم اَبی الخطاب زید ، ویکنی محمد بابی جعفر الزیات
الهمدانی ، جلیل من أصحابنا ، عظیم القدر ، کثیر الروایة ، ثقة عین . حسن التصانیف ، مسکون إلی
روایته ، له تصانیف ذکرناها فی کتابنا الکبیر ، من أصحاب الجواد (علیه السلام) .

الحلی الأسدی ، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال ، ص 241 ،
تحقیق: فضیلة الشيخ جواد القیومی ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ .

د (حسن بن محبوب :

حسن بن محبوب از اهل کوفه و از اصحاب امام رضا علیه السلام و شخص موثقی است . شیخ
طوسی در فهرست او را این گونه معرفی کرده است:

الحسن بن محبوب السرد ، ویقال له: الزراد ، ویکنی ابا علی ، مولی بجيلة ، کوفی ، ثقة . روی عن
أبی الحسن الرضا علیه السلام ، وروی عن ستین رجلا من أصحاب اَبی عبد الله علیه السلام ، وكان
جلیل القدر ، ویعد فی الأركان الأربعة فی عصره .

حسن بن محبوب سراد که زراد هم به او گفته می شود ، کنیه اش ابو علی ، غلام بجیلی کوفی و
موثق است که از امام رضا علیه السلام و شصت تن از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت نقل
کرده و شخص جلیل القدر بود و در زمان خودش از ارکان چهارگانه به حساب می آمد .

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، الفهرست ، ص 96 ، تحقیق: الشيخ جواد القیومی
، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی ، الطبعة الأولى 1417

شیخ طوسی در رجالش نیز در دو جا او را ثقة دانسته است:

الحسن بن محبوب السراد ، ويقال: الزراد ، مولي ، ثقة .

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 334-354 ، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ .

علامه حلي در خلاصة الاقوال مي گوید:

الحسن بن محبوب السراد ، ويقال الزراد ، يكني أبا علي ، مولي بجيلة ، كوفي ، ثقة ، عين ، روي عن الرضا (عليه السلام) وكان جليل القدر ، يعد في الأركان الأربعة في عصره .

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 97 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقه ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ .

ابو عمرو كشي از زبده ترين رجال شناس ، حسن بن محبوب را از اصحاب امام موسي كاظم و امام رضا عليهما السلام و از جمله شش نفر اصحاب اجماع مي داند و مي گوید:

تسمية الفقهاء من أصحاب أبي إبراهيم وأبي الحسن الرضا عليهما السلام

1050 - أجمع أصحابنا علي تصحيح ما يصح عن هؤلاء وتصديقهم وأقروا لهم بالفقه والعلم: وهم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله عليه السلام ، منهم يونس بن عبد الرحمن ، وصفوان بن يحيى بياح السابري ، ومحمد بن أبي عمير ، وعبد الله بن المغيرة ، والحسن بن محبوب ، وأحمد بن محمد بن أبي نصر .

نام فقهايي از اصحاب امام كاظم و امام رضا عليهما السلام. اصحاب بر تصحيح راويان و صحبت روايت آنان و تصديق آنان اجماع دارند و به علم و دانايي آنان معترف اند. آنان شش تن ديگر غير از شش نفری که از اصحاب امام صادق عليه السلام هستند مي باشند. از جمله آنان يونس بن عبد الرحمان ، صفوان بن يحيى بياح سابري ، محمد بن ابى عمير و عبد الله بن مغيره ، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابى نصر هستند .

الطوسي ، الشيخ الطائفة أبي جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفى 460هـ) ، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي ، ج 2 ، ص 830 ، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستريادي ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، تاريخ الطبع: 1404 هـ

هـ) زياد بن المنذر ابى الجارود:

نجاشي او را از اصحاب امام باقر و امام صادق عليهما السلام معرفي کرده و مي گوید او هنگامي که زيد بن علي خروج کرد به او پيوست و زيدي مذهب شد:

زياد بن المنذر أبو الجارود الهمداني الخارفي الأعمى..كوفي ، كان من أصحاب أبي جعفر ، وروي عن أبي عبد الله عليهما السلام ، و تغير لما خرج زيد رضي الله عنه .

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 170 ، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

به پیروي از نجاشي ، برخي از علمای دیگر نیز این سخن را تکرار کرده اند.

برخي دیگر علماء گفته اند او از بزرگاني است که مسائل حلال و حرام و احکام دين از او گرفته شده و با توجه به روایاتي که از او در مورد ائمه عليهم السلام نقل شده از مذهب زيدي برگشته است. این شخص در طريق روایات تفسير علي بن ابراهيم قمي واقع شده که دارای توثيق عام است و علاوه بر آن شيخ مفيد او را از بزرگاني دانسته که مصدر اخذ مسایل حلال و حرام و احکام ديني است.

مرحوم آقاي خويي همین نظر را دارند. ایشان در معجم رجال الحديث بعد از اینکه روایاتي را که در مذمت او وارده شده نقد کرده نظر خودش را این گونه بیان می کند:

فالظاهر أنه ثقة ، لا لأجل أن له أصلا ولا لرواية الاجلاء عنه لما عرفت غير مرة من أن ذلك لا يكفي لاثبات الوثاقة ، بل لشهادة الشيخ المفيد ، في الرسالة العددية بأنه من الاعلام الرؤساء المأخوذ عنهم الحلال والحرام ، والفتيا والاحكام الذين لا يطعن عليهم ولا طريق إلي ذم واحد منهم. ولشهادة علي بن إبراهيم في تفسيره بوثاقة كل من وقع في إسناده.

ظاهرا او ثقة است؛ نه به خاطر این که او دارای کتاب اصل است و نه به خاطر روایت بزرگان از او؛ زیرا بیش از یکبار شناختي که روایت بزرگان برای اثبات وثاقت کافی نیست؛ بلکه به خاطر شهادت شيخ مفيد در رساله عدديه بر این که ابو الجارود از جمله بزرگاني است که حلال و حرام و فتوا و احکام از آنها گرفته شده و این بزرگان مورد طعن نیست و هیچ راهي برای ذم هريك از آنان وجود ندارد. به خاطر شهادت علي بن ابراهيم به وثاقت او در تفسيرش (که همه راوایان در اسناد روایات تفسيرش را به وثاقت معرفي کرده) ، ثقة است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 8 ، ص 335 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

آقاي خويي (ره) در صفحه دیگر ، بعد از این که به روایت لوح جابر که از طريق ابي الجارود نقل شده و در آن روایات نامهاي دوازده امام ذکر شده ، می گوید: از این که او این روایات را نقل کرده ، باید ملتزم شد که او از مذهب زيدي برگشته است:

أقول: إذا صح سند الروایتين ولم يناقش فيها بعدم ثبوت وثاقة أحمد بن محمد بن يحيى والحسين بن أحمد بن إدريس ، لم يكن بد من الالتزام برجوع أبي الجارود ، من الزيدية إلي الحق ، وذلك فإن رواية الحسن بن محبوب المتولد قريبا من وفاة الصادق عليه السلام عنه ، لا محالة تكون بعد تغيره وبعد

اعتناقه مذهب الزيدية بكثير ، فإذا روي أن الأوصياء اثنا عشر ، آخرهم القائم ، ثلاثة منهم محمد ، وأربعة منهم علي عليهم السلام ، كان هذا رجوعاً منه إلى الحق ، والله العالم.

مي گویم: زماني که سند این دو روایت صحیح دانسته شد و در آنها به موثق نبودن احمد بن محمد بن يحيي و حسين بن احمد بن ادریس مناقشه نشد ، باید ملتزم شد که ابو الجارود از مذهب زیدي به سوي حق برگشته است؛ زیرا روایت کردن حسن بن محبوب از او (که حسن نزدیک وفات امام صادق علیه السلام متولد شده) ، لا محاله بعد از تغییر مذهب او به سوي حق و بعد از گردن گذاشتن او به مذهب زیدي به مدت زیادی ، بوده است. زماني که روایت کند که اوصیاء رسول خدا دوازده نفر اند و آخرین آنان قائم شان است ، سه تن آنان محمد ، چهارتن آنان علي است. این دلیل رجوع او به سوي حق (امامي شدن) است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفای 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 8 ، ص 336 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

حضرت آیت الله العظمي سبحاني نیز عقیده دارد با توجه به روایات او که آن ها را شیخ صدوق نقل کرده ، او به سوي مذهب حق برگشته است. ایشان بعد از این که کلام شیخ و نجاشي را در مورد او نقل کرده مي گوید:

والظاهر أن الرجل كان إمامياً ، لكنه رجع عندما خرج زيد بن علي فمال إليه وصار زيدياً. ونقل الكشي روايات في ذمه ، غير أن الظاهر من الروايات التي نقلها الصدوق ، رجوعه إلى المذهب الحق.

ظاهراً این شخص امامي بوده است؛ لکن هنگامی که زيد بن علي خروج کرد ، به سوي او تمایل پیدا کرد و زیدي شد و کشي نیز روایاتی را در مذمت او نقل کرده؛ اما طبق ظاهر روایاتی که شیخ صدوق از او نقل کرده ، او به مذهب حق برگشته است.

السبحاني ، الشيخ جعفر (معاصر) ، کلیات في علم الرجال ، ص 314 ، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة ، الطبعة الثالثة 1414

نتیجه: طبق نظر بزرگان ، ابو الجارود موثق و امامي است از این رو ، روایتش هم صحیح است در نتیجه این روایت نیز صحیح است.

طریق دوم: روایت دوم از ابو الجارود از امام باقر (ع) با سند صحیح دیگر:

روایت امام باقر علیه السلام از طریق ابو الجارود در جای دیگر ، با این سند صحیح نیز نقل شده است. شیخ صدوق در کمال الدین و عیون الاخبار آورده است:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَإِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ قَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ

الأوصياءِ قَعَدَتْ أُنثَى عَشْرَ اسْمًا آخِرُهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةُ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَأَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

جابر مي گوید: به محضر حضرت فاطمه سلام الله عليها وارد شدم در برابرش لوحی بود که نامهای اوصیاء در آن نوشته شده بود. دوازده اسم را در آن شمردم که آخرین آنان اسم قائم بود. سه اسم به نام محمد و چهار اسم آن به نام علی بود. درود خدا بر همه آنان.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 313 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ .

القمي ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 381هـ) ، عيون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 52 ، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

بررسی سند روایت:

در سند روایت: 1. حسین بن احمد بن ادریس. 2. احمد بن ادریس اشعری قمی. 3. احمد بن محمد بن عیسی. 4. ابراهیم بن هاشم. 5. حسن بن محبوب. 6. ابو الجارود زیاد بن المنذر واقع شده اند.

1) الحسين بن احمد بن ادریس:

حسین بن احمد ادریس از اساتید شیخ صدوق و از مشایخ اجازه است و بزرگانی همانند علامه حلی در خلاصه و نمازی شاهرودی در مستدرکات و برخی دیگر او را توثیق کرده و علماء نیز به روایت او عمل نموده اند.

علامه حلی در خلاصه الاقوال می نویسد:

الحسين الأشعري القمي ، أبو عبد الله ، ثقة .

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصه الأقوال في معرفة الرجال ، ص 119 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ .

وحید بهبانی در باره او می نویسد:

وقال جدي ترحم عليه عند ذكره أزيد من الف مرة فيما رأيت من كتبه انتهى وهذا يشير إلي غاية الجلالة وكثرة الرواية إلي القوة وكذا مقبولية الرواية وكذا رواية الجليل عنه إلي غير ذلك مما هو فيه مما مر في الفوائد.

در کتاب جدم (علامه مجلسی) دیدم که زیاد تر از هزار مرتبه از او یاد آوری کرده و بر او رحمت فرستاده است و این مطلب اشاره به نهایت جلالت او دارد. و نیز روایت فراوان او و روایت کردن

الوحيد البهبهاني (متوفاي 1205هـ) ، تعليقة علي منهج المقال ، ص 138 ، طبق برنامه کتابخانه اهل البيت عليهم السلام.

نمازي شاهرودي مي نويسد:

الحسين بن أحمد بن إدريس القمي الأشعري أبو عبد الله: روي عنه التلعكبري وله منه إجازة كما قاله الشيخ في باب من لم يرو عنهم. وروي الصدوق عنه كثيرا " مترحما " ومترضيا " عليه عن أبيه أحمد بن إدريس... وكلما ذكره الصدوق ترحم وترضي عليه ، بل عن المجلسي الاول ترحم عليه أزيد من ألف مرة. فيستفاد من ذلك كله جلالته ووثاقته.

حسين بن احمد بن ادريس... تلحكبري از او روايت نقل کرده و اجازة نامه روايت از او داشته است؛ چنانچه شيخ طوسي اين مطلب را در باب من لم يرو عنهم آورده است. شيخ صدوق نيز از او بسيار رويت کرده و از او با كلمات «رحمه الله» و «رضي الله» تجليل کرده است. هرزمانی که شيخ صدوق او را ياد آوري کرده بر او ترحم و ترضي نموده است. بلکه مجلسي اول زياد تر از هزار مرتبه بر او رحمت فرستاده است. پس از همه اينها جلالت و وثاقت او استفاده مي شود.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفاي 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 3 ، ص 84 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأولي 1412هـ.

ايشان در صفحه ديگر از كتابش صريحا اين راوي را توثيق کرده است:

الحسين الأشعري القمي أبو عبد الله: ثقة كما قاله العلامة في صه.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفاي 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 3 ، ص 100 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأولي 1412هـ.

سيد علي بروجردي نيز بعد از اين که سخن از روايات فراوان او و ترحم و ترضي شيخ صدوق به ميان آورده مي گويد:

فالعامل بروايته قوي.

البروجردي ، السيد علي أصغر بن العلامة السيد محمد شفيع الجابلي (متوفاي 1313هـ) ، طرائف المقال ، ج 1 ، ص 168 ، تحقيق: السيد مهدي الرجائي ، مع إشراف: السيد محمود المرعشي ، ناشر: مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي العامة ، چاپخانه: بهمن - قم ، الطبعة الأولي 1410

علامه مامقاني بعد از اين که به طور اختصار ايشان را معرفي کرده مي نويسد:

و ظاهره انه امامي و اذا انضم الي ذلك امر ذكرها في التعليقة كان من الحسان اقلًا.

و بعد سخن وحيد بهباني كه ذكر شد آورده و سپس مي گويد:

فظهر ان الرجل ان لم يكن ثقة فلا اقل من انه من الحسان.

ظاهراً او امامي است و زماني كه به اين مطلب آن چه را وحيد بهباني در تعليقه ذكر کرده ضميمه شود ، اين شخص اقلًا از جمله حسان است. و در پايان مي گويد: به دست آمد اگر اين مرد ثقة نباشد ، لا اقل از جمله حسان است.

مامقاني ، عبدالله ، تنقيح المقال في علم الرجال ، ج 1 ، ص 318 ، ناشر: المكتبة المرتضوية ، نجف اشرف 1350 هـ

ب) احمد بن ادريس:

نجاشي در باره احمد بن ادريس بن احمد اشعري مي گويد:

احمد بن ادريس بن أحمد أبو علي الأشعري القمي كان ثقة ، فقيها ، في أصحابنا ، كثير الحديث ، صحيح الرواية.

احمد بن ادريس... ثقة ، فقيه در ميان اصحاب ، داراي روايات فراوان و صحيح الروايت بود.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 92 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416 هـ.

نمازي شاهرودي نيز مي نويسد:

أحمد بن ادريس بن أحمد بن زكريا القمي أبو علي الأشعري: كان ثقة فقيها في أصحابنا ، كثير الحديث صحيح الرواية ، ... وهو من مشايخ الكليني أكثر من الرواية عنه في الكافي.

احمد بن ادريس... ثقة ، فقيه در ميان اصحاب ، داراي روايات فراوان و صحيح الروايت بود. و او از اساتيد كليني بود كه در كافي از ايشان فراوان روايت نقل کرده است.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفاي 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 1 ، ص 256 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412 هـ.

ج) احمد بن محمد بن عيسي

آقاي خويي مي فرمايد : او با احمد بن محمد بن عيسي بن عبد الله الأشعري متحد است.

أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمي: = أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري. = أحمد بن محمد بن عيسى بن عبد الله الأشعري. ثقة ، له كتب ، ذكره الشيخ في رجاله: في أصحاب الرضا عليه السلام. وعده من أصحاب الجواد ، ...

احمد بن محمد بن عيسى... ثقة است ، براي او كتابهاي است. شيخ او را در كتاب رجالش از اصحاب امام هشتم و او را از اصحاب امام جواد عليه السلام شمرده است.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفى 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 3 ، ص 85 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

شيخ طوسي ميفرمايد:

أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمي ، ثقة، له كتب.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 351 ، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

نمازي شاهرودي نیز مي گوید: او با محمد بن محمد بن عيسى بن عبد الله اشعري متحد است و در مورد او مي گوید:

أحمد بن محمد بن عيسى بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأحوص بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري القمي ، أبو جعفر: شيخ القميين ووجههم و فقيههم ، غير مدافع ثقة جليل بالاتفاق ، وهو من أصحاب الرضا والجواد والهادي (صلوات الله عليهم) ، كما قاله الشيخ في رجاله وله كتب ذكرها.

احمد بن محمد بن... كنيه اش ابو جعفر ، شيخ قميين ، بزرگ و فقهايشان است و به اتفاق همه موثق جليل مي باشد. او از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادي عليهم السلام است؛ همچنانکه شيخ در رجالش گفته و براي او كتابهاي است كه آن ها را ذكر کرده است.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفى 1405هـ) ، مستدركات علم رجال الحديث ، ج 1 ، ص 465 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412هـ.

(د) ابراهيم بن هاشم:

نجاشي مي گوید:

إبراهيم بن هاشم أبو إسحاق القمي أصله كوفي ، انتقل إلي قم... وأصحابنا يقولون: أول من نشر حديث الكوفيين بقم هو.

ابراهيم بن هاشم... اصالتاً از كوفه است كه از به سوي قم منتقل شده است. و اصحاب ما مي گویند: نخستين كسي كه روايت كوفيین را در قم منتشر كرد ، ابراهيم بن هاشم بود.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 16 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

آقاي خويي مي نويسد: من در وثاقت ابراهيم بن هاشم شك ندارم و براي اثبات اين امر ، سه دليل را اقامه مي كند:

أقول: لا ينبغي الشك في وثاقة إبراهيم بن هاشم، وبدل علي ذلك عدة أمور:

1 - أنه روي عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا ، وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات....

2 - أن السيد ابن طاووس ادعي الاتفاق علي وثاقته ، حيث قال عند ذكره رواية عن أمالي الصدوق في سندها إبراهيم بن هاشم: ورواة الحديث ثقات بالاتفاق. فلاح السائل: الفصل التاسع عشر ، الصفحة 158.

3 - أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم. والقميون قد اعتمدوا علي رواياته ، وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث ، فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم علي أخذ الرواية عنه ، وقبول قوله.

مي گویم: وثاقت ابراهيم بن هاشم سزاوار شك نیست. بر اثبات وثاقت او سه امر است:

يك: پسرش علي بن ابراهيم در تفسيرش روايات بسيار از او نقل کرده و در ابتدای تفسيرش ملتزم شده به اين كه آنچه را در اين تفسير بيان کرده منتهي به رجال موثق است.

دو: سيد بن طاووس در سند روايتي كه در آن ابراهيم بن هاشم آمده ، بروثاقت او ادعاي اتفاق کرده و گفته است: روايان حديث بالاتفاق ثقة هستند.

سه: او نخستين كسي است كه در قم روايات كوفيان را منتشر كرد و قميان به روايات او اعتماد كردند. پس اگر در او نقطه ضعف و طعني بود ، اين چنين در گرفتن روايت از او تسالم و اتفاق نمي كردند.

الموسوي الخوئي ، السيد أبو القاسم (متوفای 1411هـ) ، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة ، ج 1 ، ص 291 ، الطبعة الخامسة ، 1413هـ - 1992م

نمازي شاهرودي هم خودش ایشان را ثقة مي داند و هم نام كساني را كه ایشان را موثق مي دانند ذكر کرده است:

إبراهيم بن هاشم بن الخليل أبو إسحاق القمي... ثقة جليل وفاقا للعلامة المامقاني وجماعة من المحققين. ذكرهم منهم العلامة الطباطبائي والمحقق الداماد والأردبيلي والمجلسي ووالد الشيخ البهائي وغيرهم ، وقال ابن طاووس في فلاح السائل بعد ذكر سند فيه إبراهيم بن هاشم القمي قال: ورجال السند ثقات بالاتفاق.

إبراهيم بن هاشم... ثقة و جليل است؛ از جهت موافقت با علامه مامقاني و گروهی از محققان. از جمله آنها علامه طباطبائي ، محقق داماد ، محقق اردبيلي ، مجلسي اول و دوم ، پدر شيخ بهايي و غير آنان. ابن طاووس در فلاح السائل بعد از ذکر سندی که در آن إبراهيم بن هاشم قمي آمده ، گفته است: رجال سند به اتفاق ثقة هستند.

الشاهرودي ، الشيخ علي النمازي (متوفى 1405هـ) ، مستدرکات علم رجال الحديث ، ج 1 ، ص 222 ، ناشر: ابن المؤلف ، چاپخانه: شفق - طهران ، الأول 1412هـ.

و (الحسن بن محبوب:

ز (ابي الجارود زياد بن المنذر:

توثيق این دو تن در روایت قبل به اثبات رسید و نیازی به تکرار نیست.

نتیجه:

این روایت نیز صحیح است.

طریق سوم: ابو بصیر از امام صادق (ع) با سه سند: « هَذَا لَوْحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ... فِيهِ اسْمُ أَبِي وَاسْمُ بَعْلِي وَاسْمُ ابْنِي وَاسْمُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي »

در یکی از طرق لوح جابر بن عبد الله ، ابو بصیر اسدی قرار دارد که این روایت را از امام صادق علیه السلام به صورت مفصل نقل کرده و مرحوم کلینی این روایت را در یک جا با سه سند در کافی آورده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبِي لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ- إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَمَتِي يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلَوْ بِكَ فَاسْأَلْكَ عَنْهَا. فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ: أَيُّ الْأَوْقَاتِ أَحَبُّنَهُ فَخَلَا بِهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنِ اللُّوحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي قَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَنْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أَخْبَرْتَنِي بِهِ أُمِّي أَنَّهُ فِي ذَلِكَ اللُّوحِ مَكْتُوبٌ فَقَالَ جَابِرٌ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَيَّ أُمِّكَ قَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَيَّئْهَا يَوْلَادَةَ الْحُسَيْنِ وَرَأَيْتُ فِي يَدِهَا لَوْحًا أَخْصَرَ طَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمُرٍ وَرَأَيْتُ فِيهِ كِتَابًا أَبْيَضَ شَبَّهَ لَوْنَ الشَّمْسِ فَقُلْتُ لَهَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا هَذَا اللُّوحُ؟ فَقَالَتْ: هَذَا لَوْحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِ اسْمُ أَبِي وَاسْمُ

بَعْلِي وَاسْمُ ابْنِي وَاسْمُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَ أَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُبَشِّرَنِي بِذَلِكَ. قَالَ جَابِرٌ: فَأَعْطَيْتَنِيهِ أُمَّكَ قَاطِمَةً عَلَيْهَا السَّلَامَ فَقَرَأْتُهُ وَاسْتَنْسَخْتُهُ. فَقَالَ لَهُ أَبِي قَهْلٌ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَمَشَيْ مَعَهُ أَبِي إِلَى مَنْزَلِ جَابِرٍ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً مِنْ رَقٍّ فَقَالَ: يَا جَابِرُ أَنْظِرْ فِي كِتَابِكَ لِأَقْرَأُ أُنَا عَلَيْكَ فَتَطَرَّ جَابِرٌ فِي نُسخِهِ فَقَرَأَهُ أَبِي فَمَا خَالَفَ حَرْفٌ حَرْفًا فَقَالَ جَابِرٌ: قَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللُّوحِ مَكْتُوبًا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ *- لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَنُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَجَاهِهِ وَدَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَاشْكُرْ نِعْمَائِي وَلَا تَجِدْ آلَائِي لِئِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَمُدِيلُ الْمُظْلُومِينَ وَدِيَانُ الدِّينِ لِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا عَيْرَ فَصْلِي أَوْ خَافَ عَيْرَ عَدْلِي عَذَابًا لَا أَعْدِيهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ لِئِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا قَأَكْمِلْتُ أَيَّامَهُ وَأَنْقَضْتُ مُدَّتَهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا وَإِنِّي فَصَّلْتُكَ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ وَقَصَلْتُ وَصِيكَ عَلَيَّ الْأَوْصِيَاءِ وَأَكْرَمْتُكَ بِسِبْطِكَ وَسِبْطِيكَ حَسَنَ وَحُسَيْنَ فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدِنَ عِلْمِي - بَعْدَ أَنْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي وَأَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَخَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتَشْهَدَ وَأَرْقِعُ الشَّهَادَةَ دَرَجَةً جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ وَحُجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ يَعْزِرْتَهُ أُثِيبُ وَأُعَاقِبُ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ سَيِّدُ الْعَالَمِينَ وَرَبُّ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ وَابْنُهُ نَبِيُّهُ جَدُّهُ الْمَحْمُودُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عِلْمِي وَالْمَعْدِنُ لِحِكْمَتِي سَيِّهْلُكَ الْمُتْرَابُونَ فِي جَعْفَرِ الرَّادِّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ حَقَّ الْقَوْلِ مِنِّي لِأَكْرَمَنِّ مَنَوِي جَعْفَرِ وَلَا سُرْنَهُ فِي أَشْيَاءِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَائِهِ أُتِيحَتْ بَعْدَهُ مُوسَى وَفُتِنَتْهُ عَمِيَاءُ جَنْدِسٍ - لِأَنَّ حَبِطَ قَرْضِي لَا يَنْقَطِعُ وَحُجَّتِي لَا تَحْقِي وَأَنَّ أَوْلِيَائِي يُسْقَوْنَ بِالْكَأْسِ الْأَوْقِي مَنْ جَحَدَ وَاجِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَمَنْ عَيْرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ وَيَلُّ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَاحِدِينَ عِنْدَ أَنْقِضَاءِ مُدَّةِ مُوسَى عَبْدِي وَخِيْبِي وَخَيْرَتِي فِي عَلَيٍّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَمَنْ أَضَعُ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ الثُّبُوتِ وَأَمْتَحِنُهُ بِالْأَصْطِلَاعِ بِهَا يَقْتُلُهُ عَفْرِيْتُ مُسْتَكْبِرٌ يُدْقَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ - إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي حَقَّ الْقَوْلِ مِنِّي لِأَسْرَنَهُ بِمُحَمَّدٍ ابْنِهِ وَخَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَوَارِثِ عِلْمِهِ فَهُوَ مَعْدِنُ عِلْمِي وَمَوْضِعُ سِرِّي وَحُجَّتِي عَلَيَّ خَلْقِي لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَنَوَاهُ وَشَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ وَأُخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلَيٍّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَالشَّاهِدِ فِي خَلْقِي وَأَمِينِي عَلَيَّ وَحْيِي أَخْرَجَ مِنْهُ الدَّاعِي إِلَى سَيِّبِي وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ م ح م د رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالَ مُوسَى وَبَهَاءَ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ فَيَدُلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَتُتَهَادَى رُءُوسُهُمْ كَمَا تُتَهَادَى رُءُوسُ التُّرْكِ وَالِدَيْلِمِ فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَيَفْشُو الْوَيْلُ وَالرُّنَّةُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلَيْكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ جَنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ: قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمٍ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لَوْ لَمْ تَسْمَعْ فِي دَهْرِكَ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ لَكَفَاكَ فَصْنَهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ .

ابي بصيرمي گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم به جابر بن عبد الله انصاری گفت: چه وقت برایت راحت تر است که تنها نزد من آیی تا مطلبی را از تو بپرسم؟ جابر گفت: هر وقت که شما بخواهی؟ ، يك روزي پدرم به او فرمود: اي جابر ، به من از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه سلام الله عليها دختر رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم ديدي و از آنچه که مادرم به تو گزارش داد که در آن لوح نوشته است ، گزارش بده. جابر در پاسخ گفت: خدا را گواه مي گيرم [روزي] در زمان رسول خدا صلي الله عليه و آله جهت تبريك و تهنيت تولد امام حسين به خدمت مادرت حضرت زهرا عليها السلام رسیده بودم که در دست آن حضرت لوح سبز رنگي دیدم ، که گمان کردم از زمرد است و در آن نوشته سپيدي به مانند رنگ آفتاب بود ، عرض کردم: پدرم و مادرم قربانت ، اي دختر رسول خدا ، اين لوح چیست؟

فرمود: این لوحی است که خدا آن را به رسول خود هدیه کرده و در آن نام پدرم و نام شوهرم و نام دو پسر و نام امامان از فرزندانم می باشد و پدرم برای مزدگانی ، آن را به من داده است ، جابر می گوید: مادرت فاطمه سلام الله علیها آن را به دست من داد و آن را خواندم و از آن رو نویس کردم ، پدرم به او گفت: ای جابر ، می توانی آن را به من نشان دهی؟ گفت: آری ، پدرم با او به خانه جابر رفت و او صحیفه ای از پوست آهو (از برگ کاغذ) در آورد ، پدرم فرمود: ای جابر ، در نوشته خود نگاه کن تا من آن را بخوانم ، جابر در نسخه خود نظر داشت و پدرم آن را خواند و يك حرف ، اختلاف نداشت. جابر گفت: من خدا را گواه می گیرم که به راستی همچنین دیدم که در لوح نوشته بود:

به نام خدای بخشاینده مهربان این نامه ای است که از خداوند عزیز حکیم برای محمد صلی الله علیه وآله وسلم بنده و نور و سفیر و حجاب و دلیل حضرت او ، روح الامین آن را از نزد رب العالمین آورده است ، ای محمد ، اسماء مرا بزرگ شمار و نعمت های مرا شکرگزار و لطفهای مرا انکار مدار ، به راستی ، منم ، من که خدایم ، نیست شایسته پرستش جز من که شکننده جباران و انتقام جوی ستمکشان و جزا دهنده روز رستاخیزم ، به راستی منم خدا ، نیست شایسته پرستش جز من ، هر که جز فضل مرا امید دارد و جز از عدل من بترسد ، او را چنان کیفری دهم که هیچ کدام از جهانیان را آن گونه کیفر ندهم ، پس مرا پرستش کن و همانا بر من توکل کن ، به راستی ، من پیغمبری نفرستادم که روزگارش را به پایان رسانم و عمرش به سر آید جز آنکه برای او وصی مقرر ساخته ام ، به راستی ، من تو را بر پیغمبران ، و وصی تو را بر همه اوصیاء برتری دادم و تو را به دو شیر- بچه ات- و به دو دختر زاده ات حسن و حسین ارجمند ساختم ، حسن را پس از پدرش کان دانش نمودم و حسین را گنجبان وحی خویش ، او را به شهادت گرامی داشتم و به سرانجام سعادتش واداشتم ، پس او برترین شهیدا و بلند پایه ترین آنهاست ، من کلمه نامه خود را همراه او کردم و حجت رسای خویش را نزد او نهادم به وسیله خاندان او پاداش دهم و کیفر نهم. اول آنان: علی سید عابدان و زیور دوستان گذشته این سامان. دوم: پسرش همانند جدّ ستوده اش محمد ، شکافنده دانش و معدن حکمت ، محققاً شك کنندگان در باره او هلاک شوند.

سوم آنها جعفر: هرکس او را نپذیرد ، مرا نپذیرفته ، گفتار من حق است. هر آینه گرامی دارم جایگاه جعفر را و او را در باره پیروان و یاران ، و دوستانش شاد سازم ،

پس از وی چهارمشان: موسی است که (در زمان او) آشوبی سخت و گیج کننده فرا گیرد ، زیرا رشته وجوب اطاعت من منقطع نگردد و حجت من پنهان نشود و همانا اولیاء من با جامی سرشار سیر آب شوند. هر کس یکی از آنها را انکار کند ، نعمت مرا انکار کرده و آنکه يك آیه از کتاب مرا تغییر دهد ، بر من دروغ بسته است.

پس از گذشتن دوران بنده و دوست و برگزیده ام موسی ، وای بر دروغ بندان و منکرین علی (امام هشتم علیه السلام) و دوست و یاور من و کسی که بارهای سنگین نبوت را بدوش او گذارم و به وسیله انجام دادن آنها امتحانش کنم (گویا اشاره به پذیرفتن امر دشوار ولایت عهدیست) او را مردی پلید و گردنکش (مأمون) می کشد و در شهری که (طوس) بنده صالح (ذو القرنین) آن را ساخته است ، پهلوی بدترین مخلوقم (هارون) به خاک سپرده می شود ، فرمان و وعده من ثابت شده که:

او را به وجود پسرش و جانشین و وارث علمش محمد مسرور سازم ، او کانون علم من و محل راز من و حجت من بر خلقم می باشد ، هر بنده ئی به او ایمان آورد ، بهشت را جایگاهش سازم و شفاعت

او را نسبت به هفتاد تن از خاندانش که همگی سزاوار دوزخ باشند بپذیرم.

و سرانجام سعادت را نصیب پسر او: علی (امام نقی علیه السلام) سازم که ولی و ناصر من و گواه من بر خلق من و امین من بر وحی من است. و از او به وجود آورم ، حسن (امام عسکری علیه السلام) را ، همان که به راه و کیش من دعوت کند و گنجان دانش من باشد.

و کامل گردانم این سلسله امامت را به پسر او: م ح م د که رحمت بر جهانیان و دارای کمال موسی و بهای عیسی و صبر ایوب است ، در دوران او دوستانم خوار شوند و سر آنها را دشمنان به هم دیگر هدیه کنند چنانچه سرهای ترك و دیلم را به هم پیشکش نمایند ، آنها را بکشند و بسوزانند و در ترس باشند ، مرعوب و هراسان و زمین از خونشان رنگین گردد ، ناله و شیون در میان زنان آنها بلند شود ، آنان به راستی دوستان من باشند و به وسیله آنها دفع کنم هر فتنه پیچیده و تاری را و برای آنها بردارم زمین لرزه ها و بارهای سنگین و زنجیر گران را ، آنانند که درود و رحمت پروردگار بر آنهاست ، و تنها آنان هدایت شده گانند.

عبد الرحمن بن سالم گوید: ابو بصیر گفت: اگر در دوران عمرت جز این حدیث نشنیده باشی ، ترا کفایت کند ، پس آن را از نا اهلش پنهان دار.

الکلبینی الرازی ، أبي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ) ، الأصول من الکافی ، ج 1 ، ص 527 ، ناشر: اسلامیه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

برخی مصادر دیگر این روایت از قرار ذیل است:

القمي ، أبي الحسن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 329 هـ) ، الإمامة والتبصرة ، ص 103 ، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (ع) - قم المقدسة ، ناشر: مدرسة الإمام المهدي (ع) - قم المقدسة ، چاپ: الأولي ، سال چاپ: 1404 - 1363 ش

القمي ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای 381 هـ) ، عيون أخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 48 ، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

النعمانی ، أبي عبد الله محمد بن ابن إبراهيم بن جعفر الكاتب المعروف ب ابن أبي زينب النعماني (متوفای 360 هـ -) ، الغيبة ، ص 70 ، تحقيق: فارس حسون كريم ، ناشر: أنوار الهدی ، چاپخانه: مهر - قم ، چاپ: الأولي 1422

الشيخ المفيد ، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العکبري ، البغدادي (متوفای 413 هـ) ، الاختصاص ، ص 210 ، تحقيق: علي أكبر الغفاري ، السيد محمود الزرندی ، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1414 - 1993 م

الحر العاملي ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفای 1104 هـ) ، الجواهر السنية في الأحاديث القدسية ، ص 203 ، چاپخانه: النعمان - النجف الأشرف ، سال چاپ: 1384 - 1964

طريق چهارم: جابر جعفي از امام باقر (ع) از جابر بن عبد الله: «هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمْ ابْنُ عَمِّي وَوَاحِدَ عَشْرٍ مِنْ وُلْدِي»

شيخ صدوق در دو كتابش (كمال الدين و عيون اخبار الرضا) آورده است:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَادَوَيْهِ الْمُؤَدِّبُ وَأَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاضِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ مَالِكِ السَّلُولِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي السَّقَاتِجِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ مَوْلَاتِي قَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ وَقُدَّامَهَا لَوْحٌ يَكَادُ صَوُّهُ يَعْشِي الْأَبْصَارَ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا ثَلَاثَةٌ فِي ظَاهِرِهِ وَثَلَاثَةٌ فِي بَاطِنِهِ وَثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٌ فِي آخِرِهِ وَثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٌ فِي طَرَفِهِ فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا فَقُلْتُ أَسْمَاءٌ مِنْ هَؤُلَاءِ قَالَتْ: هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمْ ابْنُ عَمِّي وَوَاحِدَ عَشْرٍ مِنْ وُلْدِي آخِرُهُمُ الْقَائِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ جَابِرٌ: فَرَأَيْتُ فِيهَا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ وَعَلِيًّا وَعَلِيًّا وَعَلِيًّا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ .

به نقل جابر جعفي از امام باقر عليه السلام ، جابر بن عبد الله انصاري مي گويد: به محضر بانوي خود فاطمه زهرا عليها السلام وارد شدم در برابرش لوحى بود كه پرتوش چشم را خيره مي كرد در آن لوح نام دوازده امام بود ، سه نام در روي آن و سه نام ديگر در پشت آن ، سه نام در آخر آن و سه نام در حاشيه آن بود ، من آنها را شمردم دوازده نام بودند ، گفتم اينها نامهاي چه كساني هستند؟ فرمود: اين نام اوصياء است نخستين آنان عمو زاده ام و يازده تن ديگر آنها فرزندانم مي باشند كه آخرين شان قائم است. جابر مي گويد در سه جاي لوح ، محمد محمد محمد و در چهار جا ، علي و علي و علي در چهار ديدم.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى 381هـ) ، كمال الدين و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 312 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

القمي ، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى 381هـ) ، عيون اخبار الرضا (ع) ج 2 ، ص 51 ، تحقيق: تصحيح و تعليق و تقديم: الشيخ حسين الأعلمي ، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان ، سال چاپ: 1404 - 1984 م

طريق چهارم: اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) : «وَجَدْنَا صَحِيفَةً بِأَمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَطَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

وَحَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمَزَةَ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ دُرُسْتِ السَّرُورِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْكُوفِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

يَا إِسْحَاقُ أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ: وَجَدْنَا صَحِيفَةً يَامَلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَطَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ وَذَكَرَ حَدِيثَ اللُّوحِ كَمَا ذَكَرْتُهُ فِي هَذَا الْكِتَابِ مِثْلَهُ سِوَاءَ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فِي آخِرِهِ ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِسْحَاقُ هَذَا دِينَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ فَصْنُهُ عَنِ غَيْرِ أَهْلِهِ يَصْنَعُ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِالْكَرَامَةِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ دَانَ يَهَذَا أَمِنْ عِقَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

اسحق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحق آیا به تو مژده ندهم؟ گفتیم: چرا فدایت گردم ای پسر رسول خدا. فرمود: در صحیفه ای که به املاء رسول خدا و خط امیرمؤمنان علیه السلام بود این چنین آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ رَوَيْتُ لَوْحَ رَا مَطَابِقَ آن چه گذشت ذکر کرد. جز آن که در آخرش فرمود: ای اسحق! این دین فرشتگان و رسولان است، آن را از نا اهلان نگهدار، خدایت نگهدارد و خاطرت را جمع دارد. سپس فرمود: هر کس بدین عقیده باشد، از عتاب خدای عز و جل در امان است.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381 هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 312، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة الثانية، 1395 هـ.

القمي، محمد بن علی بن الحسین بن بابويه (متوفای 381 هـ)، عیون أخبار الرضا (ع) ج 2، ص 50، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: 1404 - 1984 م

2. روایت صحیحہ داود بن قاسم جعفری از امام جواد (ع) : شہادت حضرت خضر به نام های شریف دوازده امام در محضر امیرمؤمنان (ع) .

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی در روایت صحیح که از دواود بن قاسم جعفری از امام جواد علیه السلام نقل شده آورده است که حضرت خضر پیامبر در محضر امیرمؤمنان علیه السلام به اسامی دوازده امام علیهم السلام شہادت داده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مُتَّكِيٌّ عَلَيَّ يَدِ سَلْمَانَ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَجَلَسَ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ حَسَنُ الْهَيْئَةِ وَاللِّبَاسِ فَسَلَّمَ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ فَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ إِنْ أُخْبِرْتَنِي بِهِنَّ عَلِمْتُ أَنَّ الْقَوْمَ رَكِبُوا مِنْ أَمْرِكَ مَا فَضِيَّ عَلَيْهِمْ وَأَنْ لَيْسُوا بِمَأْمُونِينَ فِي دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ وَإِنْ تَكُنَ الْأُخْرَى عَلِمْتُ أَنَّكَ وَهُمْ شَرَعٌ سِوَاءَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَلْنِي عَمَّا بَدَا لَكَ. قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ إِذَا تَمَّ أَهْلُ رُوحِهِ وَعَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَذْكَرُ وَيَنْسِي وَعَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَشْبِيهِ وَلَدُهُ الْأَعْمَامَ وَالْأَخْوَالَ. قَالَتْ فَتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَجِبْهُ قَالَ: فَاجَابَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِدَلِّكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ

و گواهی می‌دهم که: حسین بن علی (علیه السلام) وصی برادر خود و قائم به حجت او است بعد از او. و گواهی می‌دهم که علی بن الحسین (ع) قائم به امامت حسین (ع) است پس از او.

و شهادت می‌دهم بر این که محمد بن علی (ع) قائم به کار امامت علی بن الحسین (ع) است.

و گواهی می‌دهم بر این که جعفر بن محمد (ع) قائم به کار امامت محمد (ع) است.

و گواهی می‌دهم بر این که موسی (ع) قائم به کار امامت جعفر بن محمد (ع) است.

و گواهی می‌دهم بر این که علی بن موسی (ع) که او است قائم به کار امامت موسی بن جعفر (ع) .

و گواهی می‌دهم بر این که محمد بن علی (ع) قائم به امامت علی بن موسی (ع) است.

و گواهی می‌دهم بر این که حسن بن علی (ع) قائم به کار امامت علی بن محمد (ع) است.

و گواهی می‌دهم بر این که حسن بن علی (ع) قائم به کار امامت علی بن محمد (ع) است.

و شهادت می‌دهم به مردی که فرزند حسن است و به کنیه و نام تعبیر نشود تا امر امامت پدید گردد و زمین را از عدالت پر کند همانگونه که از ستم و خلاف پر شده باشد. درود بر تو ای امیر المؤمنین و رحمت و برکات خدا ، سپس برخاست و رفت ، امیر المؤمنین فرمود: ای ابا محمد دنبالش برو بین کجا می‌رود ، حسن بن علی (علیه السلام) بیرون شد و آن حضرت فرمود: وقتی پای خود را از مسجد بیرون نهاد من ندانستم به کجای زمین خدا رفت و برگشتم نزد امیر المؤمنین و به او آگاهی دادم ، فرمود: ای ابا محمد ، او را می‌شناسی؟ گفتم: خدا و رسولش و امیر المؤمنین دانانترند ، فرمود: او خضر (علیه السلام) بود.

الکلینی الرازی ، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ) ، الأصول من الکافی ، ج 1 ، ص 526 ، ناشر: اسلامیة ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 هـ.ش.

بررسی سند روایت:

این روایت صحیح است و از نظر سند همه رجالش امامی و ثقه هستند.

(ا) عدة من اصحابنا:

در مقدمه کتاب شریف کافی ، مصداق «عدة من اصحابنا» را که از احمد بن خالد برقی روایت کرده ، مشخص کرده اند که افراد ذیل می‌باشند:

وکل ما کان فيه: عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي فهم: 1. أبو الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي. 2. محمد بن عبد الله بن أذينة. 3. أحمد بن عبد الله بن أمية. 4. علي بن

در کتاب کافي ، مراد از «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد» ، ابو الحسن علي بن ابراهيم قمي... هستند

الكليني الرازي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ) ، الأصول من الكافي ، ج 1 ، ص 48 ، ناشر: اسلاميه ، تهران ، الطبعة الثانية ، 1362 ه.ش.

محمد صالح مازندراني يکي از شارحان اين کتاب شريف مي گويد:

والعدة علي هذا في جميع الموارد مشتملة علي العدول والثقات.

افرادي که در مصداق عده واقع شده اند ، عادل و ثقه هستند.

المازندراني ، مولي محمد صالح (متوفاي 1081هـ) ، شرح أصول الكافي ، ج 1 ، ص 65 ، تحقيق: مع تعليقات: الميرزا أبو الحسن الشعرائي / ضبط وتصحيح: السيد علي عاشور ، ناشر: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان ، چاپ: الأولي 1421 - 2000 م

ب) احمد بن محمد بن خالد برقي:

نجاشي از رجاليون سرشناس ، احمد بن محمد بن خالد را موثق معرفي کرده است:

أحمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علي البرقي أبو جعفر أصله كوفي - وكان جده محمد بن علي حبسه يوسف بن عمر بعد قتل زيد عليه السلام ، ثم قتله ، وكان خالد صغير السن ، فهرب مع أبيه عبد الرحمن إلي برق رود - وكان ثقة في نفسه، يروي عن الضعفاء واعتمد المراسيل.

احمد بن محمد بن خالد... كنيه اش ابو جعفر ، اهل كوفه (يوسف بن عمر ، بعد از كشتن زيد ، محمد بن علي (جد احمد) را زنداني كرد سپس او را كشت و خالد سنش كم بود و با پدرش عبد الرحمان به سوي برق رود گريخت) ، و به شخصه ثقه بود.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 76 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416 هـ.

شيخ طوسي در فهرست نیز همین عبارات را آورده است

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460هـ) ، الفهرست ، ص 62 ، تحقيق: الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة ، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي ، الطبعة الأولي 1417

علامه حلي در خلاصة الاقوال نیز او را ثقه مي داند و مي گويد:

أحمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمان بن محمد بن علي البرقي ، منسوب إلي برقة قم ، أبو جعفر ، كوفي ، ثقة.

الحلي الأسدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 63 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

ابن داود حلي در رجالش بعد از نقل قول ابن غضائري و شيخ طوسي مي گويد:

ويقوي (عندي) ثقته مشي أحمد بن محمد بن عيسي في جنازته حافيا حاسرا تنصلا مما قذفه به.

موثق بودن او در نزد من تقويت مي شود ، زيرا احمد بن محمد بن عيسي اشعري در تشييع جنازه او پا برهنه ، سر برهنه بيرون آمد در حالي كه او را از تمام آنچه به او نسبت داده بود ، تبرئه كرد.

الحلي ، تقي الدين الحسن بن علي بن داود (متوفى 740هـ) ، رجال ابن داود ، ص 43 ، تحقيق: تحقيق وتقديم: السيد محمد صادق آل بحر العلوم ، ناشر: منشورات مطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ، 1392 - 1972 م

سيد مهدي بحر العلوم مي فرمايد:

والحق - وفاقا لأكثر الأصحاب ، خصوصا المتأخرين-توثيق احمد ابن محمد بن خالد.

از جهت توافق با بسياري از اصحاب به ويژه متأخران ، حق اين است كه احمد بن محمد بن خالد ، موثق است.

الطباطبائي ، السيد مهدي بحر العلوم (متوفى 1212هـ) ، الفوائد الرجالية ، ج 1 ، ص 344 ، تحقيق وتعليق: محمد صادق بحر العلوم ، حسين بحر العلوم ناشر: مكتبة الصادق - طهران ، چاپخانه: آفتاب ، چاپ: الأولى 1363 ش

ج (داود بن القاسم الجعفري:

داود بن القاسم را نيز علماي رجال موثق معرفي کرده اند. نجاشي در باره او مي گويد:

داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب ، أبو هاشم الجعفري رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام ، شريف القدر ، ثقة.

داود بن قاسم بن اسحاق بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب كنيه اش ابو هاشم جعفري ، در نزد ائمه عليهم السلام داراي منزلت بسياري است. او شريف القدر و موثق است.

النجاشي الأسدي الكوفي ، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى 450هـ) ، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي ، ص 156 ، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الخامسة ، 1416هـ.

داود بن القاسم الجعفري ، یکنی ابا هاشم ، من ولد جعفر بن ابي طالب عليه السلام ، ثقة جليل القدر.

الطوسي ، الشيخ ابو جعفر ، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ) ، رجال الطوسي ، ص 375 و 386 و 399 ، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم ، الطبعة: الأولى ، 1415هـ.

علامه در خلاصه مي گوید:

داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب ، یکنی ابا هاشم الجعفري رحمه الله ، من أهل بغداد ، ثقة جليل القدر ، عظيم المنزلة عند الأئمة (عليهم السلام) ، شاهد ابا جعفر و ابا الحسن و ابا محمد (عليهم السلام) ، وكان شريفا عندهم ، له موقع و جليل عندهم ، روي أبوه عن الصادق (عليه السلام) .

داود بن قاسم... از اهل بغداد ، مورد اعتماد و موثق و جليل القدر ، داراي جایگاه بزرگ در نزد ائمه عليهم السلام است. او امام جواد و امام علي النقي و امام حسن عسکري را دیده و در نزد آن بزرگواران گرامی و داراي جایگاه بود و پدرش از امام صادق عليه السلام روایت کرده است.

الحلي الأسيدي ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال ، ص 142 ، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي ، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة ، الطبعة: الأولى ، 1417هـ.

3. روایت معراج «نشان داده شدن نور و اسامي امامان معصوم به پیامبر

(ص) «

یکی از مطالب مسلم و مورد اتفاق میان مسلمین معراج رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم است. طبق روایات ، هنگامی که حضرت به معراج رفت ، نور و اسامي امامان معصوم و جانشینان بعد از آن حضرت برای پیامبر نشان داده شد. رسول خدا صلي الله عليه وآله این مشاهداتش را برای امت اسلام در موارد متعدد گزارش داد.

طریق این روایت:

خزاز قمي این روایت را از طرق: انس بن مالك ، ابي امامة (اسعد بن زراره) ، ابو ايوب انصاري ، حذيفة بن يمان ، ام سلمه ، از رسول خدا صلي الله عليه وآله و از طریق عبد القيس و علقمة بن قيس از امیرمؤمنان عليه السلام ، و از طریق غالب جهني و جابر بن يزيد جعفي از امام باقر عليه السلام نقل کرده است.

این روایت در منابع دیگر (مقتل الحسین خوارزمی ، ج 1 ، ص 146 ، ح 23 ، و ینابیع المودة قندوزی حنفي ، ج 3 ، ص 380) از طرق ابي سلمی شتریان رسول خدا نیز نقل شده است.

در این جا به سه طریق این روایت اشاره می کنیم:

الف: روایت معراج به نقل امیرمؤمنان (ع) :

در یکی از جاهایی که امیرمؤمنان علیه السلام این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده ، مسجد کوفه می باشد که از طریق علقمة بن قیس نقل شده است.

خزاز قمی می نویسد:

حدثني عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَنْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْكُوفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ شَرِيكِ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيٌّ مِنْبَرِ الْكُوفَةِ خُطْبَةَ الْوَلُؤَةِ....

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ عَامِرٌ بْنُ كَثِيرٍ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَقَدْ أَخْبَرْتَنَا عَنْ أُنْمَةِ الْكُفْرِ وَخُلَفَاءِ الْبَاطِلِ فَأَخْبَرْنَا عَنْ أُنْمَةِ الْحَقِّ وَالسَّيِّئَةِ الصِّدْقِ بَعْدَكَ قَالَ: نَعَمْ إِنَّهُ لَعَهْدٌ عَاهَدَهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ هَذَا الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَلَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَبَدْتُهُ بِيَعْلِيٍّ وَنَصَرْتُهُ بِيَعْلِيٍّ وَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فَقُلْتُ: يَا رَبِّ أَنْوَارٌ مِنْ هَذِهِ فَنُودِيَتْ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ أَنْوَارُ الْأُنْمَةِ مِنْ دُرِّيْنِكَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ فَلَ تُسَمِّيهِمْ لِي؟ قَالَ: نَعَمْ أَنْتَ الْإِمَامُ وَالْحَلِيقَةُ بَعْدِي تَقْضِي دِينِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي وَبَعْدَكَ ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَبَعْدَ الْحُسَيْنِ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبَعْدَ عَلِيِّ ابْنِهِ مُحَمَّدٌ يُدْعَى بِالْبَاقِرِ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ جَعْفَرٌ يُدْعَى بِالصَّادِقِ وَبَعْدَ جَعْفَرٍ ابْنُهُ مُوسَى يُدْعَى بِالْكَاطِمِ وَبَعْدَ مُوسَى ابْنُهُ عَلِيُّ يُدْعَى بِالرِّضَا وَبَعْدَ عَلِيِّ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يُدْعَى بِالزَّكِيِّ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ يُدْعَى بِالنَّقِيِّ وَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ يُدْعَى بِالْأَمِينِ وَالْقَائِمُ مِنْ وَوَلِدِ الْحُسَيْنِ سَمِيِّ وَأَنْشَبَهُ النَّاسُ بِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا...

علقمة بن قیس می گوید: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما بر منبر کوفه خطبه (ای معروف به) لؤلؤة را خواند...

مردی به نام عامر بن کثیر برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از پیشوایان کفر و خلفاء باطل آگاه ساختی؛ اکنون از پیشوایان حق و زبان های راستگو بعد از خودت ما را آگاه کن ، فرمود: آری آن عهدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش کرده که امر خلافت را دوازده نفر امام که نه نفرشان از صلب حسین علیه السلام هستند ، مالک شوند. و به همانا رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند به ساق عرش نظر کردم در آن نوشته بود «لا إله إلا الله محمد رسول الله» خدایی جز خدای یگانه نیست ، محمد رسول خدا است و او را به وسیله علی مدد کرده و به او یاریش دادم و دوازده نور دیدم ، عرض کردم: پروردگارا این انوار از آن کیست؟ به من ندا شد: ای محمد اینها نور امامان از فرزندان تو است. عرض کردم: ای رسول خدا

آیا نامشان را برای من بیان نمی فرمایید؟ فرمود: چرا! تو پس از من امام و خلیفه هستی ، دین مرا ادا کنی و به وعده های من وفا کنی و پس از تو دو فرزندم حسن و حسین ، و بعد از حسین فرزندش علی بن الحسین زین العابدین ، و پس از علی فرزندش محمد است که به باقر خوانده شود ، و بعد از او فرزندش جعفر است که به صادق خوانده شود ، و پس از او فرزندش موسی است که به کاظم خوانده شود ،

و پس از موسی ، فرزندش علی است که به رضا خوانده شود ، و بعد از علی فرزندش محمد است که به زکی خوانده شود ، و پس از محمد فرزندش علی است که به نقی خوانده شود ، و بعد از علی فرزندش حسن است که به امین خوانده شود ، و قائم که از فرزندان حسین است ، همانم و شبیه ترین مردمان به من است ، و زمین را از عدل و داد پر کند هم چنان که از ستم و بیدادگری پر شده است....

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 218 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

ب: روایت معراج به نقل مفضل از امام صادق (ع) :

روایت معراج که بازگو کننده اسامی امامان علیهم السلام می باشد ، از زبان امام صادق علیه السلام این گونه نقل شده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَائِدَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُوحِيَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَطْلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَشَقَقْتُ لَكَ مِنْ اسْمِي اسْمًا فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا وَجَعَلْتُهُ وَصِيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَزَوْجَ ابْنَتِكَ وَأَبَا ذُرِّيَّتِكَ وَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ وَخَلَقْتُ قَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ نُورِكَمَا تُمَّ عَرَضْتُ وَلَايَتَهُمْ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةُ فَمَنْ قِيلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالسَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِهِمْ فَمَا أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَطَّلَعْتُهُ تَحْتَ عَرُشِي يَا مُحَمَّدُ تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ارْقَعْ رَأْسَكَ فَرَقَعْتُ رَأْسِي وَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَقَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ وَمِنْ حَمْدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.

قُلْتُ: يَا رَبِّ وَمَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَنْمَةُ وَهَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي وَبِهِ أُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَهُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَهُوَ الَّذِي يَسْفِي قُلُوبَ شَيْعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَالْجَاحِدِينَ وَالْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى طَرِبِينَ فَيُحْرِقُهُمَا فَلَئِنَّ النَّاسَ يَوْمَئِذٍ يَهْمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعَجَلِ وَالسَّامِرِيِّ .

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هنگامی که مرا

به آسمان سیر دادند ، پروردگرم جل جلاله به من وحی کرد و فرمود: ای محمد! به راستی من یک نظری به زمین کردم و تو را از آن برگزیدم و پیامبر قرار دادم. و از نام خودم برای تو نامی باز گرفتم من محمودم و تو محمدی. سپس دوباره نظری افکندم و علی را در آن انتخاب کردم و او را وصی و خلیفه تو و شوهر دخترت و پدر نژاد تو نمودم و برای او نیز نامی از نامهای خود برگرفتم ، من علی اعلایم و او علی است و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما آفریدم. سپس ولایت آنها را به فرشتگان عرضه داشتم ، هر کس پذیرفت نزد من از مقربین شد. ای محمد اگر بنده ای مرا عبادت کند تا بریده شود و مانند مشک پوسیده گردد اما منکر ولایت آنان نزد من آید ، من او را در بهشتم جا ندهم و زیر عرشم سایه نبخشم. ای محمد دوست داری آنها را ببینی؟ عرض کردم آری پروردگارا خدای عز و جل فرمود: سر بلند کن ، سر بلند کردم و ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن قائم را دیدم و قائم در وسط آنها مانند ستاره درخشان بود ، عرض کردم پروردگار اینها کیانند؟ فرمود امامان و این قائم است ، آن که حلال مرا حلال کند و حرام مرا حرام کند و به وسیله او از دشمنانم انتقام گیرم و او مایه راحتی دوستان من است و او است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می دهد. و لات و عزی را تر و تازه بیرون می آورد و آنها را می سوزاند و مردم در آن روز به آنها فریفته شوند و در آزمایش قرار گیرند سخت تر از فتنه گوساله و سامری .

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 252 ، ناشر: اسلامیة - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

ج: روایت معراج به نقل ام سلمه از رسول خدا (ص) :

ام سلمه یکی از زنان شایسته و عظیم القدر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این روایت را از آن حضرت به صورت مختصر این گونه نقل کرده است.

خزاز قمی می نویسد:

أخبرنا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ جَدِّهِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي تَابِتٍ مَوْلِي أَبِي دَرٍّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَيَّ الْعَرْشَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدْتُهُ يَعْلِيٌّ وَنَصَرْتُهُ يَعْلِيٌّ وَرَأَيْتُ أَنْوَارَ عَلِيِّ وَقَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَنْوَارَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَرَأَيْتُ نُورَ الْحُجَّةِ يَتَلَأَلُ مِنْ بَيْنِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَذَا وَمَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَذَا نُورُ عَلِيٍّ وَقَاطِمَةَ وَهَذَا نُورُ سِبْطَيْكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَهَذِهِ أَنْوَارُ الْأُمَّةِ بَعْدَكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَهَذَا الْحُجَّةُ الَّذِي يَمَلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا.

ام سلمه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند نگاه کردم بر عرش نوشته بود: «لا اله الا الله ، محمد رسول الله» (خدایی جز خدای یگانه نیست ، و محمد

فرستاده اوست؟) به وسیله علی او را تأیید و یاری کردم ، سپس نورهای علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی را دیدم ، و نور حجت را در میان آنها دیدم که مانند ستاره درخشان ، نورانی بود. عرض کردم:

پروردگارا این کیست و آنها کیانند؟ به من ندا شد: ای محمد! این نور علی ، فاطمه و دو نوه تو حسن و حسین و امامان پس از تو از اولاد حسین علیه السّلام است که همگی پاکیزه و معصومند ، و این (آخرین) نور ، حجت (من) است که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از بیدادگری و ستم پر شده باشد.

الغزازی القمی الرازی ، أبی القاسم علی بن محمد بن علی (متوفای 400هـ) ، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر ، ص 186 ، تحقیق: السید عبد اللطیف الحسینی الکوه کمری الخوئی ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

سید هاشم بحرانی در کتاب «غایة المرام» ، بعد از نقل این روایت از طریق سلیمان شتریان رسول خدا می گوید:

قلت: وروی هذا الحديث جماعة من الخاصة والعامة ، رواه الشيخ الطوسي في الغيبة وأبو الحسن محمد بن أحمد بن الحسن بن شاذان في المناقب المائة من طريق العامة ورواه صاحب المقتضب وصاحب الكنز الخفي والحموي من العامة.

می گویم: این روایت را گروهی از خاصه و عامه روایت کرده اند. شیخ طوسی در کتاب الغیبة و ابو الحسن محمد بن احمد بن الحسن بن شاذان در کتاب «المناقب المائة» از طریق عامه و صاحب «المقتضب» و «الکنز الخفی» و حموی از عامه روایت کرده اند.

البحرانی ، السید هاشم البحرانی الموسوی التولبی (متوفای 1107هـ) ، غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام ، ج 2 ، ص 257 ، تحقیق: العلامة السید علی عاشور. طبق برنامه مکتبه اهل البیت.

4. خبر دادن رسول خدا از نامه‌های امامان به امیر مؤمنان ، بعد از نزول

آیه «تطهیر»:

خزازی قمی در «کفایة الاثر» از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده که بعد از نزول آیه تطهیر رسول خدا فرمود: این آیه در باره تو و دو نوه ام و پیشوایان از این فرزندان نازل شده است و حضرت نامه‌های هر یکی از امامان را بیان کرد:

حدثنا علي بن الحسين بن محمد ، قال: حدثنا هارون ابن موسي التلعكبري ، قال: حدثنا عيسى بن موسى الهاشمي بسر من رأي قال: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ وَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عليه وآله: يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَفِي سِبْطِي وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَمْ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ قَالَ: أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَبَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ ابْنُهُ وَبَعْدَ جَعْفَرٍ مُوسَى ابْنُهُ وَبَعْدَ مُوسَى عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ هَكَذَا وَجَدْتُ أَسَامِيَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَيَّ سَاقِ الْعَرْشِ فَسَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ هُمْ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَأَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ.

به نقل امام حسين عليه السلام ، علي عليه السلام فرمود: به محضر رسول خدا در خانه ام سلمه رفتم در حالی که آیه تطهیر نازل شده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! این آیه در باره تو و دو نوه من و امامان از فرزندان نازل شده است ، عرض کردم: ای رسول خدا امامان بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: تو ای علی سپس پسرانت حسن و حسین ، و بعد از حسین فرزندش علی ، و پس از علی فرزندش محمد ، و پس از محمد فرزندش جعفر ، و بعد از جعفر فرزندش موسی ، و پس از موسی فرزندش علی ، و پس از علی فرزندش محمد ، و پس از محمد فرزندش علی ، و بعد از علی فرزندش حسن ، و حجت فرزند حسن ، این چنین نامهای ایشان را بر ساق عرش نوشته دیدم؛ پس از خدای تعالی از آنها پرسیدم؟ فرمود: ای محمد ایشان امامان بعد از تو هستند که پاکیزه و معصومند ، و دشمنانشان ملعون (و از رحمت من دورند)

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 156 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

المجلسي ، محمد باقر (متوفای 1111هـ) ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، ج 36 ، ص 336 ، تحقيق: محمد الباقر البهبودي ، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان ، الطبعة: الثانية المصححة ، 1403هـ - 1983م.

5. روایت سهل بن سعد انصاري از فاطمه زهرا (س)

در منابع روایی ، روایت دیگری از طریق سهل بن سعد انصاري نقل شده که حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام تعداد و نامهای امامان را برشمرد:

سهیل بن سعید محمد بن علی رضی الله عنه قال: حدَّثنا الحسين بن عليّ رحمه الله قال: حدَّثنا هارون بن موسي قال: حدَّثنا محمد بن إسماعيل الفزاري قال: حدَّثنا عبد الله بن صالح كاتب الليث قال: حدَّثنا رشيد بن سعد قال: حدَّثنا أبو يوسف الحسين بن يوسف الأنصاري من بني خزرج عن سهل بن سعد الأنصاري قال: سألت فاطمة بنت رسول الله صلي الله عليه وآله عن الأئمة فقالت: كان رسول الله صلي الله عليه وآله يقول لعليّ: يا عليّ أنت الإمام والخليفة بعدي ، و أنت أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضيت فابنك الحسن أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى الحسن فالحسين أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى الحسين فابنه عليّ بن الحسين أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى عليّ فابنه محمد أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى محمد فابنه جعفر أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى جعفر فابنه موسي أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى موسي فابنه عليّ أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى عليّ فابنه محمد أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى محمد فابنه عليّ أولي بالمؤمنين من أنفسهم ، فإذا مضى عليّ فابنه الحسن أولي بالمؤمنين من

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام می فرمود: تو وارث علم ، و معدن حکم من ؛ و امام بعد از من هستی ، زمانی که تو به شهادت رسیدی فرزندان حسن ، امام است ، و چون او به شهادت رسید فرزندان علی است ، و نه نفر از صلب حسین (بر مردم) می باشد ، و چون حسین به شهادت رسید فرزندان علی است ، و نه نفر از صلب حسین امامان پاکیزه اند. عرض کردم: ای رسول خدا نامشان چیست؟ فرمود: علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و مهدی از صلب حسین که زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از ظلم و ستم پر شده باشد.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 167 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمری الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

ب: نام بردن رسول خدا از اسامی امامان به امام حسن مجتبی (ع)

در روایت دیگری ، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خود امام حسن علیه السلام از نامهای امامان اهل بیت خبر داده است:

حدثني علي بن الحسين بن محمد ، قال: حدثنا عتبة بن عبد الله الحمصي بمكة قراءة عليه سنة ثمانين وثلاثمائة [قال حدثنا موسى القططاني ، قال: حدثنا أحمد بن يوسف] قال حدثنا حسين بن زيد بن علي ، قال حدثنا عبد الله بن حسين بن حسن ، عن أبيه ، عن الحسن بن علي عليه السلام قال: حَظَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهَ وَأَتَيْتِي عَلَيْهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُدْعَى فَأَجِيبُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعَيْتِرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْهُمْ وَلَوْ خَلْت إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ وَأَنْتَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَي خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَعْمُورٍ لِكَيْلَا يَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَلَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ أَوْلِيكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا الْأَعْظَمُونَ قَدْرًا عِنْدَ اللَّهِ فَلَمَّا نَزَلَ عَنْ مَبْرِهِ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ قَالَ: يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَأَنَا الْمُنْذِرُ وَعَلَيُّ الْهَادِي قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَوْلُكَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ عَلَيُّ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي وَأَنْتَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ وَالْحُسَيْنُ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَكَ وَلَقَدْ تَبَّأْتِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَلِدٌ يُقَالُ لَهُ عَلَيُّ سَمِيَّ جَدِّهِ عَلَيُّ فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ قَامَ بِالْأَمْرِ بَعْدَهُ عَلَيُّ ابْنُهُ وَهُوَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ وَيُخْرَجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ عَلَيُّ وَكَذَا سَمِيَّ وَأَشْبَهُ النَّاسِ بِي عِلْمُهُ وَعِلْمِي وَحُكْمُهُ حُكْمِي وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ جَعْفَرُ أَصْدَقُ النَّاسِ قَوْلًا وَفِعْلًا وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ جَعْفَرٍ مَوْلُودًا سَمِيَّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَشَدُّ النَّاسِ تَعَبُّدًا فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُوسَى وَكَذَا يُقَالُ عَلَيُّ مَعْدِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَمَوْضِعُ حُكْمِهِ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلَيُّ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ عَلَيُّ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلَيُّ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ عَلَيُّ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلَيُّ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ وَيُخْرَجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ الْحُجَّةُ الْقَائِمَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَمُنْقِدَ أَوْلِيَائِهِ يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى يَرْجِعُ عَنْ أَمْرِهِ قَوْمٌ وَيَبْتُ عَلَيْهِ آخَرُونَ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمًا قِيمَلُوهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَلَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْكُمْ أَعْظَاكُمْ اللَّهُ عِلْمِي

وَقَهْمِي وَلَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ الْعِلْمَ وَالْفِقْهَ فِي عَقِي وَعَقِبِ عَقِي وَمِنْ زَرْعِي وَزَرَعُ زَرْعِي.

حسن بن حسن از پدر بزرگوارش روایت کرده است که حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خطبه خواند ، و بعد از حمد و ثنای پروردگار متعال فرمود: ای گروه مردم! من به سوی خدا خوانده شده ام و دعوت حق را اجابت کنم ، و من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم: کتاب خدا ، و عترتم اهل بیتم ، همانا اگر به این دو چنگ بنزید هرگز گمراه نشوید ، از ایشان (علوم را) فرا گیرید ، و به ایشان تعلیم نکنید؛ زیرا آنها از شما داناتراند ، زمین از ایشان خالی نماند؛ و اگر خالی بماند اهلش را فرو برد ، سپس فرمود: بار خدایا من می دانم که علم نابود نشود ، و منقطع نگردد ، و تو زمین را از حجتی بر خلق خالی نگذاری ، خواه آشکار باشد و فرمانش نبرند ، یا بيمناک و پنهان ، تا حجتهايت باطل نشود ، و اولیاء خود را پس از آن که هدایتشان فرموده ای گمراه نکنی اینهايند مردمان کم عدد ، و بلند قدر و منزلت نزد خداوند (این کلمات را فرمود و از منبر به زیر آمد) چون فرود آمد به او عرض کردم: ای رسول خدا آیا شما بر همه خلق حجت نیستید؟ فرمود: ای حسن خدا فرماید:

«تو بیم دهنده ای و برای هر گروهی راهنمایی است سوره رعد آیه 8» و من بیم دهنده ام و علی راهنما است؛ عرض کردم: فرمایشت (که فرمودی) زمین خالی از حجت نخواهد ماند (پس از شما حجت کیست) ؟ فرمود: بلی علی امام و حجت بعد از من است؛ و تو پس از او امام و حجت هستی؛ و حسین امام و حجت و خلیفه ات پس از تو است ، و خدای مهربان و خیر به من خبر داد که از صلب حسین فرزندی بیرون آید که به او علی گویند ، و هم نام جدش علی است ، پس چون حسین درگذشت علی بعد از او (به امر امامت) قیام کند ، و او است امام و حجت ،

و خداوند از صلب علی فرزندی بیرون آورد که همانم و شبیه ترین مردمان به من می باشد؛ دانش او دانش من ، و حکم او حکم من است. و حجت و امام بعد از پدرش اوست ، و خدای تعالی از صلب محمد مولودی بیرون آورد که به او جعفر گویند ، و او راستگوترین مردمان در گفتار و کردار است ، و او حجت و امام بعد از پدرش می باشد ، و از صلب جعفر فرزندی خارج کند که نامش موسی ، همانم موسی بن عمران ، و علاقه مندترین مردمان در عبادت است. پس او ، بعد از پدرش امام و حجت است ، و از صلب موسی فرزندی بیرون آرد که نامش علی است. معدن علم خدا و محل حکمت او است ، پس او ، امام و حجت بعد از پدرش می باشد ، و از صلب علی فرزندی بیرون آورد که او را محمد نامند ، و او امام و حجت بعد از پدرش می باشد ، و از صلب محمد فرزندی بیرون آورد که او را علی گویند و او است امام و حجت بعد از پدرش؛ و از صلب علی فرزندی بیرون آورد که او را حسن گویند و او است امام و حجت بعد از پدرش ، و از صلب حسن حجت قائم ، پیشوای شیعیانش ، و نجات دهنده دوستانش را بیرون آورد ، پنهان شود به طوری که دیگر دیده نشود ، دسته ای از امر امامت او برگردند و دسته ای پابرجا بمانند ، و گویند: چه وقت است این وعده اگر راستگویند؟ اگر از عمر دنیا تنها يك روز باقی بماند ، خدای تعالی آن روز را طولانی کند تا قائم ما بیرون آید و زمین را از عدل و داد پر کند هم چنان که از ظلم و ستم پر شده است. پس (ای فرزند) زمین از شما خالی نماند ، خداوند به شما علم و فهم مرا عطا فرموده ، و از خدای خواسته ام که علم و فهم را در اعقاب و نسل و فرزندان و فرزندان فرزندان ، من قرار دهد.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 165 ،

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 176 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

ب: خبر دادن رسول خدا از امامان نسل حسين ، به ابي بن كعب

شيخ صدوق در كتاب «كمال الدين و تمام النعمة» روايت مفصلي از طريق امام حسين عليه السلام نقل کرده است كه رسول خدا به ابي بن كعب ، اسامي اماماني را كه از نسل امام حسين عليه السلام به وجود مي آيند ، خبر داد و دعاهاي ويژه هر کدام از آنان را توضيح داد:

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ تَائِبِ الدَّوَالِيِّ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَضِيِّ النَّحْوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ أَبِي بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَرَحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ أَبِي: وَكَيْفَ يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَحَدُ غَيْرِكَ؟ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ مَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مَصْبُوحٌ هَادٍ وَسَفِينَةٌ نَجَاةٍ وَإِمَامٌ غَيْرُ وَهْنٍ وَعِزٌّ وَقَحْرٌ وَبَحْرٌ عِلْمٍ وَدُخْرٌ قَلِمٍ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي صَلْبِهِ نُطْقَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً خُلِقَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَكُونَ مَخْلُوقٌ فِي الْأَرْحَامِ...

قَالَ لَهُ أَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا هَذِهِ النُّطْقَةُ الَّتِي فِي صَلْبِ حَبِيبِي الْحُسَيْنِ؟ قَالَ: مَثَلُ هَذِهِ النُّطْقَةِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ وَهِيَ نُطْقَةٌ تَبِينُ وَيَبَانُ يَكُونُ مَنْ اتَّبَعَهُ رَشِيدًا وَمَنْ ضَلَّ عَنْهُ عَوِيًّا قَالَ فَمَا اسْمُهُ وَمَا دُعَاؤُهُ؟ قَالَ: اسْمُهُ عَلِيُّ وَدُعَاؤُهُ يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ يَا حَيُّ يَا قَيُومُ يَا كَاشِفَ الْعَمِّ وَيَا قَارِحَ الْهَمِّ وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ مَنْ دَعَا بِهِدَا الدُّعَاءِ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَكَانَ قَائِدَهُ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ لَهُ أَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَهْلُ لَهُ مِنْ خَلْفٍ أَوْ وَصِيٍّ؟ قَالَ: نَعَمْ لَهُ مَوَارِيثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَالَ: فَمَا مَعْنَى مَوَارِيثِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْقَضَاءُ بِالْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالذِّبَانَةِ وَتَأْوِيلُ الْأَحْلَامِ وَيَبَانُ مَا يَكُونُ. قَالَ: فَمَا اسْمُهُ؟ قَالَ: اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَسْتَأْنِسُ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ رِضْوَانٌ وَوُدٌّ فَاعْفِرْ لِي وَلِمَنْ تَبِعَنِي مِنْ إِخْوَانِي وَشِبَعَتِي وَطَيْبٌ مَا فِي صَلْبِي قَرَّكَ اللَّهُ فِي صَلْبِهِ نُطْقَةً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً زَكِيَّةً فَأَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ طَيْبَ هَذِهِ النُّطْقَةَ وَسَمَّاها عِنْدَهُ جَعْفَرًا وَجَعَلَهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا وَرَاضِيًّا مَرْضِيًّا يَدْعُو رَبَّهُ قَائِلًا فِي دُعَائِهِ يَا دِيَّانُ عَيْرَ مَتَّوَانِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اجْعَلْ لِشِبَعَتِي مِنَ النَّارِ وَقَاءً وَلَهُمْ عِنْدَكَ رِضَاءٌ فَاعْفِرْ ذُنُوبَهُمْ وَبَسِّرْ أُمُورَهُمْ وَأَفْضِ دِيُونَهُمْ وَاسْتُرْ عَوْرَاتِهِمْ وَهَبْ لَهُمُ الْكِبَائِرَ الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ يَا مَنْ لَا يَخَافُ الصِّيمَ وَلَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا تَوْمٌ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ فَرجًا وَمَنْ دَعَا بِهِدَا الدُّعَاءِ حَشَرَهُ اللَّهُ عِنْدَهُ أَبْيَضَ الْوَجْهِ مَعَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى الْجَنَّةِ يَا أَبِي وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ عَلَيَّ هَذِهِ النُّطْقَةَ طَيِّبَةً زَكِيَّةً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً أَنْزَلَ عَلَيْهَا الرَّحْمَةَ وَسَمَّاها عِنْدَهُ مُوسَى وَجَعَلَهُ إِمَامًا قَالَ لَهُ أَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ

كُلُّهُمْ يَتَوَاصَفُونَ وَيَتَنَاسَلُونَ وَيَتَوَارَثُونَ وَيَصِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا قَالَ: وَصَفَهُمْ لِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ قَهْلٌ لِمُوسَى مِنْ دَعْوَةٍ يَدْعُو بِهَا سِوَى دُعَاءِ أَبِيهِ قَالَ: نَعَمْ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ وَيَا بَاسِطَ الرَّزْقِ وَيَا قَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوِيِّ وَيَا بَارِيَّ النَّسَمِ وَمُحْيِيَ الْمَوْتِي وَمُؤَيَّتَ الْأَحْيَاءِ وَيَا دَائِمَ النَّبَاتِ وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مَنْ دَعَا يَهْدَا الدُّعَاءَ قَصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَوَائِجَهُ وَحَشَّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَإِنَّ اللَّهَ رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْقَةً طَيِّبَةً زَكِيَّةً مَرْضِيَّةً وَسَمَّاها عِنْدَهُ عَلِيًّا وَكَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَلْقِهِ رَضِيًّا فِي عِلْمِهِ وَحُكْمِهِ وَجَعَلَهُ حُجَّةً لِشِيعَتِهِ يَحْتَجُّونَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي الْهُدَى وَيَسِّرْ لِي عَيْبِي وَاحْشُرْنِي عَلَيْهِ آمِنًا آمِنًا مَنْ لَا خَوْفَ عَلَيْهِ وَلَا حُزْنَ وَلَا جَزَعَ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْقَةً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً زَكِيَّةً مَرْضِيَّةً وَسَمَّاها مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَهُوَ شَفِيعٌ لِشِيعَتِهِ وَوَارِثٌ عِلْمَ جَدِّهِ لَهُ عِلْمَةٌ بَيْنَهُ وَحُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ إِذَا وُلِدَ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلٍ وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا مِثَالَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا خَالِقَ إِلَّا أَنْتَ تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ وَتَبْقِي أَنْتَ حَلَمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ وَفِي الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ مَنْ دَعَا يَهْدَا الدُّعَاءَ كَانَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْقَةً لَا بَاعِيَّةً وَلَا طَاعِيَّةً بَارَةً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ظَاهِرَةً سَمَّاها عِنْدَهُ عَلِيًّا فَالْبَسَهَا السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ وَأَوْدَعَهَا الْعُلُومَ وَالْأَسْرَارَ وَكُلَّ شَيْءٍ مَكْتُومٍ مِنْ لِقِيهِ وَفِي صَدْرِهِ شَيْءٌ أَنْبَأَهُ بِهِ وَحَدَّرَهُ مِنْ عَدُوِّهِ- وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا نُورَ يَا بُرْهَانَ يَا مُبِيرَ يَا مُبِينُ يَا رَبِّ الْكُفَيْبِ شَرِّ الشُّرُورِ وَأَقَاتِ الدُّهُورِ وَأَسْأَلُكَ النِّجَاةَ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ مَنْ دَعَا يَهْدَا الدُّعَاءَ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ شَفِيعَهُ وَقَائِدَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْقَةً وَسَمَّاها عِنْدَهُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ فَجَعَلَهُ نُورًا فِي بِلَادِهِ وَخَلِيفَةً فِي أَرْضِهِ وَعِزًّا لِأُمَّتِهِ وَهَادِيًا لِشِيعَتِهِ وَشَفِيعًا لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَتَقَمَّةً عَلَيَّ مَنْ خَالَفَهُ وَحُجَّةً لِمَنْ وَالَاهُ وَبُرْهَانًا لِمَنْ اتَّخَذَهُ إِمَامًا يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزًا عِزِّي بِعِزِّكَ وَأَبْدِنِي بِنُصْرِكَ وَأَبْعِدْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَدْفَعْ عَنِّي بَدْعَكَ وَأَمْنَعْ عَنِّي بِمَنْعِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا قَرْدُ يَا صَمَدُ- مَنْ دَعَا يَهْدَا الدُّعَاءَ حَشَّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَهُ وَتَجَاهُ مِنَ النَّارِ وَلَوْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ نُطْقَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً ظَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ وَمِنْ أَحَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِيتَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَيَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ تَقِيٌّ بَارٌ مَرْضِيٌّ هَادٍ مُهْدِيٌّ أَوَّلُ الْعَدْلِ وَآخِرُهُ يُصَدِّقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ يَخْرُجُ مِنْ تَهَامَةٍ حَتَّى تَطْهَرَ الدَّلَائِلُ وَالْعَلَامَاتُ وَلَهُ بِالطَّالِقَانِ كُنُوزٌ لَا دَهَبٌ وَلَا فِضَّةٌ إِلَّا خِيُولٌ مُطَهَّمَةٌ وَرِجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَيَّ عَدَدَ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ وَبُلْدَانِهِمْ وَصَنَائِعِهِمْ وَكَلَامِهِمْ وَكُنَاهُمْ كَرَارُونَ مُجِدُونَ فِي طَاعَتِهِ فَقَالَ لَهُ أَبِي وَمَا دَلِيلُهُ وَعَلَامَاتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ عِلْمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَنْطَقَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَنَادَاهُ الْعِلْمُ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَلَهُ رَابِعَانِ وَعَلَامَتَانِ وَلَهُ سَيْفٌ مُعَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اقْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ عَمْدِهِ وَأَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَجَلُّ لَكَ أَنْ تَفْعَدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ فَيَخْرُجُ وَيَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقْفَهُمْ وَيُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ يَخْرُجُ وَجَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَشُعَيْبٌ وَصَالِحٌ عَلَيَّ مُقَدِّمِهِ فَسَوْفَ تَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَقُوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَوْ بَعَدَ جِبْنَ يَا أَبِي طُوبَى لِمَنْ لِقِيَهُ وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِالإِفْرَارِ بِهِ وَيَرْسُولُ اللَّهُ وَيَجْمَعُ الْأَنْمَةَ يَفْتَحُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مِثْلَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ يَسْطَعُ رِيحَهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَمِثْلَهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُبِيرِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ نُورُهُ أَبَدًا قَالَ أَبِي يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ حَالُ هَؤُلَاءِ الْأَنْمَةِ عَنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ خَاتَمًا وَاثْنَيْ عَشْرَةَ صَحِيفَةً اسْمُ كُلِّ إِمَامٍ عَلَيَّ خَاتَمُهُ وَصِفَتُهُ فِي صَحِيفَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

امام حسين عليه السلام مي فرمايد: روزي خدمت جدم رسول خدا صلي الله عليه و آله رسيدم ، ابي

بن کعب نیز در آنجا بود ، حضرت فرمودند: خوش آمدی ای ابا عبد الله! ای زینت بخش آسمانها و زمین ها ، اَبیّ پرسید: چگونه ممکن است کسی غیر از شما زینت بخش آسمانها و زمین ها باشد؟ حضرت فرمودند: قسم به خدائی که به حقّ مرا به سوی مردم فرموده است ، [مقام] حسین بن علیّ در آسمان بالاتر از [مقام] او در زمین است ، و در طرف راست عرش الهی در باره او چنین نوشته شده است: چراغ هدایت و کشتی نجات ، امام استوار ، مایه عزّت و افتخار و [دریای] علم و گنجینه آن ، چرا او چنین نباشد در حالی که خداوند در صلب او نطفه ای پاک و پاکیزه و مبارک قرار داده است ، ...

ابیّ پرسید: یا رسول الله! این نطفه که در صلب حبیب من حسین قرار دارد ، چیست؟ فرمودند: مَثَلُ این نطفه ، مَثَل ماه است ، و آن ، نطفه پسران و دختران است ، هر کس از او پیروی کند به رشد و تعالی می رسد و هر کس از او پیروی نکند ، در گمراهی افتاده ، به غیّ و ضلالت می رسد ، اَبیّ گفت: نام او و دعای او چیست؟ حضرت فرمودند: نامش علیّ است و دعایش چنین است: «یا دائم یا دیموم...» (یعنی: ای دائم همیشگی ، ای زنده پا برجا ، ای که هم و غمّ را برطرف می کنی ، ای مبعوث کننده پیامبران ، ای که در وعده هایت همیشه صادق بوده و هستی) هر کس خدا را به این دعا بخواند خداوند- عزّ و جلّ- او را با علیّ بن- الحسین محشور می گرداند ، و علیّ بن الحسین راهنما و پیشوای او به سوی بهشت خواهد بود ، اَبیّ پرسید: یا رسول الله! آیا او وصیّ و جانشینی خواهد داشت؟

حضرت فرمودند: بله ، میراث آسمانها و زمین متعلّق به اوست. اَبیّ سؤال کرد:

میراث آسمانها و زمین یعنی چه؟ حضرت فرمودند: قضاوت به حقّ ، حکم نمودن بر اساس دین و دیانت ، تأویل احکام و بیان کردن وقایع آینده. اَبیّ گفت:

نامش چیست؟ حضرت فرمودند: اسمش محمّد است و در آسمانها ، مونس ملائکه می باشد و در دعایش چنین می گوید: «اللّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ...».

(یعنی: ای خداوند! اگر از من راضی هستی و مرا دوست داری ، مرا و نیز برادران و شیعیانم را که از من تبعیّت می کنند ، بیامرزد و آنچه را در صلب دارم ، پاکیزه گردان) خداوند نیز در صلب او نطفه ای با برکت و پاک و پاکیزه قرار داد و جبرئیل به من خبر داد که خداوند- عزّ و جلّ- این نطفه را پاکیزه گرداند و آن را در نزد خود جعفر نامید پس ننویسد او گردانید. هادّیو و رور هگاریش
یعنی:

هستی و مسامحه نمی کنی ، ای أرحم الرّاحمین ، به شیعیانم ، وسیله ای که با آن از شرّ آتش در امان باشند مرحمت فرما و از آنها راضی باش و گناهانشان را بیامرزد و امورشان را آسان گردان و قرض هایشان را آداء نما و زشتی هایشان را بیوشان و گناهان کبیره ای را که غیر از تو کسی از آن خبر ندارد (یا گناههای کبیره ای که مربوط به تو است و حقّ التّاس نیست) به آنها ببخش. ای که از ظلم ظالمین نمی هراسی و خواب و خواب آلودگی در تو راهی ندارد ، برای من از هر سختی و مشکلی فرجی قرار ده (هر کس خدا را با این دعا بخواند خداوند او را با چهره ای نورانی با جعفر بن- محمّد به سوی بهشت محشور می فرماید ، ای اَبیّ! خداوند بر روی این نطفه ، نطفه ای پاکیزه و با برکت و پاک قرار داده و رحمت و مهربانی را بر آن نازل نموده و او را نزد خود موسی نامیده است. اَبیّ گفت: یا رسول الله! گویا هسبقتد هم یثبیه یک دیگر را

کنند) و از يك نسل هستند و از يك ديگر ارث

ديگر را توصيف مي نمايند ، حضرت فرمودند: جبرئيل از جانب خداوند آنها را براي من توصيف نموده است ، ابي گفت: آيا موسي ، دعائي غير از دعاي پدرانش دارد؟ حضرت فرمودند: بله ، او در دعائش چنين مي گويد: «يا خالق الخلق و يا باسط الرزق...» (يعني: اي آفريننده خلق ، اي كه رزق و روزي را گسترانده اي ، اي كه دانه هسته را مي شكافي و مي روياني ، اي خالق جانداران ، و زنده كننده مردگان! و اي كه زنده ها را مي ميراني ، اي پا بر جاي هميشگي ، اي خارج كننده گياه [از زمين] با من آن چنان رفتار كن كه خود اهل آن هستي) هر كس خداوند را با اين دعا بخواند ، خدا حوائج او را بر مي آورد و در روز قيامت با موسي بن جعفر محشورش مي نمايد ، و خداوند نيز در صلب او نطفه اي با برکت و پاك و پسندیده قرار داده و نامش را عليّ گذارده است. در ميان خلق ، از نظر علم و حكمت مورد رضايت خداوند مي باشد و خدا او را براي شيعيان حجتّ قرار مي دهد تا در روز قيامت به (رفتار و گفتار) او استدلال و احتجاج كنند و دعائي دارد كه خداوند را به آن دعا مي خواند:

«اللّهُمَّ اعطني الهدى...» (يعني: خدايا به من هدايت عطا كن و مرا بر آن ثابت قدم بدار ، و مرا با امن و امان در حالي كه بر هدايت هستم محشور كن همچون كسي كه هيچ ترس و حزن و جزع و فزعي ندارد ، تو اهل تقوي و اهل آمرزش هستي) و خداوند در صلب او نطفه اي پر برکت ، پاك و پاكيزه و پسندیده قرار داده و او را محمّد بن عليّ ناميده است ، او شفيع شيعيان خود و وارث علم جدّش مي باشد و داراي علامت و حجتّي ظاهر و آشكار است. زماني كه متولد شود مي گويد:

«لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّهِ» صلي اللّهُ عليه و آله و سلّم ، و در دعائش مي گويد: «يا من لا شبيه له و لا مثال...»

(يعني: اي كه هيچ مثل و مانندي نداري تو همان خدايي هستي كه معبودي و خالقي جز تو وجود ندارد ، تو مخلوقين را فنا مي كني و خود باقي هستي ، تو از نافرمانها درمي گذري و رضايت خاطر تو در آمرزش است) هر كس كه اين دعا را بخواند محمّد بن عليّ عليهم السّلام در روز قيامت شفيع او خواهد بود. و خداوند متعال در صلب او نطفه اي قرار داده است كه نه اهل بغي و ظلم است و نه اهل طغيان و نافرمانی ، نيكوكار ، مبارك و پاكيزه ، آن را در نزد خود عليّ بن محمّد ناميده و لباس سكينه و وقار بر او پوشانیده و علوم و اسرار پنهان را در او به ودیعت نهاده است. هر كس او را ملاقات كند و در سینه چيزي [مخفي] داشته باشد ، او را به آن مطلب خبر مي دهد و از دشمنش بر حذر مي دارد و در دعائش چنين مي گويد: «يا نور يا برهان- تا آخر دعاي متن» (يعني: اي نور و اي برهان ، اي نوراني و اي آشكار ، اي پروردگار من ، خودت مرا از شرّ شرور و آفات روزگار حفظ كن و از تو مي خواهم در روزي كه صور دمیده مي شود مرا از اهل نجات قرار دهی) .

هر كس كه اين دعا را بخواند عليّ بن محمّد عليهم السّلام شفيع و پيشواي او به سوي بهشت خواهد بود. و خداوند تبارك و تعالي در صلبش نطفه اي قرار داد كه او را نزد خود حسن ناميد وي را همچون نوري در شهرها قرار داد ، در زمينش خليفه گرداند و مايه عزّت امتّ جدّش نمود و هادي و راهنماي شيعيانش كرده نزد پروردگارش او را شفيع آنان نمود. خداوند او را مايه نعمت و عذاب مخالفين قرار داد و براي دوستانش و كساني كه او را امام خود بدانند ، حجتّ و برهان گرداند. او در دعائش چنين مي گويد: «يا عزيز العزّ في عزّه...». (يعني اي كه در عزّت خود عزيزي چقدر عزيز است كسي كه در عزّت خود عزيز است! مرا با عزّت خود عزيز گردان و با ياريت تأييد كن ، و با قدرت خویش وسوسه هاي شيطاني را از من دور گردان ، و مرا حفظ كن و از بهترين خلق خود قرار ده ، يا واحد!

هر کس خدا را با این دعا بخواند ، خداوند با او (حسن) محشورش می نماید و اگر آتش هم بر او واجب و لازم شده باشد ، از آتش می رهندش. و خداوند ، تبارک و تعالی ، در صلب حسن نطفه ای با برکت ، پاک و پاکیزه و طاهر و مطهر قرار داده است که هر مؤمنی ، که خداوند از وی برای ولایت پیمان گرفته است ، به او راضی و خشنود خواهد شد و هر انسان منکری به او کافر می شود ، او امامی است با تقوی ، پاک ، نیکوکار ، پسندیده ، هدایت گر و هدایت شده ، به عدل حکم می کند و به عدالت دستور می دهد ، خداوند را تصدیق می کند و قبول دارد و خداوند نیز او را در گفتارش تصدیق می نماید ، از تهامه «1» در زمانی که دلائل و علامات آشکار شده باشد ، خروج می کند. او دارای گنجهایی است ولی نه از طلا و نقره بلکه از اسبهایی تام الخلق و قوی و پیاده نظامی با علامتهای مشخص (و یا تام الخلق و قوی) . خداوند- تبارک و تعالی- از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفر برای او سپاه گرد آورد. او نوشته ای در دست دارد که لاک و مهر شده و در آن تعداد و اسامی اصحاب او و نیز نسب شهرهای آنها و خلق و خوی ، وضع ظاهری ، چهره و قیافه و نیز کنیه آنان ثبت شده است. این نفرات جنگاور بوده ، در اطاعت و فرمانبرداری از او کوشا هستند و مجدانه عمل می کنند.

ابی سؤال کرد: علائم و نشانه های او چیست؟ حضرت فرمودند: وقتی زمان قیام او برسد ، آن پرچم خود بخود باز می شود و خداوند آن را به سخن می آورد سپس پرچم ، او (حضرت مهدی آل محمد) را صدا می کند و می گوید: «ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا را بکش». و این دو (یعنی باز شدن پرچم و نطق او) دو علامت و نشانه برای او هستند. و نیز شمشیری غلاف شده دارد ، که وقتی زمان قیامش فرا رسد آن شمشیر از غلاف خود خارج می شود و خداوند آن را به سخن می آورد شمشیر صدا می زند و می گوید» ای ولی خدا بیا خیز که دیگر برای تو جاز نیست از پیکار با دشمنان خدا باز ایستی» پس ، حضرت قیام می کند و دشمنان خدا را- در هر جا به دست آورد- می کشد و حدود الهی را برپا کرده ، اجرا می کند ، به حکم خداوند حکم می کند. در حالی که جبرئیل علیه السلام در سمت راست آن حضرت و میکائیل در سمت چپ ایشان خواهند بود ، این مطلب را که برایتان گفتم- و لو بعد از مدتی- خواهید دانست و کارهایم را بر عهده خدا می گذارم.

ای ابی: خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند ، خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد ، و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد ، خداوند ، به خاطر وی و به خاطر اقرار و اعتقاد به خدا و رسول و همگی ائمه ، آنها را از هلاکت نجات می دهد ، خدای مٔان درهای بهشت را برای آنها باز می کند. مثل آنها در زمین ، مثل مشک است که دائم از خود بوی خوش ساطع می کند ولی تغییری در او حاصل نمی شود. و مثل آنها در آسمان مثل ماه نورانی است که هیچ گاه نورش خاموش نمی شود. ابی عرض کرد: أحوالات این ائمه ، از طرف خداوند چگونه بیان شده است؟ حضرت فرمودند: خداوند ، دوازده صحیفه بر من نازل فرمود که اسم هر امامی داخل قسمت مهرشده مربوط به آن امام است و وصف [و احوال] او در صحیفه مربوط به خود اوست.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 265 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

عرض کردم: این نام ها را تاکنون نشنیده بودم ، فرمود: ای پسر عباس! ایشان امامان بعد از منند اگر چه مقهور شوند ، و امین های معصوم و نجیبان برگزیده هستند ، ای پسر عباس! هر که در روز قیامت وارد شود و حق آنها شناخته باشد ، دستش را گرفته و او را وارد بهشت کنم ، ای پسر عباس هر که ایشان را یا یکی از آنها را ردّ کند (و منکر شود) پس گویا مرا ردّ کرده و انکار کرده ، و هر که مرا انکار کند همانند کسی است که خدا را انکار کرده و او را ردّ کرده است ، ای پسر عباس به زودی مردم راست و چپ را بگیرند (و هر کس در دین و آیین به راهی رود) هرگاه چنین شد ، از علی و پیروانش پیروی کن ، زیرا او با حقّ و حقّ با اوست ، و آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند ، ای پسر عباس! ولایت ایشان ولایت من ، و ولایت من ولایت خدا است ، حزب ایشان حزب من و حزب من حزب خدا است ، سازش با ایشان سازش با من و سازش من سازش خدا است ، سپس فرمود: «می خواهند به دهنهای خود نور خدا را خاموش کنند و خدا تمام کننده نور خویش است اگر چه کافران ناخوش دارند».

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 17 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

روایت عبد الله بن عباس از طریق جابر بن یزید جعفی نیز نقل شده است.

مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل آورده است:

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ فِي كِتَابِ الْعَيْبَةِ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُسْتَنبِرِ عَنْ الْمُقْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْحَسَنُ عَلَى عَاتِقِهِ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِي قَدْحِهِ يَلْتُمُهُمَا وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ وَال مَنْ وَالَاهُمَا...

الطبرسي ، ميرزا الشيخ حسين النوري (متوفای 1320هـ) ، مستدرک الوسائل ، ج 10 ، ص 276 ، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - بيروت - لبنان ، چاپ: الثانية 1408 - 1988 م

روایت دوم:

«وصي من علي ، حسن و حسين و نه فرزند از صلب حسين هستند»

شخص یهودی به محضر رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد از نزد حضرت مسائلی را از جمله در باره جانشینان آن حضرت و نامهای آنان پرسید. رسول خدا هریک را با اسم به او معرفی کرد. مرد یهودی با گفتن شهادتین اسلام آورد و با توجه به مطالب کتاب خودش ، کلام رسول خدا را در باره اوصائش تصدیق کرد.

این روایت را بزرگان از محدثان از جمله ابو القاسم خزاز قمی این گونه نقل کرده است:

أخبرني أبو المفضل محمد بن عبد الله بن عبد المطلب الشَّيباني رحمه الله قال: حدَّثنا محمد بن مطرف بن سواد أبو الحسين البستي بمكة قال: حدَّثنا أبو الحاتم المهلب المغيرة بن محمد المهلب قال: حدَّثنا عبد الغفار بن كثير الكوفي عن أبي مريم عن إبراهيم بن حميد عن أبي هاشم عن مجاهد عن عبد الله بن العباس قال: قدِمَ يَهُودِيٌّ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُقَالُ لَهُ نَعْتَلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ أَسْبَاءَ تَلَجَلَجَ فِي صَدْرِي مُنْذُ حِينَ قَانَ أَنْتَ أَجَبْتَنِي عَنْهَا أَسَلْتُ عَلَيَّ يَدِكَ قَالَ: سَلْ يَا أبا عُمَارَةَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ صِفْ لِي رَبَّنَا...

قال: صدقت يا محمد فأخبرني عن وصيِّك من هو وما من نبيِّ إلا وله وصيٌّ وإنَّ نبيِّنا موسى بن عمران أو وصيَّ إلي يوشع بن نون فقال: نعم إنَّ وصيِّي والخليفة من بعدي عليُّ بن أبي طالب وبعده سبطاي الحسن والحسين تتلوهُ تسعة من صلب الحسين أئمة أبرار قال: يا محمد قسِّمهم لي قال: نعم إذا مَضَى الحسينُ قابله عليُّ فإذا مَضَى عليُّ قابله محمدٌ فإذا مَضَى جعفرٌ فإذا مَضَى جعفرٌ قابله موسى فإذا مَضَى موسى قابله عليُّ فإذا مَضَى عليُّ قابله محمدٌ فإذا مَضَى محمدٌ قابله عليُّ فإذا مَضَى عليُّ قابله الحسن فإذا مَضَى الحسنُ قابله ابنه الحجة بن الحسن بن عليِّ فهذه اثنا عشر إماماً عليَّ عددُ نبيِّنا بني إسرائيل. قال: فأين مكأنهم في الجنة قال: معي في درجتي قال: أشهد أن لا إله إلا الله وأنك رسول الله وأشهد أنهم الأوصياء بعدك ولقد وجدت هذا في الكتب المُقدَّمة وفيما عهد إلتينا موسى بن عمران عليه السلام أنه إذا كان آخر الزمان يخرج نبيُّ يُقال له أحمدُ حاتم الأتبياء لا نبيَّ بعده يخرج من صلبه أئمة أبرار عددُ الأسباط فقال: يا أبا عُمَارَةَ أتعرفُ الأسباط قال: نعم يا رسول الله إنهم كانوا اثني عشر. قال: فإنَّ فيهم لابي بن أرحيا قال: أعرفه يا رسول الله وهو الذي غاب عن بني إسرائيل سنين ثم عاد فأظهر شريعته بعد أن دُرِاسيها وقاتل مع قرسطيا المملك حتى قتله وقال صلى الله عليه وآله: كائن في أممي ما كان في بني إسرائيل حدو التعل بالنعل والقدَّة بالقدَّة وإنَّ الثاني عشر من وُلدي يغيب حتى لا يري وبأتي عليَّ أممي زمن لا يبقِي من الإسلام إلا اسمه ولا من القرآن إلا رسمه فحينئذ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَيُجَدِّدُ الدِّينَ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طُوبَى لِمَنْ أَحْبَبَهُمْ وَطُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ وَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِيهِمْ ...

عبد الله بن عباس مي گوید: مردی یهودی که نامش نعتل بود بر پیغمبر صلی الله علیه و اله وارد شد ، و از محضر حضرت سؤالاتی را در مورد خدا شناسی پرسید و بعد در مورد امامت و جانشینی بعد از آن حضرت این گونه سؤال کرد:

اکنون مرا خبر ده که وصی تو کیست؟ زیرا هیچ پیغمبری نیست مگر این که برای او وصی است ، و پیغمبر ما موسی بن عمران به یوشع بن نون وصیت کرد ، حضرت فرمود: آری وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب و پس از او ، دو نوه ام حسن و حسین و پس از ایشان نه تن از صلب حسین امامان نیکوکار بیایند. عرض کرد: ای محمد نامشان را برایم بیان فرما. فرمود: آری چون حسین برود فرزندش علی ، و چون علی بگذرد فرزندش محمد ، و چون محمد برود فرزندش جعفر ، و چون جعفر بگذرد فرزندش موسی ، و چون موسی بگذرد فرزندش علی ، و چون علی برود فرزندش محمد ، و چون محمد بگذرد فرزندش علی ، و چون علی برود فرزندش حسن ، و بعد از حسن حجة بن الحسن ، ایشانند دوازده امام به شماره نقیبان بنی اسرائیل.

مرد یهودی عرض کرد: جای ایشان در کجای بهشت است؟ فرمود: همراه من و هم درجه منند. عرض کرد: گواهی می دهم که پروردگاری جز خدای یگانه نیست؛ و محمد بنده و فرستاده اوست ، و آنها اوصیای پس از تو هستند ، و این مطلب را در کتابهای گذشته دیده ام ، و در آنچه موسی بن عمران

عليه السلام به ما سفارش فرموده چنین است که چون آخر الزمان شود پیغمبری که نامش احمد است بیاید ، و او خاتم پیغمبران است و پس از او پیغمبری نیست. از صلب او به شماره سبطهای بنی اسرائیل امامانی نیکوکار بیرون آیند ، فرمود: ای ابا عماره سبطهای بنی اسرائیل را می شناسی؟ عرض کرد: آری ، ای رسول خدا ایشان دوازده نفر بودند. فرمود: در آنها لای بن اریحا بود؟ عرض کرد: ای رسول خدا او را می شناسم و او کسی بود که از بنی اسرائیل پنهان شد ، سپس برگشت و شریعتش را پس از کهنگی آشکار کرد ، و با فرسوطیای پادشاه جنگ کرد تا کشته شد.

حضرت فرمود: هر چه در بنی اسرائیل بوده در امت من نیز بدون کم و زیاد خواهد شد ، و دوازدهمین فرزندم پنهان شود که دیگر دیده نشود ، و روزگاری بر امتم بیاید که از اسلام جز نامش ، و از قرآن جز نشانه اش باقی نماند؛ در آن هنگام خداوند اجازه خروجش دهد ، پس (ظاهر شود) و اسلام را آشکار و دین را تجدید کند ، سپس فرمود: خوشا به حال کسی که ایشان را دوست بدارد ، و به آنان چنگ زند ، و وای به حال کسی که ایشان را دشمن دارد.

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 11 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140هـ.

العاملی ، الشيخ جمال الدين يوسف بن حاتم بن فوز (متوفای 664هـ) ، الدر النظيم ، ص 788 ، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين ، قم المشرفة. بي تا.

المجلسي ، محمد باقر (متوفای 1111هـ) ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، ج 36 ص 283 ، تحقيق: محمد الباقر البهبودي ، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان ، الطبعة: الثانية المصححة ، 1403هـ - 1983م.

روایت سوم :

خبر دادن رسول خدا به فاطمه (س) از اسامی امامان دوازده گانه

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به دنیا آمد ، خداوند به جبرئیل دستور داد برای عرض تبریک به محضر رسول خدا برود و نام این مولود را «حسین» بگذارد. فرشتگان برای تبریک به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و جبرئیل به دستور خداوند از سرانجام و شهادت حسین به او خبر داد و در ضمن پیغام فرشته دردائیل را که پرهایش سوخته بود به حضرت ابلاغ کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم قضیه شهادت حسین را به مادرش فاطمه گفت. حضرت زهرا پس از شنیدن این خبر بی تابی می کرد؛ اما رسول خدا از امامانی که از نسل حسین به وجود می آمد به فاطمه خبر داد و او از گریه کردن ساکت شد.

شیخ صدوق این روایت مفصل را این گونه نقل کرده و ما محل شاهد انتخاب کرده ایم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَرَشِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الرَّبِيعِ الزُّهْرَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

يَا لَيْتَنِي لَمْ أَلِدْهُ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ فِي النَّارِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَأَنَا أَشْهَدُ بِدَلِّكَ يَا فَاطِمَةُ وَلَكِنَّهُ لَا يُقْتَلُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُ إِمَامٌ يَكُونُ مِنْهُ الْأَئِمَّةُ الْهَادِيَّةُ بَعْدَهُ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَالْأَئِمَّةُ بَعْدِي الْهَادِي عَلِيٌّ وَالْمُهْتَدِي الْحَسَنُ وَالنَّاصِرُ الْحُسَيْنُ وَالْمَنْصُورُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَالشَّفَاعُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَالنَّفَاعُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْأَمِينُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَالرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَالْفِعَالُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْمُؤْتَمَنُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْعَلَامُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَمَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَسَكَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنَ الْبُكَاءِ...

ابن عباس می گوید از رسول خدا شنیدم می فرمود: برای خدای تبارک و تعالی فرشته ای است که در دایمل نام دارد....

فاطمه گریه کرد و فرمود: کاش او را به دنیا نیاورده بودم ، کشنده حسین در آتش است. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: من نیز بدان گواهم؛ اما حسین کشته نمی شود تا این که از او امامی به جا ماند که امامان و راهنمایان پس از او باشند ، سپس فرمود: امامان بعد از من هادی (یعنی علی علیه السلام) و مهتدی (حسن) و ناصر (حسین) و منصور (علی بن الحسین) و شفاع (یعنی بسیار شفاعت کننده) (محمد بن علی) و نفاع « یعنی بسیار نفع رساننده » (جعفر بن محمد) و امین (موسی بن جعفر) و مؤتمن (علی بن موسی الرضا) و امام (محمد بن علی) و فعّال (علی بن محمد) و غلام (حسن بن علی) و کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز بخواند. پس فاطمه از گریه آرام شد.

الصدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 283 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

9. روایت جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا در ذیل آیه «اطیعوا الله»

در این روایت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله ذیل آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» در پاسخ جابر بن عبدالله انصاری ، که از مصداق «اولی الامر» پرسیده بود؛ اسامی تمام ائمه را شرح دادند:

وَحَدَّثَنَا عَيْرٌ وَاحِدٌ مِنْ أَصْحَابِنَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ مَالِكِ الْقَزَارِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَارِثِ عَنِ الْمُقْصِلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ؟ فَقَالَ: هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَأَئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي الثُّورَةِ بِالْبَاقِرِ وَسُدْرُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَدُو كُنْيَتِي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ عَيْبَةً لَا يَتَّبَعُ فِيهَا عَلِيَّ الْقَوْلَ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ

لِإِيْمَانٍ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَهْلُ يَقَعُ لِشَيْعَتِهِ الْإِنْتِقَاعُ بِهِ فِي عَيْبَتِهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُيُوتَةِ إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيئُونَ نُورَهُ وَيَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي عَيْبَتِهِ كَأَنْتِقَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ
تَجَلَّاهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْرُوجِ عِلْمِ اللَّهِ فَادْكُمُوهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ.

جابر بن یزید جعفی می گوید: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: هنگامی که آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم نازل شد ، خدمت حضرت عرض کردم: ما خدا و رسول را شناختیم و اکنون می خواهیم بدانیم این اولو الامر که طاعت آنان با اطاعت خدا و رسول قرین شده کدام افراد هستند؟ ، فرمود: این افراد خلفای من هستند.

ای جابر! آنان پیشوایان مسلمین اند که پس از من خواهند آمد؛ اول آنها علی بن ابی طالب است ، پس از وی حسن و بعد از او حسین سپس علی بن الحسین ، و محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو او را درک خواهی کرد و هر گاه وی را ملاقات نمودی سلام مرا به او برسان ، بعد از او جعفر بن محمد ، و موسی بن جعفر و علی بن موسی ، و محمد بن علی ، و علی بن محمد ، و حسن بن علی امام هستند.

پس از اینها همنام و صاحب کنیه من که حجت پروردگار و نشانه او در زمین است و نام او محمد بن حسن می باشد که از شیعیان و پیروان و دوستان خود غیبت خواهد کرد ، و جز افرادی که در ایمان امتحان داده باشند کسی در امامت او باقی نخواهد ماند ، به خداوندی که مرا به راستی برانگیخته شیعیان از غیبت او استفاده خواهند کرد و از تابش انوار او مستفیض خواهند شد همان طور که از خورشید استضاء می کنند و لو در زیر ابر باشد ، ای جابر این مطالب از اسرار خداوند است که در گنجینه های علم محفوظ مانده و آنها را جز به اهلس اطلاع نده.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ) ، کمال الدین و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 253 ، ناشر: اسلامیه - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

الطبرسی ، ابي علي الفضل بن الحسن (متوفای 548هـ) ، اعلام الوری بأعلام الهدی ، ص 397 ، ناشر: اسلامیه.

الإربلي ، ابي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفای 693هـ) ، كشف الغمة في معرفة الأئمة ، ج 2 ، ص 510 ، ناشر: دار الأضواء - بيروت ، الطبعة الثانية ، 1405 هـ - 1985 م.

10. روایت ابو حمزه ثمالی و پدرش از امام صادق (ع)

« وَمَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ... »

این روایت از زبان امام صادق علیه السلام بیان شده که رسول خدا ، در باره شهادت به وحدانیت خدا و پیامبر صحبت می کرد و در باره ائمه فرمود: خداوند می فرماید: کسی که بر ولایت ائمه علیهم السلام شهادت ندهد؛ به آیات و کتب من کفر ورزیده است. در همانجا جابر بن عبدالله انصاری از اسماء ائمه پرسید حضرت همه آنها را با اسم معرفی نمود:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ عَلِمَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي وَأَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَّجِي...

قَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ الْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَسَتْدْرُكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكْتَهُ فَأَقْرَبْتَهُ وَيُنِي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ النَّفِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزُّكِّيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا هُوَ لِأَيِّ جَابِرٍ خَلْقَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلَادِي وَعِثْرَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي بِهِمْ يُمَسِكُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَيَّ الْأَرْضُ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.

امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم روايت مي کند که فرمود: جبرئيل جانب پروردگار براي آورده است: هر کس بداند که هيچ معبودي جز من نيست و محمد بنده و فرستاده من است و علي بن ابي طالب جانشين من است و ائمه اي که از فرزندان او هستند حجتهاي منند ، ...

آنگاه جابر بن عبد الله انصاري از جابر خواست و گفت: اي رسول خدا! ائمه از فرزندان علي بن ابي طالب چه کسانی هستند؟ فرمود: حسن و حسين سيد جوانان بهشت ، سپس سيد العابدین در زمانش علي بن الحسين ، سپس محمد بن - علي الباقر- و تو اي جابر او را درک مي کنی و آن هنگام که او را ديدي سلام مرا به او برسان- سپس جعفر بن محمد الصادق ، سپس موسي بن جعفر الکاظم ، سپس علي بن موسي الرضا ، سپس محمد بن علي التقي ، سپس علي بن محمد التقي ، سپس حسن بن علي الزکي ، سپس فرزند او قائم به حق مهدي ائمت کسی که او زمين را پر از عدل و داد نمايد همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد ، اي جابر! آنان جانشينان و اوصياء و اولاد و عترت من هستند ، کسی که ايشان را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و کسی که از آنان سرپیچی کند مرا سرپیچی کرده است و کسی که ايشان را يا یکی از آنان را انکار کند مرا انکار کرده است ، به واسطه آنان است که خداوند آسمان را نگاه داشته تا بر زمين نیفتد مگر به اذن او ، و به سبب آنان خداوند زمين را حفظ کرده تا اهلش را نلرزاند.

الصدوق ، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ) ، کمال الدين و تمام النعمة ، ج 1 ، ص 259 ، ناشر: اسلامية - تهران ، الطبعة الثانية ، 1395 هـ.

الخزاز القمي الرازي ، ابي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ) ، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر ، ص 143 ، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي ، ناشر: انتشارات - قم ، 140 هـ.

الطبرسي ، ابي علي الفضل بن الحسن (متوفای 548هـ) ، إعلام الوري بأعلام الهدي ، ص 398 ، تحقيق و نشر: تحقيق مؤسسة آل

نتیجه کلی:

همان گونه که ملاحظه می شود ، در منابع اهل سنت ، به طور اجمال ، جانشینان رسول خدا را با تعبیر «اثنا عشر خلیفه» ، «اثنا عشر امیر» ، «اثنا عشر نقیب» ، «اثنا عشر رجل» و «اثنا عشر قیم» با ذکر برخی از ویژگیها ، دوازده تن معرفی شده است؛ اما طبق روایات صحیح و موثق مذکور در منابع شیعه ، به صورت روشن و شفاف رسول خدا مصداق این دوازده خلیفه را امامان معصوم علیهم السلام می داند و نامهای شریف آنان نیز باز گو نموده است. ویژگیهای همانند:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ، لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ، لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا إِلَيَّ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ، لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً .

که در قسمت روایات اهل سنت ذکر شد ، دقیقاً بر امامان معصوم اهل بیت تطبیق می کند؛ زیرا پایداری دین اسلام تا روز قیامت وابسته به وجود این خلفاء است: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً. پس طبق این روایات ، باید این دوازده خلیفه وجود داشته باشد تا دین سرپا باشد و اگر خلفای اهل سنت مصداق این دوازده نفر هستند ، می بایست با انقضای آنان ، اسلام هم منقضی می شد؛ در حالیکه می بینیم الان خلفای آنها نیست و از دنیا رفته اند؛ اما اسلام پایدار و قدرتمندتر از گذشته است.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

